

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ره‌توشه‌ راهیان نور

ویژه محرم الحرام ۱۴۳۱ ق / ۱۳۸۸ ش

« شخصیت‌های عاشورایی »

تهیه و تدوین:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

معاونت فرهنگی و تبلیغی

مدیریت تدوین ره‌توشه راهیان نور

ره‌توشه راهیان نور: ویژه محرم الحرام ۱۴۳۱ ق. = ۱۳۸۸ ش (شخصیت‌های عاشورایی) / تهیه و تدوین
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی، مدیریت تدوین ره‌توشه
راهیان نور. - قم: رشید، ۱۳۸۸.
۱۱۲ ص. - (متون علمی - آموزشی ویژه مبلغان؛ ۸۴)
ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۳۷-۷۰-۰: ریال ۱۸۰۰۰

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتاب‌نامه به صورت زیرنویس.

۱. واقعه کربلا، ۶۱ ق. - مقاله‌ها و خطبه‌ها. ۲. حسین بن علی ، امام سوم، ۴-۶۱ ق. -
اصحاب. ۳. اسلام - تبلیغات - راهنمای آموزشی. الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
معاونت فرهنگی و تبلیغی. مدیریت تدوین ره‌توشه راهیان نور. ب. عنوان: شخصیت‌های عاشورایی
۲۹۷/۹۵۳۴ BP ۴۱ / ۷۵ / ۹۵
۱۳۸۸

ره‌توشه راهیان نور

ویژه محرم الحرام ۱۴۳۱ ق / ۱۳۸۸ ش

تهیه و تدوین: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

معاونت فرهنگی و تبلیغی

مدیریت تدوین ره‌توشه راهیان نور

ناشر: نشر رشید

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: الهادی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۵۰۰۰

بها: ۱۸۰۰ تومان

تلفن: ۷۱۱۶۰ - ۰۲۵۱ شماره: ۷۷۴۳۱۷۶ - ۰۲۵۱

درگاه وبسایت‌های معاونت فرهنگی و تبلیغی: www.balagh.ir

پست الکترونیک: info@balagh.ir-net

تمامی حقوق © محفوظ است.

Printed in the Islamic Republic of Iran

امام خمینی(قدس سره):

با حلول ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد. ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد. ماهی که قدرت حق، باطل را تا ابد محکوم و داغ باطله بر جبهه ستم کاران و حکومت‌های شیطانی زد. ماهی که به نسل‌ها در طول تاریخ، راه پیروزی بر سرنیزه آموخت. ماهی که شکست ابرقدرت‌ها را در مقابل کلمه حق، به ثبت رساند. ماهی که امام مسلمین، راه مبارزه با ستم کاران تاریخ را به ما آموخت.

مقام معظم رهبری(مدظله):

حقاً باید گفت که نه فقط ما انسان‌های خاکی حقیر و ناقابل، بلکه همه عوالم وجود، ارواح و اولیا و بزرگان و فرشتگان مقرب، محتاج پرتوی از نور اویند و در تمام عوالم تودرتوی وجود، که برای ما روشن و آشنا هم نیست، نور مبارک حسین بن علی مثل خورشید می‌درخشد. اگر انسان خود را در پرتو این خورشید قرار دهد، این کار بسیار برجسته است.

فهرست مطالب

پیش‌گفتار.....	۱۱
مقدمه.....	۱۵
کوفه شناسی اجمالی.....	۱۸
پیش‌درآمدی شخصیت‌شناسی.....	۲۰
تعریف شخصیت.....	۲۲
دائرة و دامنه شخصیت انسانی.....	۲۲
الف) شخصیت‌های سفید.....	۲۷
۱- بریر بن خضیر همدانی.....	۲۷
تحلیل شخصیت بریر.....	۲۹
شناسنامه تولی.....	۲۹
نکات شخصیتی.....	۲۹
۲- ابو ثمامه عمرو بن عبدالله صائدی همدانی.....	۳۰
تحلیل شخصیت ابو ثمامه.....	۳۱
شناسنامه تولی.....	۳۱
نکات شخصیتی.....	۳۲
۳- عمر بن خالد اسدی صیداوی.....	۳۲
تحلیل شخصیت او.....	۳۴
شناسنامه تولی.....	۳۴
نکات شخصیتی.....	۳۴
۴- قیس بن مسهر صیداوی.....	۳۵
تحلیل شخصیت او.....	۳۶
شناسنامه تولی.....	۳۶
نکات شخصیتی.....	۳۶
۵- مسلم بن عوسجه.....	۳۷
تحلیل شخصیت او.....	۳۹
شناسنامه تولی.....	۳۹
نکات شخصیتی.....	۴۰

- ۴۰- ۶- حبیب بن مظاهر اسدی ۴۰
 تحلیل شخصیتی ۴۲
 شناسنامه تولى ۴۲
 نکات شخصیتی ۴۳
 ۷- زهير بن قين بجلی ۴۴
 تحلیل شخصیت او ۴۵
 شناسنامه تولى ۴۵
 نکات شخصیتی ۴۶
 ۸- عبدالرحمن بن عبد رب انصاری خزرجی ۴۶
 تحلیل شخصیت او ۴۷
 شناسنامه تولى ۴۷
 نکات شخصیتی ۴۸
 ۹- عمرو بن قرظہ انصاری ۴۸
 تحلیل شخصیت او ۴۹
 شناسنامه تولى ۵۰
 نکات شخصیتی ۵۰
 ۱۰- هانی بن عروه مرادی مذحجی ۵۱
 تحلیل شخصیت او ۵۲
 شناسنامه تولى ۵۲
 نکات شخصیتی ۵۲
 ۱۱- عمار بن ابی سلامه همدانی دالانی ۵۳
 تحلیل شخصیت او ۵۴
 شناسنامه تولى ۵۴
 نکات شخصیتی ۵۵
 ۱۲- حر بن یزید ریاحی ۵۵
 تحلیل شخصیت او ۵۷
 شناسنامه تولى ۵۸
 نکات شخصیتی ۵۸
 ۱۳- یزید بن ثیبط عبدی بصری ۵۹
 تحلیل شخصیتی ۶۰
 شناسنامه تولى ۶۱
 نکات شخصیتی ۶۱
 ۱۴- سعید بن عبدالله حنفی ۶۲
 تحلیل شخصیت او ۶۳
 شناسنامه تولى ۶۳
 نکات شخصیتی ۶۳

۶۴	۱۵- انس بن حارث کاهلی اسدی
۶۵	تحلیل شخصیتی
۶۶	شناسنامه تولی
۶۶	نکات شخصیتی
۶۷	۱۶- مختار بن ابی عبیده ثقفی
۶۹	تحلیل شخصیتی او
۶۹	شناسنامه تولی
۷۰	نکات شخصیتی
۷۰	۱۷- میثم تمار
۷۲	تحلیل شخصیتی او
۷۲	شناسنامه تولی
۷۳	نکات شخصیتی
۷۳	۱۸- عبدالله بن عقیف ازدی
۷۴	تحلیل شخصیت او
۷۴	شناسنامه تولی
۷۵	نکات شخصیتی
۷۵	۱۹- جابر بن عبدالله انصاری
۷۶	تحلیل شخصیت او
۷۷	شناسنامه تولی
۷۷	نکات شخصیتی
۷۸	ب) شخصیت های خاکستری
۷۸	۱- زید بن ارقم
۷۹	تحلیل شخصیتی
۷۹	شناسنامه تولی
۸۰	نکات شخصیتی
۸۰	۲- عبیدالله بن حر جعفی
۸۲	تحلیل شخصیتی او
۸۲	شناسنامه تولی
۸۲	نکات شخصیتی
۸۳	۳- سلیمان بن سرد خزاعی
۸۵	تحلیل شخصیت او
۸۵	شناسنامه تولی
۸۶	نکات شخصیتی
۸۶	۴- ابراهیم بن مالک اشتر
۸۸	تحلیل شخصیت
۸۸	شناسنامه تولی

۸۸	نکات شخصیت
۸۹	۵- هرثمه و شیبان بن مخرم
۹۰	تحلیل شخصیت
۹۰	شناسنامه تولی
۹۱	نکات شخصیتی
۹۱	۶- رفاعه بن شداد بجلی
۹۲	تحلیل شخصیتی او
۹۳	شناسنامه تولی
۹۳	نکات شخصیتی
۹۳	۷- طرماح بن عدی طایی
۹۴	تحلیل شخصیت
۹۵	شناسنامه تولی
۹۵	نکات شخصیتی
۹۶	ج) شخصیت‌های سیاه
۹۶	۱- شبت بن ربیع تیممی
۹۸	تحلیل شخصیت
۹۹	شناسنامه تولی
۹۹	نکات شخصیتی
۱۰۰	۲- نعمان بن بشیر خزرجی انصاری
۱۰۱	تحلیل شخصیت
۱۰۱	شناسنامه تولی
۱۰۱	نکات شخصیتی
۱۰۲	۳- عبدالله بن عمر
۱۰۳	تحلیل شخصیت
۱۰۳	شناسنامه تولی
۱۰۴	نکات شخصیتی
۱۰۴	۴- عمرو بن حجاج زبیدی مدحجی
۱۰۶	تحلیل شخصیت
۱۰۶	شناسنامه تولی
۱۰۶	نکات شخصیتی
۱۰۷	۷- محمد و قیس فرزندان اشعث
۱۰۹	تحلیل شخصیت
۱۰۹	شناسنامه تولی
۱۰۹	نکات شخصیت
۱۱۰	نکته پایانی

پیش‌گفتار

السلام عليك يا ابا عبدالله و على الأرواح التي حلت بفنائك

حماسه جاودان عاشورا پیوسته همچون مشعلی فروزان بر تارک تاریخ می‌درخشد و بر جان تشنگان حقیقت و ره‌پویان سعادت نورافشانی می‌کند.

سالار شهیدان جهان، استراتژی مبارزه حق‌طلبانه خود را با خط سرخ شهادت، بر لوح زرین حیات انسانی به زیباترین صورت نگاشته تا همواره آزادگان، جوانمردان و عدالت‌خواهان، آن را سرلوحه عمل خویش قرار دهند. اگر گفته می‌شود: «شهید، قلب تاریخ است»، یعنی نوری است در ظلمت، فریادی است در سکوت و حرکتی است در سکون؛ حیات بخش و جنبش‌آفرین، حرکت‌زا و فرهنگ‌ساز.

بدین‌سان محرم هر سال، با شوری بیش‌تر به صحنه تاریخ پا می‌گذارد و همگان را به شنیدن پیام جاودانه خود فرا می‌خواند و به یک‌باره، همه ارزش‌های متعالی را در لابه‌لای حوادث بی‌بدیل جلوه‌گر می‌سازد.

آری، مکتب شهادت به عنوان حضوری عاشقانه و پرفروغ در صحنه مبارزه حق و باطل، اصالتی جاودانه است و رسالت ما، معرفت و پافشاری و شکیبایی بر آن سنت حسنه الهی است.

انقلابی مقدس و اسوه‌ای بی‌نظیر

قیام‌های مقدس ویژگی‌های بارزی دارند که نماد‌اعلای آن در نهضت عظیم کربلا دیده می‌شود، از جمله:

۱. انگیزه قیام، رضای خدا و گرایش‌های عالی انسانی همچون عدل، آزادی، رفع ظلم و استبداد و برافراشتن پرچم توحید است، نه کسب جاه و مقام و ثروت؛
 ۲. در زمان پرظلمت و دهشت‌زا، همچون برقی می‌جهد و چون ستاره‌ای می‌درخشد.

۳. از منطق حقیقت‌خواهی در برابر منطق منفعت‌جویی برخوردار است: وَ يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ^۱، وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حَبِّهِ^۲.

۴. مبتنی بر بینش عمیق و بصیرت نافذ است: وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ^۳، یا درباره اصحاب کهف می‌خوانیم: وَزِدْنَاهُمْ هُدًى^۴. به همین لحاظ برای حماسه حسینی از جهات گوناگون نظیری نمی‌توان یافت؛ لذا گذر زمان آن را کهنه نمی‌سازد و بازگویی مکرر و مداوم آن، هرگز از طراوت و تازگی‌اش نمی‌کاهد و نخواهد کاست.

این نهضت از لحاظ رهبری، هدف، قدرت، علو، فداکاری، انسانیت، افراد حاضر، دشمنان و مقابله‌کنندگان، نحوه شکل‌گیری، پیام و... ویژگی‌هایی بی‌بدیل دارد که شایسته است با نازک‌اندیشی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد و از خرافه و پیرایه‌هایی که در طول زمان به آن بسته شده است، پیراسته گردد و در قالب

۱. حشر، آیه ۹.

۲. انسان، آیه ۸.

۳. انبیاء، آیه ۵۱.

۴. کهف، آیه ۱۳.

اسوه شایسته انسانی برای همیشه و به ویژه اوضاع کنونی فراروی همگان باشد. با کمال تأسف و علی‌رغم بزرگداشت نهضت کربلا، هنوز آن‌گونه که باید، به زوایای گوناگون این نهضت توجه کافی نشده است. باید با تأملی ژرف و در پرتو سخنان سید و سالار شهیدان و متون روایی - تاریخی به بازخوانی و تحلیل اهداف، ابعاد، آثار، عبرت‌ها و درس‌های نهضت پرفروغ عاشورا پرداخت و فلسفه عزاداری و پیام آن قیام الهی را در اوضاع کنونی امت اسلامی تبیین نمود.

حماسه کربلا، پیام‌هایی در گوش جان آدمیان زمزمه می‌کند و مسئولیت‌هایی را که در این دوران بر دوش آنان است یادآور می‌شود.

باید به این نکته توجه نمود که نهضت حسینی، علت بقای اصل دین و فرهنگ اسلامی و جان‌مایه اتحاد و انسجام امت اسلامی است. معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی (قدس سره) با الهام از نهضت حسینی انقلاب رهایی‌بخش خود را آغاز کرد و شکوفه انقلاب اسلامی با همت ستودنی ملت بزرگ ایران در محرم سال ۱۳۵۷ شکفت و در ۲۲ بهمن به بار نشست و پس از آن نیز همین فرهنگ عاشورایی درس‌آموز رشد معنوی و حماسی رزمندگان هشت سال دفاع مقدس گشت؛ پس همگان باید ضمن بازشناسی و تأمل در فلسفه و ابعاد گوناگون این نهضت، رسالت سرخ حسینی را پی بگیرند و با استفاده از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله) مسئولیت خود را در اوضاع نابسامان جهان معاصر، در راستای تحقق اهداف آن حضرت فراموش نکنند.

مجموعه‌ای که پیش روی شماست، ره‌توشه ویژه ماه محرم درباره نهضت حسینی و حماسه همیشه جاوید عاشورا است که در قالبی نوین و شیوه‌ای جدید شامل ۷ جلد کتاب با موضوعات متنوع و هر یک در حجمی متناسب برای ماه محرم تقدیم شما عزیزان می‌گردد.

امیدواریم با مطالعه دقیق مجموعه و انتقال دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خویش (با تکمیل برگه نظرسنجی چاپ شده در آخر کتاب) ما را مورد محبت خود قرار داده و زمینه را برای تغییر و تحولی اساسی در شیوه ارائه مجموعه ره‌توشه و نیز

محتوای مناسب‌تر آن، فراهم سازید.

خداوند بزرگ را می‌خوانیم و از او می‌خواهیم که فضلی گرانقدر، روحانیون ارجمند، مبلغان گرامی و ذاکران گران‌مایه حسینی را در مسئولیت والا و خطیر پیام‌رسانی نهضت کربلا موفق بدارد و امت اسلامی را به ویژه در اوضاع کنونی، درس‌آموز مکتب سالار شهیدان قرار دهد تا نظام سلطه جهانی طمع اختلاف‌افکنی و خیال‌چپاول، حمله، تسلط و استعمار فرهنگی کشورهای اسلامی را در سر نپرواند و دریابند که در سراسر جهان، به ویژه در ایران اسلامی درس‌آموختگان مکتب «هیئات منّا الذلّة» هیچ‌گاه با هیاهو و تهدید و تطمیع از حقوق مسلم خود دست برنمی‌دارند و با عشق و شور و شهادت، آماده مواجهه با هر حرکت نابخردانه دشمن هستند.

در این‌جا لازم است از تلاش‌های بی‌دریغ مجموعه محققان، نویسندگان و دست‌اندرکاران محترم تهیه و تدوین و چاپ و نشر این اثر ارزشمند به ویژه حجه‌الاسلام والمسلمین آقای رضایی که مسئولیت رایزنی با مؤلفان و تهیه مقالات را داشته‌اند، و از جناب آقایان محمود نوراللهی و سید حسین موسوی که مسئولیت پی‌گیری و چاپ مجموعه را برعهده داشتند و تلاش متراکم و مضاعف نمودند، هم‌چنین شورای علمی محترم که ما را در ارائه این مجموعه یاری رساندند، صمیمانه سپاسگزاری نماییم.

پیشاپیش از هر گونه نقص و کاستی پوزش طلبیده و از خدای منان برای همه مبلغان گرامی، توفیق و سلامت و سعادت را آرزو می‌کنیم. و آخر دعوانا
أن الحمد لله رب العالمین.

سید محمود مدنی

معاون فرهنگی و تبلیغی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

مقدمه

عاشورا آزمایشگاهی است که در آن مصاف حق و باطل در نقطه اوج خود است و جوهره افراد گوناگون مدعی و غیرمدعی را به راحتی می‌توان در آن شناخت و به آزمایش گذاشت.

بدین جهت سرگذشت‌شناسی عاشورایی جایی ویژه در میان سرگذشت‌شناسی و قصه‌ها پیدا می‌کند و به فرموده مقام معظم رهبری نقش خواص در عاشورا و یا درس و عبرت‌های عاشورایی می‌تواند برای انسان‌های هر عصری به ویژه برای انسان‌های جامعه کنونی که در مقطع سی سالگی انقلاب زندگی می‌کنند بسیار آموزنده می‌باشد.

اگر به فرموده قرآن مهمترین کارکرد قصه پیشینیان عبرت‌آموزی است و عاشورا بالاترین صحنه عبرت شدن است پس دهه محرم می‌تواند فرصتی نیکو باشد تا عاشوراییان با شخصیت‌شناسی چهره‌های گوناگون عاشورایی به کشف راه از چاه بپردازند و در زمانه خود پس از شناخت حق و باطل و زمان‌شناسی و خودشناسی به اتخاذ بهترین تصمیم و انتخاب برسند.

انتخابی که همراه با داوری درست بین حقایق و واقعیت‌هاست و مبتنی بر مطالعه نشانه‌های حق و باطل در واقعیت‌ها بوده و در نهایت انسان را به کشف حقایق راستین رهنمون می‌گردد.

پس عاشورا می‌تواند آیین‌راه در هر زمان باشد اگر مبتنی بر الگوشناسی عاشوراییان همراه با مطالعه تحلیلی و تطبیقی چهره‌های سیاه و سفید و خاکستری عاشورا باشد بدین جهت در این کتاب تلاش شده است پس از تجربه (یک موقعیت سه انتخاب) که در ره توشه محرم سال گذشته ارائه شد و در آن به شخصیت‌شناسی تطبیقی و همزمان در موضوع واحد بین افراد گوناگون سیاه و سفید و خاکستری پرداخته بود، در این کتاب در روشی دیگر ضمن معرفی چهره‌های سفید و سیاه و خاکستری ابتدا سیر کلی‌ای از زندگانی افراد و چهره‌های ارائه دهد و آن‌گاه به تجزیه و تحلیل اجمالی زندگی افراد بپردازد و در این مسیر ضمن بازشناسی ادوار اجمالی زندگانی آن‌ها و شناخت سابقه و کنش‌ها و تحولات مهم زندگی و روابط انسانی اجتماعی و ریشه‌ها و تعلقات اجتماعی به کشف چگونگی و چرایی پیدایش این شخصیت‌ها بپردازد و بر اساس درک این چرایی‌ها و چگونگی‌ها بصیرت و بینش هماهنگ با زمان‌شناسی را به عاشورائیان ارائه نماید.

جهت استفاده بهتر و بیشتر از این کتاب توجه به نکات زیر ضروری است:

این کتاب شرح حال نگاری اجمالی شخصیت‌های گوناگون عاشورایی است مبلغ ارجمند پس از نیازشناسی منطقه‌ای می‌تواند هر شخصیت را به گونه‌ای مستقل و کامل مورد پرداخت تبلیغی قرار داده و یا به گونه‌ای مقایسه‌ای بین سفید، سیاه، خاکستری، یا مراتب گوناگون سفیدی و سیاهی به جامعه هدف ارائه نماید.

جهت غنای بیشتر بحث مبلغ ارجمند می‌تواند پس از استخراج مفاهیم و مباحث اخلاقی مورد نظر درباره هر شخصیت آن مفاهیم را عمدتاً با مجموعه سخنان سیدالشهدا (و یا دیگر معصومین هم چنین آیات قرآنی) غنی‌سازی نماید. تا تحلیل‌ها و تفسیرها برآمده از دائرةالمعارف آسمانی و عصمت باشد و به عمق جان دلها بنشیند.

در طول حادثه عاشورا اگرچه افراد بسیاری وجود داشته‌اند ولی در این کتاب تلاش شده توجه عمده بر افرادی باشد که دارای مقاطع روشنی از ادوار زندگی بر

اساس پژوهش‌های معتبر باشند بدین جهت افرادی که سرگذشتی کوتاه و آگاهی مختصری از آن‌ها وجود دارد غالباً مورد توجه نبوده‌اند تا مبلغ در سیر مطالعاتی خود دچار نقص اطلاعات درباره شخصیت نگردد.

در متن کتاب به جهت پرهیز از تطویل و اطباب و حجیم شدن بی‌مورد، همانند سبک علمای محدث قدیم از ذکر اسناد و منابع به صورت تفصیلی در پاورقی‌ها اجتناب شده است و در همین جا به همین نکته اکتفا می‌شود که جهت مطالعه بیش‌تر علمی و پژوهشی مراجعه به کتاب‌های زیر می‌تواند کافی باشد:

ابصار العین فی انصار الحسین / شیخ محمد سماوی
کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی / رجبی دوانی
مع الרכب الحسینی من المدینه الی المدینه / ۴ جلد
چهره‌ها در حماسه کربلا / پورامینی

همچنین در این زمینه نرم‌افزارهایی (همانند نرم‌افزار سفینه تولید حوزه علمیه اصفهان) که ویژه منابع و مقالات علمی درباره امام حسین است و یا نرم‌افزار جامع اهل بیت بسیار راه‌گشای مطالعات علمی و تکمیلی می‌تواند باشد. این کتاب می‌تواند به عنوان منبع تکمیلی برای کتاب‌های دیگر مجموعه ره توشه امسال استفاده شود چرا که آن کتاب‌ها همانند شرح زیارت وارث، از قیام تا انقلاب و کتاب نوجوانان و جوانان عاشورایی بیش‌تر مفهومی می‌باشند و این کتاب بیش‌تر حکایی و داستانی است.

همچنین تلفیق این کتاب با کتاب روز شمار نهضت حسینی می‌تواند بسیار جالب و ره‌گشا باشد چرا که کتاب روز شمار توالی حوادث را بررسی می‌کند و این کتاب شرح حال اجمالی اغلب آن افراد را ارائه می‌دهد پس جمع این دو نگاه می‌تواند مبلغ و مخاطب را بر درک بهتر چرایی و چگونگی رفتار افراد گوناگون در مراحل گوناگون عاشورا و چرایی و چه‌وقتی تحولات مثبت و منفی آن‌ها یاری رساند. محتوای این کتاب را مبلغ می‌تواند به شیوه مستقیم در منبر و خطابه خود

استفاده نماید ولی از شیوه‌های دیگر استفاده از محتوای این کتاب ارائه آن به نویسندگان و یا هنرمندان محل تبلیغی جهت ارائه محصولات گوناگون نوشتاری ادبی، مقاله‌ای، نمایشنامه و یا اجراهای هنری و با برپایی نمایشگاه می‌تواند باشد و حداقل استفاده از آن می‌تواند به صورت آویزهای شخصیت‌شناسی باشد که در طول دهه محرم و تدریجاً به جامعه هدف به صورت آویزهای نمایشگاهی ارائه گردد.

برای استفاده بهتر از این کتاب مطالعه تاریخ صدر اسلام ضروری است چرا که مبلغ محترم تا نسبت به حوزه تاریخ صدر اسلام به ویژه تاریخ کوفه پس از پیدایش تا سال ۷۰ (هـ.ق)، جغرافیای خاورمیانه با محوریت منطقه‌ای به وسعت مکه تا کربلا، فرقه‌شناسی صدر اسلام و جریان‌شناسی گروه‌های سیاسی و اعتقادی دارای آگاهی‌های لازم نباشد نه خود می‌تواند به درک درستی از رویدادها و تحلیل شخصیت‌ها برسد و نه می‌تواند فضای مناسبی را برای عبرت‌گیری علمی و عینی برای مخاطبین خود ایجاد نماید.

در این زمینه کتاب «کوفه و نقش آن در قرون نخستین» نوشته رجیبی دوانی و مجموعه آثار رسول جعفریان در مورد تاریخ صدر اسلام می‌تواند راه‌گشا باشد.

کوفه شناسی اجمالی:

کوفه در فاصله سال‌های ۱۴ تا ۱۷ (هـ.ق) در اوج فتوحات ایران پایه‌گذاری شد بدین جهت شهری نظامی بود که انبوه اعراب مسلمان یمن و حجاز را که از جزیره العرب برای فتوحات به بین‌النهرین آمده بودند را در آن جا و بصره اسکان دادند. از سال ۱۷ تا سال ۳۴ دوران خلافت خلفای سه‌گانه و اسکان و تربیت مردم شهر با رویکرد نظام و مکتب خلفا است اگرچه در این زمان قبایل یا شخصیت‌های شیعی غالباً مقیم کوفه هستند و تدریجاً در کوفه اولین پایه‌های تشیع با حمایت‌های غیرمستقیم امیرالمومنین ایجاد گردید.

از سال ۳۵ تا سال ۴۰ این شهر شاهد خلافت امیرالمومنین به عنوان

خلیفه چهارم است حضرت اگرچه امام اول پس از پیامبر است ولی در دوران خلافت نه عنوان امام اول بلکه به عنوان خلیفه چهارم به این منصب رسید در حالی که شهر آکنده از مسلمانانی است که پیرو مکتب خلفا هستند و همچنین جمعیت قابل توجهی از خوارج و عثمانیه (پیرو امویان) در کوفه وجود داشته و شیعیان در اقلیت می‌باشند.

از سال ۴۰ تا ۶۰ دوران خلافت معاویه بر جهان اسلام است که در این بیست سال ابتدا مغیره بن شعبه ۱۰ سال والی شهر کوفه است و سپس زیاد بن ابیه به مدت سه سال والی شهر بود تا این که پس از جنایات‌های فراوان که نقطه اوجش قیام و شهادت حجر بن عدی و یارانش است سرانجام به درک واصل می‌شود و آخرین والی معاویه بر کوفه نعمان بن بشیر انصاری است. مرگ معاویه در سال ۶۰ خلافت یزید از سال ۶۰ تا سال ۶۴ را به همراه دارد و والی او پس از عزل نعمان بر سراسر عراق ابن زیاد است.

از سال ۶۴ تا سال ۶۶ کوفه موقتاً در اختیار خلافت عبدالله بن زبیر بود که مرکز خلافت‌اش مکه بود. او عبدالله بن مطیع عدوی را والی کوفه کرد، در این زمان بود که قیام تواین صورت می‌گیرد. قیامیکه با بی‌تفاوتی زبیریان همراه است. در سال ۶۷ تا ۶۸ قیام و حکومت یک ساله مختار بر کوفه صورت می‌گیرد که دوره انتقام از جانیان کربلا است.

از سال ۶۸ تا ۷۱ هـ. ق در مدتی کوتاه دوباره حکومت زبیریان توسط مصعب بن عمیر بر کوفه باز می‌گردد تا این که در سال ۷۱ با حمله عبد الملک مروان دوباره کوفه به سیطره حکومت مروانیان باز می‌گردد.

از سال ۷۱ تا ۷۴ والی شهر بشر بن مروان برادر خلیفه بود تا این که پس از مرگ او در سال ۷۴ حجاج بن یوسف ثقفی به مدت ۲۰ سال والی کل عراق شد.^۱

۱. جهت مطالعه بیشتر به کتاب کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی مراجعه شود. نوشته رجیبی دوانی.

پیش در آمدی بر شخصیت‌شناسی

همه انسان‌ها در نگاه نخست از جهت انسانیت یکسان و مشترک می‌نمایند و بدین جهت است که روابط انسانی و جامعه انسانی بین آن‌ها شکل پیدا می‌کند و قابلیت درک و تحمل همدیگر در آن‌ها پیدا می‌شود.

این امر ناشی از فطرت و خلقت ذاتی و یکسان الهی است که به انسان موهبت داده شده است در این موهبت انسان ترکیبی از جسم و روح است که هر کدام ویژگی و نیازها و مسائل خاص خود را دارد و همه این‌ها به ظاهر در نگاه اول در تمام موارد شریک و مانند هستند.

ولی از نگاه دقیق‌تر تفاوت‌ها و اختلاف‌ها بین انسان‌ها چنان آشکار و بدیهی است که آن‌ها در عین اشتراک در انسانیت دارای تفاوت‌ها و اختلاف‌های بسیار نه تنها در ظاهر بلکه در باطن و خلیات خود هستند حال پرسش اصلی این است که:

چرا با وجود این که انسان‌ها دارای پدر و مادر و ریشه واحدی هستند و درون‌مایه جسمی و فطری آن‌ها یکی است پس چرا این همه اختلاف و تفاوت به چشم می‌خورد؟

و منشأ تحقق این تفاوت‌ها در چیست؟ و آیا این تفاوت‌ها معیار ثابت و مشترکی دارند و یا خیر؟

در مقام پاسخ باید گفت انسان موجودی مستقل و تافته‌ای جداافتاده از نظام

هستی نیست و در تکوین و پیدایش ابعاد گوناگون انسانی عوامل بیرونی و محیطی گوناگون اعم از زمان، مکان و غذا، آب، هوا و... نقش و تاثیر فراوان دارند.

و از همین منظر است که مثلا در مسئله انعقاد در نطفه مثلا در دین اسلام در کنار مسئله مهم خلّیت و مشروعیت عمل لقاح، مسائل گوناگون غذایی، بهداشتی، مکانی و زمانی، روحی و روانی و را دخیل می‌داند و برای هر یک از آن‌ها و یا مجموعه ترکیبی آن‌ها در ابعاد گوناگون ظاهری یا باطنی فرزند همانند زیبایی، دانایی، اخلاقی و... قائل به تاثیر و تاثر می‌باشد.

براساس همین نگاه تاثیر و تاثر اشیا برهمدیگر که در اشیای جاندار به ویژه جاندار هوشمندی مثل انسان، این امر به نهایت خود می‌رسد است که اسلام نه تنها شریعت و مناسک خود را پایه‌گذاری کرده است بلکه برای بازسازی و ارتقای ارادی شخصیت، انسان‌ها را به اموری همانند مطالعه سرگذشت‌های پیشینیان و همچنین زمان‌شناسی توصیه می‌نماید. این بدین جهت است تا انسان‌ها با مطالعه قواعد بازی در زندگی زمینی که در اصطلاح دینی به آن سنت‌های تاریخی می‌گویند آشنا شود و آن‌گاه با درک شرایط زمانه خود و به‌روزرسانی بدانند چگونه رفتار کند تا سنت‌های نیک خداوندی شامل حال او شود، نه این‌که سنت‌های عذاب و نعمت بر او بیارد. با دقت در سنت‌ها و چگونگی اعمال آدمیان است که تفاوت رفتار انسان‌ها و عوامل موثر بر آن‌ها از ملک و ملکوت است که سرنوشت‌های گوناگون برای انسان‌های به ظاهر همانند و همسان شکل می‌گیرد. بر اساس این نگاه از شرایط رشد و بصیرت در زندگی انسان به جهت رسیدن به خودشناسی و حق و باطل‌شناسی، مطالعه دیگرشناسی انسانی ناظر به گذشته از ضروریات زندگی است چراکه سرگذشت‌شناسی ناظر به حال چون بدون مطالعه عواقب و سرانجام حال افراد است ما را به قضاوت درستی نمی‌رساند ولی در مورد گذشتگان چون سیر تکامل زندگی آن‌ها و علل و عوامل آن‌ها در اختیار ما هستند، انسان به راحتی و با آزادی می‌تواند به مطالعه بپردازد و

براساس نظریه واحد بودن سنت‌ها و قوانین آسمانی حاکم بر زمین و زمینی‌ها، تکلیف و وظیفه خود را شناخته و با به روزسازی زمانی آن به وظیفه خود عمل نماید.

با دقت در نکات فوق جایگاه قصه به معنی سرگذشت‌شناسی تحلیلی با معیار حق و باطل از منظر دینی روشن می‌گردد و معلوم می‌شود سر‌اهتمام قرآن و معارف دینی در مورد مطالعه پیشینیان چرا؟ و برای چیست؟

تعریف شخصیت:

شخصیت ریشه در کلمه شخص دارد و به معنی هر آن چیزی که باعث تمایز و جدایی هر انسانی از تمام دیگر انسان‌ها می‌شود می‌باشد. پس هر آن چه که میز و فاصله و شاخص برای فردیت فرد ایجاد کند را در دایره شخصیت فرد قرار داده و نتیجه آن را که ارائه یک فرد خاصی با امتیازات خاص است شخصیت می‌گویند.

دایره و دامنه شخصیت انسانی:

از آن‌جا که در شخصیت انسانی و آدمی تمام عوامل و شرایط بیرونی نقش داشته و اثر دارد بدین جهت مجموعه عوامل و موارد اثرگذار بر شخصیت انسانی اعم از علل و عوامل طبیعی و انسانی و اجتماعی را در علم روانشناسی در فهرست‌هایی همانند فهرست زیر معرفی کرده‌اند:

الف: نسب شناسی:

شامل نژاد و قبیله + والدین + فامیل درجه یک + وابستگان سببی + شجره‌نامه نموداری
این بخش به زمینه‌های تربیت خانوادگی و ریشه‌های انسانی او می‌پردازد.

ب: خصوصیات فردی:

اعم از ویژگی‌های ظاهری همانند نام و قیافه و خصوصیات جسمانی و خصوصیات شخصی مشهود همانند لباس، خوراک، وسایل مصرفی، عادات‌ها، سرگرمی‌ها، تفریح‌ها و خلاصه هر آنچه که به فیزیک ظاهری و قابل مشاهده افراد مرتبط باشد.

ج: ویژگی‌های درونی و باطنی:

شامل وضعیت روحی و روانی، وضعیت اخلاقی و عاطفی، فکری، علمی، فرهنگی، عشق‌ها و نفرت‌های فرد و استعداد‌های درونی او، احساس شرم و گناه او و... وضعیت دینی و معنوی او.

د: ویژگی‌های اجتماعی:

شامل مواردی همانند شغل، طبقه اجتماعی، نگاه دیگران به فرد، الگوها و اسوه‌های فرد، افتخارات او، مهمترین تحول‌های مثبت و منفی زندگی او، دوستان و اطرافیان مشهور او، رفتارها و مناسک آیینی و دینی او.

ه: وضعیت سیاسی او:

شامل فعالیت‌های سیاسی فعال و یا منفعل یا خنثی از طرف فرد و انگیزه‌ها و اهداف او در این زمینه و همچنین موضع‌گیری‌های سیاسی او در حوادث مختلف و یا واکنش او در برابر موقعیت‌های وسوسه‌انگیز سیاسی.

و: آغاز و انجام زندگی او:

شامل تاریخ تولد و مرگ او، منطقه سکونت، مقطع زمانی حیات او. بدیهی است که برای کشف شخصیت یک فرد پس از مطالعه ابعاد مطالعاتی فوق البته به میزان توان و وجود منابع تاریخی معتبر، آن‌گاه می‌بایست به طراحی

و نگارش یک خلاصه اجمالی از زندگی فرد دست یافت خلاصه‌ای که اجمالا شامل اغلب موارد فوق بوده و این صورت است که مطالعه سرگذشت‌ها می‌تواند عبرت‌زا باشد و براساس آن انسان به کشف سنت‌ها و چگونگی پیدایش آن و سرانجام آن در سرنوشت افراد دست یابد و آن‌گاه با نسبت‌شناسی شخصیت و رفتار آن انسان‌ها با زمانه خودشان و باز تاب‌ها و سنت‌های مترتب بر آن به زمان‌شناسی برای زمانه خود در تحقق بهترین سنت‌ها اقدام کند.

براساس آن‌چه بیان شد مشخص می‌گردد که در حقیقت سرنوشت افراد تلفیقی و ترکیبی است بین لیست شخصیت‌شناسی فوق یعنی اراده فردی و اجتماعی انسان‌ها و اراده حق تعالی که در قالب سنت‌ها شکل می‌گیرد و روشن می‌گردد که انسان محصور بین جبر سنت‌ها و تلاش و اراده خود است نه این‌که بر روی زمین آزادِ آزاد و بی‌حساب و کتاب رها باشد پس اگر اراده‌اش معطوف به خیر شد پس از شمول ابتدایی سنت‌های خیر به صورت اجمال از باب رحمت مطلقه خداوندی در دائره تکمیلی و تفصیلی سنت‌ها و اراده خیر حق تعالی قرار می‌گیرد و در غیر این صورت به دست خود موضوع سنت‌های قهر و غضب را برای خود فراهم می‌سازد. پس خداوند: ارحم الرحمین فی موضع العفو و الرحمة و اشدّ المعاقبین فی موضع النکال و تقمة است و نقش انسان در این میان موضوع سازی برای رحمت یا قهر خداوند به وسیله اعمال و کردارش می‌باشد.

اینک براساس این نگاه فهرست‌وار به جدول و دامنه شخصیت انسانی سعی می‌نماییم ضمن ارائه شرح حال اجمالی از افراد گوناگون عاشورایی به معرفی نمودار ادوار عمر آن‌ها و آن‌گاه معرفی مهمترین ویژگی‌های شخصیتی و یا عوامل موثر بر شخصیت او پردازیم و البته در معرفی این علل و عوامل نگاه غالب رویکرد و نگاه تربیتی می‌باشد:

نمودار ادوار عمر چنین است:

ادوار فردی طبیعی: تولد / نوجوانی / جوانی / میانسالی بزرگسالی / مرگ

← ادوار اجتماعی: ریشه‌های خانوادگی/تربیت/نمودار اجتماعی در قالب همسریابی/شغل و جایگاه اجتماعی/خاندان و روابط

البته در مورد افرادی که این نمودار کامل نباشد نمودار توالی حوادث و نوع واکنش او در برابر آن‌ها ارائه می‌گردد.

البته در این جدول، معیار و مبنا بر اساس حق و باطل‌شناسی و نوع تعامل افراد انسان‌ها نسبت به ولیّ حق، می‌باشد و میزان و نوع تولیّ افراد نسبت به حق یا باطل زیر بنای محک و معیار قضاوت دربارهٔ افراد می‌باشد و براساس این معیار تلاش می‌شود روابط اجتماعی او دغدغه‌ها و نگرانی‌ها، فعالیت‌ها و کنش‌ها و واکنش‌های او مورد ارزیابی قرار گیرد. و بررسی شود که این افراد در شرایط گوناگون اجتماعی اعم از شرایط مساعد یا نامساعد تهدید یا تطمیع، همراهی یا ترک خانواده و دوستان و. تا چه میزان از استعدادها و دارایی‌های خود را در مسیر حق و یا باطل صرف کرده است و آن‌گاه بازتاب این صرف عمر و استعدادها و یا مال و امکانات برای او جامه و یا تاریخ و آینده چه بوده است؟

و همچنین از منظر ما در این گوشه تاریخ، نمره آن شخصیت چقدر می‌باشد؟

و سرانجام اینک:

اینک من چگونه می‌توانم با مطالعه سرگذشت و دامنه ابعاد زندگی افراد و با نگاه زمان‌شناسی به درک و انتخاب درست و روش صحیح اهمّ و مهم نمودن در تردیدها برسم تا خود فردا مورد عبرت دیگران قرار نگیرم. براساس آن‌چه بیان شد در این کتاب در مقام بررسی و تحلیل شخصیت هر فرد: به صورت اجمالی دو نکته مورد توجه خواهد بود:

اول همان ساختار نمودار زندگانی فرد

دوم شناس‌نامه شخصیتی فرد

و البته در این شناسنامه محور قضاوت ابعاد شخصیتی هر فرد بر معیار و مبنای نوع کنش‌ها و واکنش‌های او در برابر ولیّ معصوم می باشد و این شناس‌نامه، شناس‌نامه تولیّ و ولایت مداری افراد و اشخاص است که شامل موارد سه گانه (نوع و میزان؛ معرفت و محبت، طاعت آن‌ها نسبت به ولیّ حق) می‌باشد.

شخصیت‌های عاشورایی

الف) شخصیت‌های سفید

۱- بریر بن خضیر همدانی:

با تاسیس کوفه و اسکان قبیله همدان در آن شهر، بریر به آموزش و معارف قرآن علاقه‌مند شد و پس از مدتی ضمن آن که از قرآء کوفه شد معلم قرآن در قبیله خود هم گردید. البته انس او با قرآن بر خلاف روش قرآء و زهد کوفه که بعدها غالباً یا جزو خوارج شدند و یا به مکتب علمای ساکت و راضی مکتب خلافت پیوستند فقط حفظ و تلاوت قرآن نبود بلکه او جمع بین تقلین کرده بود و قرآن را با معرفت و محبت اهل بیت جمع نموده بود. به گونه‌ای که زمانی که معاویه در اوج خلافت‌اش نقل حدیث در فضیلت اهل بیت و امیرالمومنین را به شدت ممنوع کرده بود او در محله‌های گوناگون قبیله همدان به معرفی امام علی و گمراهی معاویه برای جوانان بنی همدان می‌پرداخت تا محبت علوی را در آن‌ها استمرار بخشد و در ضمن آن در مسجد محل هم به آموزش قرآن برای اهالی محل به ویژه جوانان بنی همدان می‌پرداخت.

پس از این که سید الشهداء از مدینه به مکه هجرت کرد و خبرش به

کوفه رسید او به جای نامه نگاری با امام چون امیدی به کوفه و کوفیان نداشت خیلی زود از کوفه رهسپار مکه شد و در آنجا به امام پیوست و سرانجام همراه امام به کربلا آمد پس از بسته شدن آب در کربلا از امام اجازه گرفت تا با کوفیان محاجه کند و حضرت اجازه داد ولی اثری بر کوفیان نداشت.

در شب عاشورا وقتی امام به اصحاب اجازه رفتن داد او برخاست و گفت آرزومندم در پیشگاه شما به شهادت برسم تا در روز قیامت جدت شفیع ما باشد و در نیمه‌های شب عاشورا چون امام و یارانش به عبادت مشغول شدند، امام مشغول تلاوت ۱۷۹-۱۷۸ آل عمران بود که برخی از گشتی‌ها و نگهبانان کوفی صوت تلاوت امام را شنیدند و به امام هتاکی کردند و بریر آن‌ها را شناخت و سعی کرد با سخن گفتن با آن‌ها به وعظ آن‌ها بپردازد ولی آن‌ها با تمسخر و هجو پاسخ‌اش را داده و از او فاصله گرفتند.

در سحرگاه عاشورا که امام خیمه‌ای برای غسل و نظافت اختصاص داد او با عبدالرحمان عبد رب در صف انتظار شوخی می‌نمود، عبد الرحمان به او گفت من تا کنون تو را شوخ ندیده بودم و الان هم وقت شوخی نیست ولی او گفت اکنون شادی‌ام از این است که فاصله‌ای چندان بین ما و حوریان نیست و از ملاقات پروردگار شادمان هستم.

روز عاشورا وقتی نوبت مصاف او شد برخی از شاگردانش که سال‌ها قبل سعی در هدایت آن‌ها به تشیع داشت ولی آن‌ها نپذیرفته و جذب سکه‌های امویان شده بودند به مصاف او آمدند و ابتدا به مباحله و لعن همدیگر پرداختند و آن‌گاه بریر عازم رزم آن‌ها شد، پس بریر سرکرده آن‌ها را کشت و با بقیه درگیر شد، در گیرودار یکی از قرآن آموزهایش به نام کعب بن جابر ازدی از پشت با نیزه به شدت او را مجروح کرده و آن‌گاه او را به شهادت رساند.

شهادت بریر به عنوان سید القراء همدان بر برخی کوفیان (حتی خواهر کعب

قاتل او) بسیار گران آمد.

تحلیل شخصیت بریر

نمودار ادوار زندگی

شهادت	میان‌سالی	جوانی	تولد
پیوستن به امام و شهادت در کربلا	معلم قرآن و راوی احادیث اهل بیته در محله خود در دوران سخت معاویه	مهاجرت به عراق و همراهی با شیعیان کوفی امیر المومنین و علم آموزی ویژه او از شاگردان حضرت در دوره‌ای که علم اندوزی جایگاه نداشت و یا جوانان شاگردان صحابه بی‌سواد بودند.	در یمن و اسلام آوردن در آنجا به دست امیر المومنین در سفر تاریخی امیرالمومنین در سال ۱۰ (هق) به یمن جهت ترویج اسلام و تشیع در آنجا

شناسنامه تولی:

معرفت: شاگردی در محضر شاگردان حضرت و رشد دادن معرفت ابتدایی خود به معرفتی تحقیقی و استدلالی عمیق

محبت: پذیرش و ثبات بر تشیع حتی در شرایط سخت خلافت معاویه
طاعت: انس مداوم با قرآن و در پیش گرفتن تدریس قرآن همراه آموزش احادیث اهل بیت و ماندن در کوفه با هدف نیروسازی در زمان صلح، رساندن سریع خود به امام، زمان قیام و نیاز امام.

نکات شخصیتی:

- ویژگی ثابت شخصیتی: سعی بر آگاهی محوری در رفتارها و تصمیم و بصیرت نسبت به زمانه
 روحیه معلمی و دلسوزی نسبت به جامعه در ادوار گوناگون زندگی

- مهمترین نقطه عطف در زندگی: تصمیم به سفر از کوفه به مکه و

همراهی با امام در همان آغاز هجرت امام به مکه

ایده محتوایی: شیعه راستین و خالص کسی است که در یک برنامه‌ریزی

حساب شده و تدریجی ابتدا به خود شناسی و خود سازی براساس معارف ثقلین

پرداخته و آن‌گاه پس از (سیر من الخلق الی الحق) دوباره به متن جامعه باز گردد

(سیر من الحق الی الخلق) و به ایفای نقش علمیه معنوی خود در جامعه

براساس معارف اهل بیت اقدام نماید (برای تکمیل و غنی بخشی به این بحث

فرازهایی از خطبه سیدالشهدا در منی در سال آخر خلافت معاویه برای

صحابه و تابعین راه‌گشا است.

۲- ابو ثمامه عمرو بن عبدالله صائدی همدانی:

قبیله همدان دارای گرایش‌های اهل بیته زیادی بود، ابو ثمامه در این شرایط و

زیر نظر بزرگان شیعه این قبیله به زمره شیعیان علوی پیوست و تا زمان مرگ

معاویه با توجه به تمام محدودیت‌ها بر علیه شیعیان در کوفه بر آن استوار ماند. با

آغاز خلافت یزید جزو نامه نگاران به امام بود.

با آمدن حضرت مسلم به کوفه جزو خواص ایشان قرار گرفت و با توجه به

تخصص‌اش در زمینه اسلحه شناسی مسئول خرید و جمع‌آوری اسلحه شد.

با ورود ابن زیاد و ناچاری حضرت مسلم به انجام قیامیشتابزده، او به

فرماندهی قبیله تمیم و همدان انتخاب شد.

ولی سستی کوفیان بیعت کننده و جدا انداختن لشکر ابن زیاد بین مسلم بن

عقیل و فرماندهانش باعث ناکامی قیام شد و او پس از شکست قیام و ناتوانی در

یاری رسانی به حضرت مسلم به سرعت مخفی شد. ابن زیاد به شدت در

جستجوی او برآمده ولی بر او دست نیافت.

او که می‌دانست جانش در کوفه در خطر است تصمیم گرفت به سوی مکه

رفته و به امام پیبوندند. این تصمیم را با یکی دیگر از شیعیان نافع بن هلال جملی در میان می‌گذارد و هر دو با هم مخفیانه راهی حجاز می‌شوند و در میانه راه حجاز به امام می‌پیوندند (در حد فاصل آگاه شدن امام از خبر شهادت حضرت مسلم و قبیل از مواجهه با حر).

پس از اطراق دو لشکر در کربلا و آمدن عمر سعد به کربلا وقتی عمر سعد اولین پیک را نزد امام می‌فرستد که نامش کثیر بن عبدالله شعبی از اشرار کوفه است ابو ثمامه او را شناسایی می‌کند و از او می‌خواهد بدون سلاح به دیدار امام برود ولی او نمی‌پذیرد و ابو ثمامه مانع دیدارش می‌شود و او را باز می‌گرداند و عمر سعد ناچار پیکی دیگر را نزد امام می‌فرستد. او روز عاشورا در اثنای نبرد یادآور وقت نماز است ولی کوفیان برای نماز به امام مهلت نمی‌دهند و امام نماز را به صورت نماز خوف برگزار می‌نماید و همین فرصتی به ابو ثمامه می‌دهد تا به سرعت آخرین نمازش را به امامت امام برگزار کرده و پس از شهادت حر به مصاف کوفیان می‌رود و به شدت می‌رزد تا آنگاه که به شدت زخمی می‌گردد در این زمان است که توسط قیس بن عبدالله صائدی پسر عمویش که با او دشمن بوده و در لشکر عمر سعد است به شهادت می‌رسد.

تحلیل شخصیت ابو ثمامه:

نمودار توالی حوادث

کربلا	پس از قیام	قیام مسلم	آمدن مسلم بن عقیل	مرگ معاویه
اهتمام به نماز در کنار ولی + شهادت	مخفی شدن و حفظ جان برای رسیدن به ولی + در جستجوی راه کربلا + همراه کردن دوستان با خود	فرمانده بخشی از یاران	بیعت خالصانه + در اختیار گذاشتن استعداد و تخصص خود	فعال در نامه نگاری

شناسنامه تولی:

معرفت: او از قبيله همدان بود که اهل بیت را به طور عمومی می‌شناختند

ولی او با انس با خواص یاران امیر المومنین به تعمیق و بسط این معرفت پرداخته بود و در نتیجه در شرایط سخت زمانه خود بر آن استوار ماند.
محبت: در جلسه بیعت با حضرت مسلم نشان دادن که ایمان خالص و استوار دارد.

طاعت: تمام استعدادهای فکری و اجتماعی خود را در اختیار حضرت مسلم و امام قرار داد + در اوج بن بست‌ها و شکست‌ها از یافتن راهی برای رسیدن به امام ناامید نشد و موفق شد.

نکات شخصیتی:

- **ویژگی ثابت شخصیتی:** کسب مهارت و تخصص بر اساس استعداد شناسی و رشد دادن آن‌ها و آن‌گاه هزینه کردن استعدادهای و تخصص‌ها در مسیر حق تا پای جان

- **نقطه‌های عطف:** همراهی با قیام حضرت مسلم در میان بی وفایی کوفیان
 تصمیم به خروج مخفیانه از کوفه و پیوستن به امام
ایده محتوایی: شیعه موفق کسی است که پس از استعداد شناسی به رشد استعدادهای در مسیر کسب تخصص و تعهد پرداخته و آن‌گاه این استعداد و تخصص و توانایی‌هایش را در طبق اخلاص در مسیر حق خرج نماید و گرنه عمر او به بطلالت و یا کمک به باطل خواهد گذشت.

۳- عمر بن خالد اسدی صیداوی:

از شیعیان کوفه و از دوستان و هم‌قبیله قیس بن مسهر صیداوی بود. پس از آمدن حضرت مسلم به کوفه همراه قیس به زمره یاران مسلم می‌پیوندد تا این که قیس برای رساندن نامه از کوفه می‌رود و حضرت مسلم هم به شهادت می‌رسد پس او مخفی می‌گردد و منتظر اخبار حجاز می‌ماند تا این که روزی خبر دستگیر شدن قیس را در راه حجاز به کوفه می‌شنود و جارچیان خبر می‌دهند که

قرار است قیس در مسجد از حسین ، تبری بجوید. او با شگفتی به مسجد آمده و در جمعیت خود را پنهان می‌کند در آن جا او شاهد خبر دادن قیس درباره در راه بودن امام و آن‌گاه شاهد شهادت قیس است.

پس به تکاپو می‌افتد ابتدا با غلام خود و دوست دیرینه‌اش مجمع عائذی و پسرش (عبدالله بن مجمع) قرارها را می‌گذارند که به سرعت از کوفه خارج شده و به امام پیوندند ولی شهر در محاصره و راه‌ها در کنترل شدید است.

او در کوفه به جستجو بر می‌خیزد و به طور اتفاقی با طرمح بن عدی روبرو می‌شود که برای تهیه آذوقه به شهر آمده و قصد دارد از بیراهه از شهر خارج شود پس با او قول و قرار می‌گذارد و آن‌گاه به همراه دوستانش با راهنمایی طرمح به سرعت و از بیراهه از کوفه خارج شده و در میانه راه عراق به امام و قافله نزدیک شده و به او می‌پیوندند. این در حالی است که تنها ساعاتی از همراهی حرّ و لشکرش با قافله امام نمی‌گذرد حر تا متوجه می‌شود آن‌ها قصد پیوستن به امام را دارند قصد دستگیری آن‌ها را دارد چرا که آن‌ها جزو همراهان امام نیستند ولی امام مداخله نموده و می‌فرماید آن‌ها در حکم همراهان من از مکه می‌باشند و با اصرار و صلابت امام، حرّ به ناچار عقب می‌کشد و آن‌ها به لشکر امام می‌پیوندند.

روز عاشورا پس از تبدیل شدن جنگ، به نبرد تن به تن، چون نوبت آن‌ها می‌شود هر چهار نفر با هم به رزم کوفیان می‌روند کوفیان که از رزم مشترک آن‌ها عاجز می‌شوند تلاش می‌کنند بین آن‌ها جدایی انداخته و به صورت جدا جدا آن‌ها را به شهادت برسانند ولی در اوج جدا افتادن و زخمی شدن آن‌ها امام، حضرت عباس را به یاری آن‌ها می‌فرستد و حضرت عباس موفق شده آن‌ها را به هم رسانده و تلاش می‌کند آن‌ها را به نزد امام بازگرداند ولی آن‌ها با کسب اجازه دوباره با همدیگر به قلب دشمن زده و در فاصله زیادی از خیمه گاه امام در میان لشکریان کوفه در کنار همدیگر به شهادت می‌رسند و حضرت عباس خبر را به امام می‌رساند و امام برای آن‌ها طلب رحمت می‌نماید.

تحلیل شخصیت او:

نمودار توالی حوادث:

امام ور راه عراق	پیام و شهادت قیس	شهادت مسلم	آمدن مسلم	مرگ معاویه
یافتن راهنما برای رسیدن به امام و پیوستن به امام	دریافت پیام تاریخی و وظیفه شناسی و جمع آوری دوستان	اختفا و حفظ جان برای مراحل بعد	بیمعت و همراهی با ایشان	مشارکت در نامه نگاری

شناسنامه تولی:

معرفت: نقش دوستان در ایجاد و ثبات معرفت به حق و باطل

محبت: ایجاد معرفت و محبت نهادینه شده و عدم تزلزل در ایمان و باور

وظیفه شناسی در شرایط سخت و تلاش برای نیرو گیری از افراد مستعد و ایجاد گروه همراه و همیار در مسیر حق یاوری

نکات شخصیتی:

- ویژگی شخصیتی: وظیفه شناسی در هر زمان / روحیه هم‌گرایی و مشارکت دادن دوستان در خیرات

- نقطه عطف: تلاش برای یافتن راهی برای خروج از شهری که کاملاً در محاصره باطل بود و نخواندن آیه یاس و نومییدی و انجام تلاش حدّ کثری (خلاقیت و ابتکار برای رسیدن به امام در شرایط دشوار)

- تلاش برای یارگیری و جمع کردن دوستان و اطرافیان خود بر محور حق

ایده محتوایی: و نکات محتوایی تکمیلی: مباحث مرتبط به خلاقیت و عدم نومییدی حتی در سخت‌ترین شرایط و نسبت و رابطه آن با ایمان و عمل صالح و این که چگونه خداوند در صورت ایمان و تلاش در مسیر عمل صالح راه‌ها و

ایده‌های رسیدن به حق برای سالک فراهم می‌سازد الذین جاهدوا فینا
لنهدینهم سُبُلَنَا^۱.

۴ - قیس بن مسهر صیداوی:

از شیعیان کوفه و راه بلد مسیرهای ارتباطی کوفه با مناطق اطراف به ویژه کوفه
به حجاز بود.

پس از مرگ معاویه و جمع شدن شیعیان در خانه سلیمان بن سرد و نگارش
اولین نامه‌ها، او دومین گروه اعزامی از نامه رسان‌های کوفیان به سوی حجاز و
نزد امام بود. قیس چون به مکه به نزد امام می‌رسد، چون پس از سال‌ها به
آرزوی خود دیدار امام می‌رسند همان جا به شرف درک حضور امام رسیده و پس
از سال‌ها اینک در رکاب امام می‌ماند، ولی وقتی امام تصمیم می‌گیرد که مسلم
بن عقیل را به کوفه بفرستد او به فرمان امام همراه مسلم شده و راه بلد او به
سوی کوفه می‌گردد. پس از ورود حضرت مسلم به کوفه به مدت یک ماه که از
بیعت‌گیری و تست‌زنی او نسبت به بیعت گنندگان می‌گذرد، مسلم نامه‌ای به
سوی سید الشهداء می‌نویسد. این نامه را قیس به حجاز می‌برد (همراهان این
سفر عابس شاکری و شوذب مولای او از شهدای کربلا هستند) پس او نامه را به
مکه می‌آورد و به امام می‌رساند و دوباره ملازم رکاب امام می‌گردد و همراه امام
است تا آن‌گاه که امام از مکه به سوی عراق رهسپار می‌گردد چون امام به منزل
حاجز می‌رسد نامه‌ای به سوی کوفه می‌نویسد و قیس مامور رساندن آن به کوفه
می‌شود حرکت قیس پس از شهادت حضرت مسلم و تحولات کوفه است ولی
هنوز این خبر به امام نرسیده است. پس قیس در نزدیکی کوفه گرفتار سپاهیان
حصین بن تمیم که مامور راه عراق به حجاز است، می‌شود و او را پیش ابن زیاد

۱. سوره عنکبوت، آیه ۶۹

می‌برند او نامهٔ امام را به سرعت از بین می‌برد و قبول می‌کند که بر منبر مسجد کوفه رفته و امام را سبّ کند. ولی او از فرصت استفاده می‌کند و خبر در راه بودن امام و پیام ایشان را به کوفیان می‌دهد این زیاد خشمگین شده و دستور می‌دهد او را از فراز دار الاماره به پایین پرت کنند و به شهادت برسانند.

تحلیل شخصیت او:

نمودار توالی حوادث:

مرگ معاویه	آمدن مسلم	پس از بیعت	امام در راه عراق	کوفه مرده و در اختناق
تلاش برای نامه نگاری و آن گاه قبول مسئولیت نامه‌رسانی	همراهی و بیعت با حضرت مسلم	پیک راهی طولانی و بیابانی	قبول نامه‌رسانی به شهر خفقان زده و پر از خطر کوفه	پذیرش سخنرانی شجاعانه که اگر چه به شهادت می‌رسد ولی پیام امام را به کوفیان می‌رساند.

شناسنامه تولی:

معرفت: ثبات معرفت و رشد دهی به آن با کسب توفیق دیدارهای مکرر با امام در مکه

محبت: محبتی که با هر دیدار امام روز افزون می‌شد و به واسطه آن عاشقانه آماده اجرای فرامین امام بود.

طاعت: در مسیر اما یاوری سخت‌ترین ماموریت‌ها را به عهده می‌گرفت و ماموریت‌های سخت و پرخطری که با دوری از امام همراه بود را به عشق انجام تکالیف خود نسبت به امام عاشقانه و یک تنه انجام می‌داد.

نکات شخصیتی:

- ویژگی ثابت شخصیتی: خطرپذیری و تن دادن به فعالیت‌های مخاطره‌آمیز در راه هدف متعالی + قبول نقش پیک بین کوفه و امام با توجه به فاصله طولانی و سختی مسیر و خطرات جانی فراوان آن به گونه‌ای که چهار مرتبه در

ظرف ۳ ماه مسیر ۱۴۰۰ کیلومتری را به عشق امام پیمود.

- نقطه‌های عطف زندگی او: اولین دیدارش با امام پس از سال‌ها دوری از

اهل بیت + قبول رساندن نامه پر خطر امام به کوفه

ایده محتوایی: امام معصوم در هر زمان در اوج مرتبه تلاشگری و فعالیت

(اگرچه در پوشش تقیه) است (درباره امام زمان(عج) در زیارت است ججاج

مجاهد؛ یعنی تلاشگر پنهان) و شیعه کسی است که همانند امام در مسیر حق

پرتلاش، در جای خود خطرپذیر و سخت‌کوش باشد. (همانند رابطه جعفر و حمزه

برای پیامبر نه همانند عقیل و عباس برای پیامبر و امیرالمومنین تا

عصای دست امام در بحران‌ها باشد نه متوقعی کم‌خاصیت.

۵ - مسلم بن عوسجه:

او از بنی اسد و از کسانی بود که جزو صحابه شمرده شده است و این بدین معنی

است که مسلم در نوجوانی و یا جوانی خود پیامبر را درک کرده است. سال‌ها بعد

در اوج جوانی او پس از آغاز نبردهای او به عراق آمده و از دلاوران فاتح ایران

زمین به‌ویژه در آذربایجان بوده است به گونه‌ای که گاه یک تنه به مصاف

دشمن می‌رفته و با آن‌ها درگیر می‌شده در حالی که هنوز لشکریان مسلمان به

منطقه رزم نرسیده بودند.

پس از به خلافت رسیدن امیرالمومنین به همراهی حبیب جزو یاران و

شیعیان حضرت در کوفه می‌گردد و بر این تشیع حتی در دوران سخت معاویه

ثابت و استوار می‌ماند در این زمان غالباً در اوقات فراغت خود به عبادت و

عبودیت عارفانه (نه هم‌چون خوارج) در مسجد کوفه می‌پردازد و با این نشانه در

شهر شناخته می‌شود تا زمانی که مرگ معاویه فرا می‌رسد در این زمان او همراه

حبیب به موج نامه‌نگاری و آن‌گاه استقبال از حضرت مسلم بن عقیل می‌پیوندد.

پس از آمدن حضرت مسلم پس بیعت عاشقانه با او در آغاز جزو بیعت گیرندگان

از مردم برای مسلم بن عقیل است و پس از آن یکی از اصحاب سر آن حضرت

است و مأمور جمع آوری اموال برای یاری حضرت می‌باشد. پس از آمدن ابن زیاد به شهر وقتی جاسوس ابن زیاد، معقل قصد شناسایی یکی از شیعیان به جهت رسیدن به حضرت مسلم بن عقیل را دارد، به مسجد کوفه می‌آید و پس از زیر نظر گرفتن افراد مسجد از آنس و التزام مسلم بن عوسجه به مسجد حدس می‌زند او باید از شیعیان باشد پس به او نزدیک می‌شود تا اموالی را به حضرت مسلم تقدیم کند مسلم بن عوسجه یکی دو روز او را امتحان می‌کند و از او بیعت می‌گیرد و آن‌گاه از او قسم و پیمان محکم می‌گیرد که اهل سر و کتمان باشد. و پس از حصول اطمینان ظاهری او را نزد حضرت مسلم در خانه هانی می‌برد و پس از این ماجرا است که حوادث ناگوار پی در پی رخ می‌دهد.

هانی دستگیر می‌شود و حضرت مسلم ناچار به قیامی سریع می‌گردد در این قیام مسلم بن عوسجه فرمانده و مأمور جمع‌آوری نیروهای بیعت کننده از قبیله بنی اسد و قبایل هم پیمان آن‌ها می‌باشد. ولی ریزش شدید لشکریان و پخش شدن سریع و گسترده نیروهای ابن زیاد باعث جدا افتادن مسلم بن عوسجه از فرماندهی لشکر (حضرت مسلم) می‌شود. پس از شکست قیام او به ناچار پنهان می‌گردد پس از شهادت حضرت مسلم و رسیدن امام به کربلا (با تشویق حبیب) مصمم به رفتن به کربلا می‌شود و در این راه همسرش مصمم به آمدن است پس با هم‌دیگر از بیراهه و مخفیانه عازم کربلا می‌شوند و به یاران امام می‌پیوندند در شب عاشورا که حضرت با اصحابش اتمام حجت دارد مسلم خطاب به حضرت می‌فرماید (خداوند از ما نگذرد اگر شما را تنها بگذاریم همانا آرزو دارم با نیزه‌ام چنان با آن‌ها بجنگم تا نیزه‌ام در سینه‌اشان شکسته شود و آن‌گاه با شمشیرم تا توان دارم رزم نمایم و اگر سلاحی برایم نماند با سنگ به مصاف آن‌ها بروم تا اینکه پیش روی تو کشته شوم.

روز عاشورا چون حبیب بن مظاهر فرماندهی میسره سپاه امام را به عهده گرفت او هم در تقسیم بندی یاران جزو نیروهای میسره و همراه دوست

قدیمی‌اش حبیب قرار گرفت و آن‌گاه که امام در برابر لشکر عمر سعد آتش در خندق پشت خیمه‌گاه انداخت و شمر شروع به هتاک‌ی کرد مسلم بن عوسجه قصد تیراندازی به او را داشت که امام مانع او شد تا آغازگر نبرد نباشد.

با آغاز نبرد و شروع جملات گسترده لشکر کوفه، نیروهای میمنه و میسره امام با رشادت فراوان به دفع هجوم و حمله اول دشمن پرداختند دفع این حمله سنگین در جناح میمنه شهادت عبدالله بن عمیر و در جناح چپ شهادت مسلم بن عوسجه را به همراه داشت.

او از معدود اصحابی بود که در حین شهادت امام همراه حبیب بر بالین‌اش آمده و بر بالین او آیه ۲۳ احزاب را تلاوت می‌نماید و آخرین سخن مسلم سفارش امام به حبیب است. شهادت مسلم موجی از شادی کوفیان را به همراه دارد ولی شیب بن ربیع از فرماندهان عمر سعد آن‌ها را شماتت می‌کند.

تحلیل شخصیت او:

ادوار زندگی:

تولد	جوانی	میان سالی	بزرگسالی	مرگ
تولد در قبیله بنی اسد در حجاز	جوانی در محضر پیامبر + حضور در فتوحات	دوستی با حبیب در دوران خلافت امیرالمومنین با محوریت امام م یآوری	حفظ تشیع تا اوج تلاش در دوران قیام سید الشهدا	پذیرش شهادت عاشقانه در رکاب امام

شناسنامه تولی:

معرفت: آموختن اولین القاب معرفت (خود شناسی و امام شناسی) از محضر پیامبر.
محبت: ایجاد اولین زمینه‌های باور به اهل بیت در او و تقویت آن با همراهی با دوست‌اش حبیب و حضور در رکاب علمی و عملی امیرالمومنین جهت نهادینه نمودن آن معرفت و محبت.

طاعت: پس از ثبات قدم بر تشیع در زمانه‌ای سخت، چون دوران قیام می‌رسد با تمام استعدادهای خود با یاری رهبران حق می‌آید و در این مسیر حتی در شرایط سخت خانواده و همسر خود را به خود همراه می‌نماید.

نکات شخصیتی:

- ویژگی ثابت شخصیتی: تاثیر دوستی با محوریت ایمان و عمل صالح در سرنوشت افراد و سعی برای تحکیم این رابطه ولایت محوری + نشانه تشیع در آن زمانه‌ها، عبادت‌های آگاهانه و انس و ملازمت با مسجد بود. + مومن همیشه از جوانی تا واپسین لحظات دارای شجاعت و شهامت و رشادت است.

- نقاط عطف زندگی: درک محضر پیامبر + آمدن حضرت مسلم به کوفه و ایفای نقش ویژه برای ایشان + رفتن با همسرش از بیراهه کوفه در محاصره به سوی کربلا و پیوستن به امام

ایده‌ها محتوایی: حدیثی از امام باقر خطاب به یارانش است که در قدیم (یعنی در همان دوران سخت امامت امیرالمومنین و حسنین) که جامعه اسلامی دنیاگرایی و اعراض از اهل بیت روی آورده بود، نشانه‌های شیعیان این بود که هر کس در محله‌ای قاری قرآن، مؤذن، عالم، عابد و یا مشهور به تقوا و عمل صالح بود او شیعه است در این زمینه با توجه به نشانه شناسی اصحاب الحسین و اعداء الحسین می‌توان بحث زیبایی نشانه‌های رفتاری و ظاهری و نسبت آن را با قلب و باطن آدمی بحث نمود.

۶- حبیب بن مظاهر اسدی:

او از قبیله بنی اسد بود او را جزو صحابه شمرده‌اند یعنی حداقل در کودکی یا نوجوانی محضر پیامبر را درک کرده است.

پس از آغاز فتوحات او از حجاز به کوفه می‌آید و ساکن کوفه می‌شود با آمدن امیرالمومنین او به جمع یاران حضرت می‌پیوندد و ضمن مشارکت در تمامی جنگ‌های حضرت بهره‌ای از علوم حضرت به ویژه از علوم بلایا و منایا و آگاهی (و پیشگوهای علوی) از آینده را از حضرت فرا می‌گیرد.

عشق به اهل بیت باعث می‌شود که او حتی پس از شهادت یا هجرت اهل

بیت از کوفه او با گروهی از یاران اهل بیت همانند میثم تمار و رشید هجری و یا مسلم بن عوسجه در تماس باشد. حتی گه‌گاه در کوفه حداقل در محله بنی اسد با یادآوری احادیثی غیبی امیرالمومنین ، مردم محله خود را به حضرت یادآور شود و آن‌ها را از آینده هشدار دهد.

پس از رخداد صلح امام مجتبیٰ او بر خلاف برخی افراد افراطی تسلیم تصمیم امام می‌گردد و اعتراضی به امام ندارد و به فرموده حسنین منتظر مرگ معاویه و پایان زمان صلح می‌ماند او در این زمان سیره فردی عبادی و سیره اجتماعی ارتباط با شیعیان همانند افراد بالا و یا سلیمان بن صرد و گروه اش را در برنامه دارد.

با مرگ معاویه او اولین کسی است که با سردمداری سلیمان بن صرد خزاعی موج و جریان نامه نگاری به امام را در کوفه ایجاد می‌کنند. این اتفاق ابتدا در خانه سلیمان بن صرد و با مشارکت فعال حبیب انجام می‌شود و آن‌گاه به تدریج در کوفه رو به گسترش می‌گذارد که پیامدش آمدن حضرت مسلم است.

با آمدن مسلم بن عقیل در اولین جلسه خصوصی شیعیان در منزل مختار او از سران استقبال‌گر و حامی حضرت مسلم است.

و پس از آن جلسه با همکاری مسلم بن عوسجه دست به کار بیعت‌گیری برای حضرت مسلم می‌شوند.

تا این که با آمدن ابن زیاد و خیانت کوفیان و شهادت حضرت مسلم او چند روزی در کوفه مخفی شده و با آگاهی از ورود امام به کربلا ضمن تشویق کسانی چون مسلم بن عوسجه برای پیوستن به امام خود از بیراهه به سرعت به کربلا آمده و به امام می‌پیوندد.

در کربلا چون کمیابان امام را می‌بیند تلاش می‌کند تا از امتیاز فامیلی خود در میان عشایر بنی اسد که مستقر در منطقه هستند استفاده کند و آنها را به یاری امام بیاورد، ولی خبر چینی جاسوس‌ها و مداخله سریع لشکر عمر سعد تلاش‌های او را ناکام می‌گذارد او در مدت اقامت یک هفته‌ای در کربلا به

لحاظ سابقه سنی و معرفتی و میزان جد و جهد خود به گونه ای غیر مستقیم رهبر یاران غیر هاشمی سید الشهداء است.

و به لحاظ میزان شناختی که از کوفیان دارد و کوفیان از او دارند، هر گاه پیکی از کوفیان نزد امام می آید او با شناسایی او ضمن معرفی ویژگی های شخصیتی اش به امام سعی در ایجاد ارتباط و هدایت پیک ها دارد و یا در فرصت های مناسب همانند عصر تاسوعا به موعظه کوفیان می پردازد.

روز عاشورا او فرمانده جناح چپ لشکر امام و در برابر جناح عمروبن حجاج در لشکر عمر سعد بود و در طول نبرد با رشادتهای فراوان خود و نیروهایش تا ظهر مقاومت کردند و به هنگام ظهر چون امام از کوفیان برای اقامه نماز مهلت خواست و آن ها مهلتی ندادند او برای اینکه فرصتی برای اقامه نماز برای امام فراهم نماید یک تنه به مصاف کوفیان می رود و با درگیری شدیدی که منتهی به شهادتش شد چنان کوفیان را مشغول کرد که امام با یاران باقی مانده به اقامه نماز خود پردازد. شهادت حبیب یکی از رویدادهایی بود که بر امام بسیار گران تمام شد و موجب ناراحتی فراوان امام شد.

تحلیل شخصیتی:

ادوار زندگی:

تولد	نوجوانی	جوانی	میانسالی	بزرگسالی	شهادت
تولد در قبیله بنی اسد در حجاز	در محضر پیامبر در مدینه	شرکت در فتوحات و اقامت در کوفه	درک خلافت امام علی و سعی در علم آموزی تخصصی از محضر حضرت	حفظ شیعیان و تلاش برای فعال کردن مداوم آنها در مسیر امام یآوری تا پای جان	شهادت در رکاب امام حسین

شناسنامه تولی:

معرفت: معرفت او ریشه در درک و بصیرت او در جوانی داشت که حق و باطل و معیار های آن را از پیامبر شنید.

محبت: محبت او به اهل بیت بر محوریت آگاهی و استدلال بود بدین جهت سعی می کرد با رشد آگاهی های خود و به موازات آن انجام عمل بیشتر، باعث افزایش ایمان و محبت قلبی و رفتار نسبت به اهل بیت شود.

طاعت: او اسوه و الگو و سرآمد اصحاب الحسین است و این بواسطه موارد زیر است:

تلاش برای علم و آگاهی در مسیر حق، تلاش برای ایجاد و حفظ جامعه شیعه و نیرو سازی از آن برای امام، تلاش برای امام یآوری حداکثری.

نکات شخصیتی:

- **ویژگی ثابت شخصیتی:** شخصیت علمی و فکری حبیب و نقش آن در مدیریت روابط انسانی خود

استفاده مدام از اعتبار احتمالی خود در مسیر نیرو سازی برای حق چه در کوفه در آغاز نامه نگاری، چه پس از شهادت مسلم بن عقیل و چه پس از آمدن به کربلا

تلاشگری و خستگی ناپذیری در مسیر حق

- **نقاط عطف:** مرگ معاویه و ایجاد فرصت تاریخی برای فعال شدن او بر اساس وعده های غیبی و علم منایا که می دانست دیدار تاریخی اش پس از سال ها با امام وقتی که در کربلا به امام پیوست.

ایده های محتوایی: در میان یاران ۱۴ معصوم اگر چه یاران شاخص بسیاری دارند ولی هر معصومی چند یاور شاخص دارد همانند سلمان و ابوذر برای پیامبر و یا مالک اشتر برای امیرالمومنین و یا زراراه و جابر جعفی و محمد بن مسلم برای امام صادق ، در میان یاران سید الشهداء هم چهره شاخصی حبیب بن مظاهر است، و مهمترین عامل در شاخص شدنش ویژگی های فردی در کنار نقش آفرین های

مداوم اجتماعی آنهم بدور از تقدم یا تاخر بر امام است. بر همین اساس و مطالعه سیره خواهس اصحاب میتوان موضوع چگونه جزء خواص یاران مهدی شدن را مورد بحث و خطابه قرار داد.

۷- زهیر بن قین بجلی:

او از جوانان مسلمانی بود که جوانی آن‌ها به فتوحات گذشت و پس از آن دوران ساکن کوفه شده بود. از خاطرات خوش او در آن دوران فتوحات همراهی با سلمان فارسی بود که از او نکات و حکایتی را از پیامبر درباره کربلا شنیده بود ولی پس از قتل عثمان نسبت به تحولات جامعه دچار حیرت گردیده و از تحولات سیاسی اجتماعی کناره می‌گیرد تا آن گاه که می‌شنود سید الشهداء به قصد قیام بر علیه یزید در راه کوفه است.

او که وی داند باقی ماندش در کوفه به ناچار همراهی با یکی از دو طرف را به همراه دارد به قصد دوری از حوادث آینده از کوفه بیرون می‌آید و قصد حج را می‌نماید ولی اتفاقاً با کاروان امام روبرو می‌شود در ابتدا به دیدار امام نمی‌رود و تلاش دارد از امام دوری بگزیند ولی دعوتنامه امام و سخنان شماتت آمیز همسرش او را ناچار به پذیرش دیدار با امام می‌کند.

یک دیدار کوتاه که یادآور برخی خاطرات جوانی اش در رکاب سلمان در جنگ‌های آذربایجان است در حدود ۳۰ سال قبل برای او از کربلا گفته است، باعث تحول زهیر می‌گردد.

ولی او برای پیوستن به حضرت مانعی دارد و آن تعلق اش به همسرش است. پس همسر را با رضایتی که از او می‌گیرد به همراهیان خود سپرده و به کوفه باز می‌گرداند و خود ملازم رکاب حضرت می‌گردد و از آن لحظه یکی از استوانه‌های لشکر حضرت می‌گردد.

او در ماجرای آب آوردن شب تاسوعا و یا خطبه خوانی‌ها و اتمام حجت بر

علیه کوفیان حضوری فعال دارد.

در شب عاشورا وقتی امام اجازه رفتن می دهد پاسخ زهیر چنین است:
 اگر کشته شوم و خاکسترم به باد داده شود سپس زنده شوم و دوباره چنین
 کشته شوم تا هزار بار اما شما در امان بمانی هر آینه این را به جان می پذیرم.
 روز عاشورا او فرمانده جناح راست لشکر حضرت می گردد و روبروی او با
 لشکریانش قرار می گیرند بدین جهت او روز عاشورا مصافی سخت را رهبری
 می کند و حتی در میانه جنگ وقتی که شمر با برخی سربازانش از پشت به خیام
 امام نفوذ می کند او با ۱۰ نفر از یارانش به آنها هجوم برده و با کشتن و زخمی
 کردن برخی همراهان شمر آنها را متواری می سازد.
 نبرد و مقاومت او تا ظهر ادامه می یابد و این توفیق را می یابد که پس از
 شهادت حبیب و حرّ، نماز را با امام بگذارد و آن گاه به رزمگاه برود و یکی از
 شدید ترین هجوم ها را به کوفیان بنماید تا به شهادت برسد.

تحلیل شخصیت او:

ادوار زندگی او:

مرگ	بزرگسالی	میانسالی	جوانی
پیوستن عالمانه و عاشقانه به امام و ثبات قدم تا لحظه شهادت	قیام امام و شدت گیری حیرت او و فرارش از شرایط مبهم و روبرو شدن با امام و شناخت حق و باطل	خلافت امیر المومنین و سپس معاویه و تحیر فکری و انزوا و نظاره‌گری اجتماعی او	سرگرم و مشغول به فتوحات و آشنایی با سلمان فارسی و ایجاد خاطره ذهنی ماندگار

شناسنامه تولی:

معرفت: سال ها زندگی کردن با حیرت و یا جهل مرکب ولی تلاش برای این که دچار افراط و تفریط نشود و از حق شناسی در صورت پیش آمد فرصت‌اش گریزان نباشد.

محبت: پس از مواجهه عینی و عملی با حق و درک حقانیت آن سریع و

راحت به ایمانی آگاهانه و خالصانه دست یافت و نگذاشت حواشی و تعلقات زندگی او را از ایمان به حق باز دارد.

طاعت: پس از پیوستن به امام اندازه و همشان حبیب در عاشورای حسینی شد و تمام توان و تجربه و تخصص اش را خرج حسین کرد.

نکات شخصیتی:

- **ویژگی ثابت شخصیتی:** عدم فرار از حق و حقیقت اگر چه تحمل اش سخت یا هزینه بر باشد.

فرصت‌شناسی و شکار فرصت‌ها در طول زندگی

عدم وجود تعصب و جمود فکری و رفتاری

- **نقطه های عطف:** - دیدار با سلمان فارسی در جوانی

دیدار تاریخی اش با امام در راه عراق

ایده محتوایی: انسان نرمال و موفق کسی است که اگر هم مومن نباشد

ولی راه های عاقبت به خیری و عنایات ویژه ولیّ زمان برا بر خودش سدّ نکند و

لازمه این امر این است که با وجود عدم ایمان ، در فسق و فجور غرق نگردد ،

فطرت را سالم نگهدار و از تعصب به دور باشد و در پرونده زندگی خود بر گه

سفید و پاکی داشته باشد که به واسطه آن زمینه های عاقبت به خیری را برای

خود فراهم سازد.

۸ - عبدالرحمن بن عبد رب انصاری خزرگی:

او از مردم مدینه و از صحابه بود که حادثه غدیر را در جوانی به چشم خود دیده

بود و پس از خانه نشینی حضرت علی او از شاگردانش در دوران خانه نشینی

حضرت بود. پس از به خلافت رسیدن امام، همراه ایشان به کوفه می آید و در

جنگ های حضرت و دیگر برنامه های حضرت شرکت فعال دارد که از جمله

مهمترین آنها این است که پس از به خلافت رسیدن امیر المومنین و آمدن

ایشان به کوفه اغلب کوفیان هنوز با حقایق صدر اسلام آشنا نبودند و امام را فقط به عنوان خلیفه چهارم می شناختند، بدین جهت حضرت در سلسله ای از برنامه های روشنگرایانه در تلاش است به معرفی یادآوری ماجرای غدیر برای کوفیان بپردازد، در این راستا امام روزی در مسجد کوفه پس ذکر ماجرای غدیر از صحابه حاضر خواست که درباره غدیر شهادت دهند پس ۱۲ نفر از صحابه برخاستند و درباره غدیر شهادت دادند و برخی سکوت کرده و به نفرین حضرت گرفتار شدند. از شهادت دهندگان عبد الرحمان بود که مشمول دعای خیر امیرالمومنین شد. پس از شهادت امیرالمومنین و بازگشت اهل بیت به مدینه ، او هم به مدینه باز می گردد و ملازم رکاب اهل بیت در مدینه است تا اینکه امام از مدینه به سوی مکه هجرت می کند و پس از مکه هم رهسپار عراق می شود او در تمام این مراحل قیام حضرت همراه و یاور حضرت است. در شب عاشورا او همراه بریر بن خضیر در کنار خیمه غسل و نظافت به شوخی و مزاح می پردازند تا نوبت آن‌ها بگردد و در روز عاشورا از شهدای کربلا می گردد.

تحلیل شخصیت او:

ادوار زندگی:

تولد	جوانی	میانسالی	مرگ
در مدینه در خانواده ای از انصار	درک محضر پیامبر و آموختن عشق و تولی اهل بیت از ایشان به ویژه در غدیر خم	شاهد زنده غدیر و مبلغ ولایت در زمان خلافت حضرت علی و پس از آن در کوفه	ملازمت و همراهی مداوم با امام تا کربلا و شهادت در رکاب امام

شناسنامه تولی:

معرفت: آموختن حق و باطل با محوریت اهل بیت عصمت از زبان و محضر پیامبر.

محبت: ایجاد عشق و ایمانی عالمانه در قلب او و استوار ماندن بر این عقیده

حق در فراز و نشیب تاریخ صدر اسلام.

طاعت: سعی برای اینکه در هر زمان شاهد و نشانه حقانیت زمان خود باشد و بر اساس نیاز و شرایط زمانه، امام یاور باشد.

نکات شخصیتی:

- ویژگی ثابت شخصیتی:

- انس و حضور مداوم از مدینه پیامبر تا کربلای شهادت در محضر اهل بیت

- نقطه‌های عطف

- حضور آگاهانه و بیعت عاشقانه در غدیر

- شهادت بر ماجرای غدیر و مشمول دعای ویژه امیر المومنین شدن در کوفه

- همراهی سید الشهداء از مکه تا شهادت

ایده محتوایی: از جلوه‌های مهم امام یآوری، عدم کتمان حقایق و ابراز آن

به جامعه و به ویژه نسل‌های بعدی است یا پیوند و استمرار جامعه ایمانی برقرار گردد و این مهم رسالتی بزرگ برای نسل‌های پا به سن گذاشته تعریف میکند تا گمان نکنند با گذر جوانی دیگر باید به انزوا و حاشیه بروند بلکه بر اساس ادوار سنتی خود حتی در عین کهنسالی تجربه‌ها و مشاهدات جبهه حق را باید به نسل‌های بعد انتقال داد و رسالت تربیتی خود را ایفا کرد.

۹- عمرو بن قرظه انصاری:

او پسر قرظه بن کعب خزرجی انصاری است:

او از فرزندان انصار بود که همراه پدرش ساکن کوفه شده بود. پدرش از شیعیان امیر المومنین بود که از سوی آن حضرت والی فارس بود و پس از آن در سال ۵۱ هـ ق رحلت کرد. او فرزندان متعددی داشت که معروفترین آن‌ها عمرو و زبیر بودند. عمرو که فرزند بزرگتر پدر بود و بر محبت اهل بیت باقی مانده بود ولی زبیر (و در برخی نسخه‌ها نام او را علی نوشته‌اند) تحت تاثیر شرایط اجتماعی و عدم

تحمّل سختی‌های تشیع در دو ران خلافت معاویه به حزب اموی پیوسته بود. پس از آغاز قیام سید الشهدا وقتی امام وارد کربلا می‌شود عمرو که از شیعیان بود پنهانی خود را به امام می‌رساند و به حضرت می‌پیوندد ولی برادرش همراه لشکر عمر سعد به کربلا می‌آید.

عمرو چون آقازاده‌ای مهم و انصاری بود امام او را برای مذاکره پیش عمر سعد (آقازاده‌ای از مهاجرین) می‌فرستد که نتیجه آن محقق شدن دیدارهایی چند بین امام با عمر سعد تا تاسوعا که با آمدن شمر به کربلا این مذاکرات قطع می‌گردد.

روز عاشورا به هنگام نماز او ابتدا به رزم کوفیان می‌رود تا فرصت نماز برای حضرت فراهم شود ولی پس از شهادت سعید بن عبدالله حنفی او جای سعید را گرفته و سینه و جسم خود را سپر تیرهای دشمن به سوی امام می‌نماید تا به شهادت می‌رسد این حادثه خشم زبیر برادرش را به همراه دارد پس جلو می‌آید و شروع به هتاک‌ها به امام می‌نماید ولی در رزم یاران امام مجروح شده و به عقب رزمگاه منتقل می‌شود.

تحلیل شخصیت او:

ادوار زندگی:

نوجوانی	جوانی	میان‌سالی	شهادت
در محضر پدر و کسب عشق به اهل بیت از او	درک خلافت امیر المومنین و یآوری پدرش در انجام ماموریت‌های محوله به او از سوی حضرت امیر	حفظ تشیع خود در شرایط سخت خلافت معاویه و گذشتن از امتیازات آقازاده بودن خود بر خلاف برادرش که جذب سکه‌های معاویه شد	پیوستن به امام و یاری ایشان در اتمام حجت بر عمر سعد و آن‌گاه شهادت در رکاب امام

شناسنامه تولی:

معرفتی: درس حق و باطل را از محضر پدر فرا می‌گیرد و آن‌گاه با تعمیق بخشی به آن سعی می‌کند در شرایط سخت و هجوم باطل گرفتار حیرت و یا جهالت نگردد و بر حق یابوری ثابت بماند بر خلاف برادرش که در همان زمان به راحتی به باطل روی می‌آورد.

محبتی: ایمان او به اهل بیت به معنی پشت پا زدن به شرایط و امتیازات اجتماعی است ولی او همه را به جان می‌خرد.

طاعتی: در سراسر دوران سخت معاویه سختی‌ها را تحمل می‌کند و پس از آمدن امام به کربلا پس از پیوستن حضرت تمام اعتبار اجتماعی‌اش را خرج امام می‌نماید تا شاید عمر سعد متحول شود.

نکات شخصیتی:

– ویژگی ثابت:

آزاده‌ای در شهر کوفه که با برادرش که به امویان پیوسته، در رقابتی دائمی از جهت فکری و اجتماعی است.

– نقاط عطف:

رفتن به کربلا و پشت پا زدن به تمام اعتبارات اجتماعی خود در کوفه دیدار با عمر سعد در کربلا به عنوان دیدار آزاده‌ها در دو جبهه حق و باطل و با هدف اتمام حجت بر او.

ایده محتوایی: جایگاه خاص اجتماعی یکی از وضعیت‌های انسانی می‌تواند باشد که نتیجه آن ایجاد اعتبار و موقعیت برای افراد است، اعتباری که می‌تواند بر اساس آن فرد به نقش‌آفرینی سیاسی، اقتصادی و یا اجتماعی بپردازد ولی نباید غافل شد که این اعتبار هم خود نوعی از نعمت‌هاست که مسئولیت دارد،

مسئولیت خرج کردن آن را در راه حق و عدم خرج آن را در راه باطل و یا بی‌خاصیت گذاشتن آن و مشکل جامعه امروز ما ایت است که اغلب افراد به دنبال شهرت و اعتبار کاذب و باراستین فقط برای منافع فردی و یا گروهی خود هستند و منافع دین و جامعه دینی در این میان مورد غفلت و سستی قرار می‌گیرد.

۱۰- هانی بن عروه مرادی مذحجی:

او و پدرش از صحابه و از مهمترین و از شیعیان بودند او در زمان خلافت امیر المومنین در جنگ‌های سه‌گانه اش شرکت کرده بود و بعد ها هم در قیام حجر بن عدی بر علیه معاویه شرکت کرده بود ولی برخی شفاعت او را کردند و او جان سالم بدر برده بود.

او در اواخر عمر بزرگ قبیله مذحج بود و شوهر خواهر عمرو بن حجاج از دیگر بزرگان مذحج بود او با اینکه از بزرگان شیعه و رئیس مذحج بود. در اواخر عمر (۸۸ یا ۹۰ سالگی) چندان در تحولات کوفه فعال نبود. به همین دلیل کمتر نامی از او در تحولات کوفه تا قبل از ورود حضرت مسلم دیده می‌شود. ولی پس از آمدن ایشان او ابتدا بر مختار وارد می‌شود ولی پس از آمدن ابن زیاد و ضرورت تغییر مکان مسلم به خانه هانی پناه می‌برد و هانی او را می‌پذیرد. این در حالی است که پس از ورود ابن زیاد به کوفه برخی از شیعیان بصره هم که به اجبار ابن زیاد به کوفه آمده‌اند، مهمان هانی هستند و خانه او محل رفت و آمد اشراف شهر و بعضا ابن زیاد هم است. ولی هانی در یک زمان به خوبی هم نقش میزبانی حضرت مسلم و شیعیان و هم نقش دیدارهای اشراف را به گونه ای ایفا می‌کند تا اینکه به راحتی محل اختفای حضرت مسلم افشا نشود. تا اینکه ابن زیاد متوسل به جاسوسان خود می‌شود و بعد از کشف مخفی‌گاه او هانی را به کمک فریب کاری اشراف خائن شهر به داخل قصر فرا می‌خواند و او را زندانی می‌کند. زندانی کردن هانی اگر چه در آغاز قیام شتابزده قبیله مذحج را به همراه دارد ولی این قیام با شهادت دروغین شریح قاضی به سرعت خاموش می‌شود

پس از آن قیام حضرت مسلم رخ می دهد که آن هم خیانت اشراف و ترس کوفیان ناکام مانده و به سرعت مسلم بن عقیل هم دستگیر می گردد و آن گاه در یک روز هانی این توفیق را می یابد که هم شهادت حضرت مسلم می گردد.

تحلیل شخصیت او:

ادوار زندگانی:

تولد	جوانی	میانسالی	بزرگسالی	شهادت
در سرزمین یمن و اسلام آوردن در سفر یمن امیر المومنین	درک محضر پیامبر و آن گاه شرکت در فتوحات و سپس اقامت در کوفه	از شیعیان امیر المومنین در زمان خلافت حضرت و خلافت معاویه	دومین میزبان حضرت مسلم تا پای شرافت و جان خود	پذیرش شهادت به خاطر حمایت از حضرت مسلم

شناسنامه تولی:

معرفت: معرفت حق و باطل را در دو مرحله با فاصله از مدرسه نبوی و مدرسه خلافت علوی در کوفه آموخته بود.

محبت: در دوران معاویه که محبت علوی و تشیع جرم بود او در قیام حجر شرکت می کند ولی جان سالم به در می برد.

طاعت: او به خاطر جایگاه اجتماعی خود و سابقه تاریخی اش در تشیع از زمان پیامبر و امیر المومنین توفیق میزبانی حضرت مسلم را تا پای جان می یابد.

نکات شخصیتی:

- ویژگی ثابت:

خطر پذیری در شرایط دشوار اجتماعی
جایگاه ریاست معنوی و بزرگ قبیله مذحج را داشتن و رقابت پنهانی بین او و عمرو بن حجاج در این زمینه

– نقاط عطف:

دیدار با پیامبر
همراهی با امیر المومنین در خلافت اش
شرکت در قیام حجر
میزبانی حضرت مسلم

ایده محتوایی: تقلید در شیعه یعنی داشتن مدیریت دوگانه همزمان یک مدیریت آشکارانه به طندگی ظاهری و به ظاهر به روز مرگی معمولی میگذراند و یک مدیریت پنهان حقیقی به اوج تلاش گری بی سر و صدا برای حق است و پشتوانه این مدیریت دوم هم نه ارائه گزارش کار و تقدیر اجتماعی بلکه اخلاص و ایثار و انفاق در کنار شهامت و بصیرت میباشد و حامیان نقش ره به زیبایی به ما میآموزد که چگونه در زندگی اجباری روز مره خود چگونه اسیر روزمرگی باطل نشده و در طرح کلان خود به مدیریت برنامه های حق و امام یآوری اقدام نماییم و در این راه از تمام استعداد های خود استفاده نماییم.

۱۱ – عمار بن ابی سلامه همدانی دالانی:

عمار از قبیله شیعه همدان بود. احتمال می رود سابقه عشق و تشیع علوی او به همان سفر یمن حضرت علی در آستانه حجه الوداع پیامبر باز گردد که به دنبال آن قبیله همدان به دست حضرت اسلام (اسلام شیعی) آورد و بر آن ثابت ماند و پس از هجرت این قبیله از یمن به عراق در دوران فتوحات از پایه گزاران تشیع علوی در کوفه بودند. عمار برخاسته از این چنین قبیله‌ای بوده است. می‌گویند او از صحابه هم بوده و توانسته در زمان حیات پیامبر به دیدارش نائل شود که احتمالاً پس از همین سفر یمن بوده است.

در زمان امیر المومنین در کوفه در تمام جنگ های سه گانه حضرت شرکت کرده بود. او در اولین روزهای دیدارش با امام در زمانی که امام به سوی بصره برای نبرد با اصحاب جمل می رفت خدمت امام رسید، و از ایشان پرسید اگر با

بصریان روبرو شدید چه می‌کنید؟ امام فرمود: آنان را به خداوند و فرمانبری از او فرا می‌خوانیم و اگر اطاعت نکردند با آنها می‌جنگیم. عمار گفت: در این صورت آنان بر دعوت کننده حق پیروز نخواهند شد.

پس از آن در دوران خلافت معاویه بر تشیع خود استوار ماند. تا اینکه در آغاز خلافت یزید تحولات سریع و شگفت کوفه رخ می‌دهد. پس از شهادت حضرت مسلم و رسیدن امام به کربلا و اهتمام ابن زیاد برای فرستادن سربازان داوطلب به سوی کربلا، چون ابن زیاد غالباً در نخيله، لشکرگاه کوفه حاضراست تا اعزام لشکرها را مدیریت کند، عمار به نخيله می‌رود تا شاید به ابن زیاد دست یابد و او را ترور کند و غائله را ختم کند ولی به علت فزونی محافظین عمر سعد او نمی‌تواند نقشه خود را اجرا نماید بدین جهت تصمیم می‌گیرد لاقلاً خود را به امام برساند پس پنهانی خود را به امام در کربلا می‌رساند و به یاران حضرت می‌پیوندد و از شهیدان کربلا می‌گردد.

تحلیل شخصیت او:

ادوار زندگی:

تولد	جوانی	میان‌سالی	بزرگسالی	شهادت
در یمن و اسلام آوردن	درک محضر پیامبر و شرکت در فتوحات و سکونت در کوفه و ارتباط با شیعیان شهر	خلافت حضرت و ملازمت رکاب حضرت	ثبات بر تشیع در دوران سخت معاویه و شرکت در تحولات کوفه و نقشه ترور ابن زیاد و ناکام ماندن آن	پیوستن به امام در کربلا و شهادت

شناسنامه تولی:

معرفت: سعی بر معرفت عالمانه و دفع شبهه و حیرت در پرسش و پاسخی صمیمی با رهبر حق در شرایطی که بسیاری دچار حیرت یا نفاق شده بودند.

محبت: ایجاد محبت و ایمانی عمیق در قلب که تلاش می کند آن را ثابت و استوار نگه دارد.

طاعت: خطر پذیری و تلاش برای رفع موانع باطل در برابر قیام بر اساس استعداد و توانایی‌ها.

نکات شخصیتی:

ویژگی ثابت شخصیتی:

شهامت و شجاعت گفتاری و رفتاری که بیانگر بصیرت او بود.

نقاط عطف:

دیدار با پیامبر و درک محضر ایشان
دیدارش و سخن گفتن اش با امیر المومنین در مسیر جنگ جمل
تصمیم به ترور ابن زیاد
پیوستن به امام در کربلا
ایده‌های محتوایی: شجاعت و شهامت از نشانه های مومن است چرا که تکیه گاه او خداوند است نه امور دنیوی و زمینی و همین تکیه گاه غیبی و ایمان معنوی، قدرت روحی و جسمی فرد را افزایش می دهد بدین جهت در موارد و زمان‌های سخت نه زمینگیر است، نه خنثی، نه متحیر، بلکه در برابر هم در گفتار و هم در رفتار با تکیه بر خداوند و بصیرت دینی به ابراز حق و عمل به حق می پردازد.

۱۲- حرّ بن یزید ریاحی:

حرّ از خاندان ریشه دار در تاریخ عرب بود که در جاهلیت و اسلام دارای شخصیتی هابی مطرح بوده است. در زندگی کودکی او ظاهراً مادرش در تکوین شخصیت او جایگاه ویژه ای داشته است (بر اساس سخن امام درباره مادرش) به گونه ای که حتی نامگذاری فرزندش را همو انجام داده است. پس از پیدایش

کوفه او ساکن کوفه شده بود و به خاطر اصالت خانوادگی و شجاعت اش جزو فرماندهان (دسته دوم) لشکر اموی کوفه بود. پس از آمدن ابن زیاد به کوفه، حصین بن تمیم تمیمی (هم قبیله ای حرّ) فرمانده و رئیس شرطه ابن زیاد می‌گردد و ماموریت کنترل راههای حجاز را به عهده می‌گیرد. او هم با چهار هزار سرباز در حومه شهر مستقر شده و تمام راه‌ها را به کنترل خود در می‌آورد و آن‌گاه حرّ را که مورد اعتمادش بوده با هزار سرباز به سوی راه حجاز اعزام می‌کند تا مانع ورود امام به کوفه بشود. حرّ به خاطر شتاب و اهمّی که نسبت به حسن انجام ماموریت اش دارد راهی راه بیابانی حجاز می‌شود و حتی آب کافی با خود بر نمی‌دارد و یا مسافتی طولانی و بیشتری را طی می‌کند تا به امام برسد به همین جهت خود و یارانش در راه دچار تشنگی شدیدی می‌شوند ولی ناگهان با کاروان امام روبرو می‌شوند که همگی آن‌ها را سیراب می‌نمایند. پس از سیراب شدن، حرّ ماموریت خود را به امام می‌گوید، امام اجازه بازگشت می‌خواهد ولی تصمیم حرّ این است که نه کوفه و نه حجاز بلکه به سمت چپ جاده موقتاً (در حومه غربی کوفه) حرکت کنند تا او از ابن زیاد کسب تکلیف کند.

اصرار حرّ منجر به سخنان تندى بین او و امام می‌شود ولی حرّ که نمک‌گیر سیراب شدن امام است و مقام امام را اجمالاً می‌شناسد سعی می‌کند حرمت امام را در این لحظات سخت رعایت کند و امام هم در نهایت می‌پذیرد که با او همراه گردد. موقع نماز ظهر امام جهت اقامه نماز اطراق می‌کند. حرّ هم متوقف می‌شود و چون امام با یارانش به جماعت بر می‌خیزند حرّ و اصحابش هم در نماز امام شرکت می‌کنند و آن‌گاه امام برای آن‌ها خطبه می‌خواند و مسئله نامه‌ها را مطرح می‌نماید ولی حرّ از آن‌ها اظهار بی‌اطلاعی می‌کند.

از آن پس هر دو کاروان در حومه کوفه به سوی شمال به حرکت در می‌آیند و حرّ پیکی به کوفه می‌فرستد در همین حین هم مراقب است کسی به امام نپیوندد ولی امام مانع او شده و جمعی از آن‌ها را که به سوی اش آمده‌اند به گروه خود وارد می‌نماید.

پس از ۲ روز همراهی حرّ با امام: سرانجام پیک ابن زیاد در ۷۰ کیلومتری شمال کوفه به حرّ می رسد با این دستور ابن زیاد که امام را در جای بی آب و علفی متوقف سازد و دوباره حر با پافشاری امام را در کربلا متوقف می سازد ولی هنوز نمازها به جماعت امام بر گزار می گردد تا این که فردای آن روز یعنی سوم محرم عمر بن سعد وارد کربلا می شود. اولین اقدام عمر بن سعد جدا کردن دو لشکر از همدیگر است و بدینگونه حرّ از دیدار امام دوباره محروم می گردد تا صبح عاشورا که دو لشکر روبروی هم قرار می گیرند. او سرانجام با مطالعه دو لشکر با همدیگر مصمم به پیوستن به امام می شود.

او این تصمیم اش را به کسی نمی گوید و قبل از شروع جنگ به سرعت به سوی لشکر گاه امام آمده در نزدیکی امام از اسب فرود آمده و با حالت توبه نزد امام می آید. امام توبه اش را پذیرفته و او در دسته زهیر در قسمت میمنه قرار می گیرد و سرانجام ظهر عاشورا که کوفیان به امام مهلتی برای نماز نمی دهند بعد از حبیب به رزم کوفیان می رود تا آن‌ها را به خود مشغول کرده تا امام و اصحاب نماز بگذارند و سرانجام این رزم او شهادت است، پس از شهادت اصحاب پیکرش را نزد امام می آورند و امام می فرماید(همانا تو حر هستی همان گونه که مادرت تو را حر نام نهاده است)

تحلیل شخصیت او

توالی حوادث:

تولد	جوانی و میان‌سالی	امارت ابن زیاد بر کوفه	دیدار با امام	در کربلا
در قبیله ای که چندان دارای گرایش‌های علوی نیستند (قبیله بنی تمیم)	جذب شرطه کوفه شدن و کارمند نظامی حکومت امویان شدن	قبول پست فرماندهی برای ماموریتی سخت و دشوار که بسیاری از آن گریزان بودند	بر خورد رسمی ولی مودبانه با امام وسیعی بر جمع بین تعهدات حکومتی و حفظ شخصیت طرف مقابلش(امام)	تفکر مداوم در مورد دو طرف و نبستن ندای فطرت بر خود و سرانجام پیوستن به امام.

شناسنامه تولی:

معرفت: او سال‌ها در جبهه باطل بود ولی این همراهی تقلیدی بود پس تا با حق مواجه شد سعی می‌کرد به دور از تعصب و جمود، دو طرف را آگاهانه بشناسد.

محبت: وقتی حق را شناخت با فطرت و علم خود به مبارزه برخواست بلکه این آگاهی را به ایمان و باور تبدیل کرد اگر چه می‌دانست نتیجه ایمان او ترک تمام اعتبارات دنیوی است

طاعت: در زمان کارمندی برای باطل، نوکری بی‌چون و چرا و متعصب نبود و احترام حق را نگه داشته و همین نقطه سفیدی در پرونده او شد تا بعد‌ها زمینه امام‌یآوری در رکاب حسین را برایش فراهم سازد. پس از شناخت حق در جستجوی راهی برای جمع کردن بین دین و دنیا بود، ولی وقتی در صبح عاشورا فهمید این جمع امکان ندارد دین و آخرت را انتخاب کرد.

نکات شخصیتی:

– ویژگی ثابت:

عدم تعصب و تقلید و سعی بر حفظ حریت شخصیتی خود حتی در زندگی کارمندی
رعایت ادب و احترام در عین مامور بودن

– نقاط عطف:

دیدار و مواجهه مستقیم با حق برای اولین مرتبه در زندگی اش پس از دیدار با امام
شرکت در نماز جماعت امام و نیستن فرصت مطالعاتی حق و باطل بر روی خود
روز سخت او در صبح عاشورا

ایده محتوایی: دنیای امروز دنیای زندگی کارمندی و یا نوعی بالادستی و فرودستی است و اکثر افراد در این مقام به خاطر حفظ جایگاه اجتماعی یا شغلی خود پا روی فطرت و دین خود گذاشته و یا در بسیاری از مواقع چشم و گوش خود را می‌بندند و در این شرایط تابع اکثریت و نظام حاکم می‌شوند و این نتیجه‌اش سیاهی لشکر باطل شدن است همان که در زیارات حسینی می‌خوانیم (اُمّه سمعت بذلک فرضیت به) ولی حرّ نشان داد می‌توان کارمند و زیردست بود اما حرّ بود.

۱۳- یزید بن ثیب عابدی بصری:

او از قبیله عبدالقیس از معدود قبایل شیعه بصره بود او در بصره از اصحاب و شاگردان ابوالاسود دثلی بود و همین امر باعث شده بود که در بصره شهر عثمانی‌گری و اموی زده و خارجی زده، با تمام تبلیغات امویان، تشیع خود و خاندانش را حفظ کند.

در این شهر در اواخر خلافت معاویه و آغاز خلافت یزید، والی شهر ابن زیاد بود. بدین جهت تمام شیعیان در تقیه شدیدی بودند و تنها محل اجتماع آن‌ها منزل بانویی از قبیله عبدالقیس به نام ماریه دختر منقذ عابدی بود که شیعه بود و شیعیان گهگاه در آن جا جمع شده و درباره مسائل روز مخفیانه سخن می‌گفتند.

پس از مدتی به جمع آنها خبر رسید که حسین قیام خود را آغاز کرده و به مکه رفته است ولی شیعیان بصره نمی‌دانستند تکلیف آن‌ها چیست تا اینکه امام پیکی به بصره می‌فرستد و از بصریان می‌خواهد که بر علیه خلافت سراسر فساد یزید با امام همراه شوند. پیک امام در بصره به شهادت می‌رسد ولی خبر به شیعیان می‌رسد.

در اولین جلسه ای که در منزل ماریه پس از رسیدن نامه امام بر قرار می‌شود بسیاری مردم و متحیر هستند وعده ای زیادی ترسیده اند ولی یزید بر

خواسته و اعلان می‌کند که باید به مکه برای یاری امام رفت و خودش هم عازم مکه است هر کس مایل است با او همراه شود.
 از میان حضار دو پسرش (از میان ۱۰ پسرش) عبدالله و عییدالله و چند دوستش به نام‌های عامر بن مسلم عبیدی و سیف بن مالک و ادهم بن امیه با او همراه می‌شوند و او از بصره مخفیانه عازم مکه می‌شود.
 چون به مکه می‌رسند در ابطح در حومه مکه اطراق می‌کنند و پس از اندکی استراحت به سوی منزل امام راهی می‌شوند و به منزل امام می‌روند ولی امام در منزل نیست.

از آن سو وقتی امام خبر آمدن آن‌ها را می‌شنود برای دیدارشان به اقامتگاه آن‌ها می‌آید و به انتظار آن‌ها می‌نشیند. آن‌ها چون می‌فهمند امام به قصد دیدار آن‌ها از منزل خارج شده است به سرعت به اقامت گاه خود باز می‌گردند و امام را در آن جا زیارت می‌کنند و امام این آیه را در آن دیدار برایشان تلاوت می‌نماید که (قل بفضل الله و برحمته فبذلک فلیفرحوا ۵۷ یونس)
 و سپس به دستور امام منزل گاه خود را به منزل امام منتقل کرده و مهمان حضرت می‌گردند تا اینکه همراه امام به کربلا آمده و آن جا در رکاب امام به شهادت می‌رسند.

تحلیل شخصیتی:

توالی حوادث:

دوران معاویه	مرگ معاویه و نامه امام	امام در مکه	امام در کربلا
با وجود امارت سخت زیاد و ابن زیاد در شهر عثمانی بصره او تشیع خود و خانواده اش را حفظ می‌کند	ایجاد اجتماعی مخفی از شیعیان در خانه بانویی شیعی با هدف خبرگیری و تحلیل مداوم حوادث	رسیدن نامه امام و تلاش او برای نیروگیری و رفتن به سوی امام همراه اندک یارانش و استقبال امام از او	ثبات قدم و شهادت در رکاب امام همراه فرزندان و دوستانش

شناسنامه تولی:

معرفت: نشان دادن این که در شهری با اکثریت باطل به وسیله حفظ ارتباط با شخصیت‌های علمی و فرهنگی می‌توان عقیده خود را حفظ و تعمیق بخشید

محبت: در محیط باطل با روش درست تربیتی محبت به اهل بیت را در خانه و فرزندان می‌توان ایجاد کرد.

طاعت: در شرایطی که بصره شهر دشمن یا خنثای زمانه خود بود او نشان داد که در هر شرایطی و محیطی می‌توان امام زیست و امام‌ی‌اور بود آن هم همراه خاندان و دوستان خود.

نکات شخصیتی:

- ویژگی ثابت شخصیتی:

توجه به تربیت روحیه علوی با محوریت کسب آگاهی و بصیرت برای خود و خانواده و دوستانش توسط ایجاد ارتباط مداوم با رهبران شیعه

- نقاط عطف:

ارتباط او با ابوالاسود در دوران سخت و دین ستیزی معاویه

ایجاد ارتباط و حضور ماریه سعدیه جهت انس با شیعیان و خبرگیری از جهان اسلام

اقدام به سفری سخت از بصره به سوی مکه

ایده محتوایی: بحث خانواده دینی و نقش آن در سرنوشت افراد، و همچنین بحث مهمی که در مجموعه روایی شیعه با عنوان (جالث و لاتجالث) وجود دارد و محدودیت آن ایجاد هسته‌های اولیه خیمه‌ها و محافل معرفتی‌ای است که منجر به ایجاد بصیرت برای فرد بر اثر همنشینی با علما، حکما، صلحا شده و آن‌گاه این بصیرت را به او میتواند با ایجاد هسته‌های جدید به اطرافیان خود منتقل نماید.

۱۴- سعید بن عبدالله حنفی:

از شیعیان کوفه و مشهور به عبادت و شجاعت بود. پس از مرگ معاویه که ماجرای نامه نگاری در کوفه آغاز شده و به اوج می‌رسد از آخرین نامه‌ها، نامه جمعی از اشراف کوفه است آنها وقتی نامه را می‌نویسند به دنبال پیکی می‌گردند سعید بن عبدالله حاضر می‌شود آن نامه را به مکه نزد امام ببرد. او با طی مسافت طولانی کوفه تا مکه خود را به امام می‌رساند و نامه را به حضرت داده و نزد امام می‌ماند.

وقتی امام تصمیم می‌گیرد حضرت مسلم را به کوفه اعزام نماید قبل از آن سعید را همراه هانی بن هانی از دیگر پیک‌های کوفیان همراه نامه‌ای اعزام کوفه می‌نماید تا خبر آمدن مسلم بر عقیل را به آنها بدهند و آنها را آماده استقبال مسلم بنمایند و آنها چنین کردند تا چند روز بعد حضرت مسلم وارد کوفه می‌شود و در منزل مختار اقامت می‌گزیند.

در منزل مختار در اولین جلسه سعید از استقبال گران پر شور است. حضرت مسلم پس از بر آورد مسئله بیعت یک ماه بعد طی نامه‌ای خبر اوضاع کوفه را برای امام می‌نویسد و آن را به قیس و سعید می‌دهد تا نامه را به امام برسانند و آنها چنین می‌کنند. از آن پس سعید که کار خود را در کوفه تمام شده میبیند نزد امام می‌ماند و ملازم رکاب امام می‌شود و دیگر از امام جدا نمی‌گردد تا اینکه همراه حضرت به کربلا می‌آید شب عاشورا پس از این که امام به آنها اجازه رفتن می‌دهد چنین می‌گوید: اگر ۷۰ مرتبه کشته شوم و زنده شوم از شما جدا نخواهم شد.

روز عاشورا چون موقع نماز شد و دشمن به امام مهلت نماز نداد و امام با تمام خطرات به اقامه نماز پرداخت. سعید در برابر امام ایستاد و خود را سپر تیرهایی که به سمت امام می‌آمد نمود به گونه‌ای که در مدت نماز ۲ رکعتی کوتاه امام چنان تیر خورد که در پایان نماز امام، به شهادت رسید.

تحلیل شخصیت او:

توالی حوادث:

دوران معاویه	خلافت یزید	حضرت مسلم	امام از مکه تا کربلا
از شیبیان مشهور به عبادت در کوفه	حضور فعال در نامه نگاری ها و پذیرش ماموریت نامه رسانی	ملازم رکاب مسلم از مکه تا بیعت و نارساندن نامه اش به امام	ملازمت رکاب امام از مکه تا کربلا و تا سپر بلا و جانفدای امام شدن

شناسنامه تولی:

معرفت: در دوران معاویه با فاصله گیری از جامعه آلوده معرفت بر حق خود را حفظ کرده و آن گاه که شرایط دیدار حق از نزدیک فراهم می شود با انس و ملازمت با آن به ارتقای آن می پردازد.

محبت: پس از تعمیق ایمان و رسیدن به اوج اما باوری آمادگی پذیرش هر گونه دستور از امام و یا هر گونه جان فدای امام را دارد.

طاعت: به خاطر عشق به امام از دو سفر از کوفه به مکه دیگر حاضر به جدایی از امام نمی شود و چنان عاشقانه ملازم رکاب امام می شود که حتی در ظهر عاشورا در کنار امام نمازگزار خود به شهادت می رسد.

نکات شخصیتی

- ویژگی ثابت:

ثبات نفس و خطر پذیر در مسیر حق
نشانه عبادت و عبودیت بودن در سراسر زندگی

- نقاط عطف:

اولین دیدارش با امام در مکه
تصمیم با شهامت او برای جان فدای امام شدن

ایده محتوایی: در روایات است که مقام همراهی با اهلیت که مرتبه بالایی است مقامی سخت و مشکل است که به راحتی به هر کسی نمی‌دهند و پیش شرط آن موفقیت در امتحان‌های گوناگون زندگی در مسیر حق باوری و حق زیستی می‌باشد؛ و سعید الگوی تحمل سخت‌ترین امتحان‌ها در مسیر رسیدن به سیدالشهدا و آنگاه رسیدن به فوز قرار گرفتن سرش در دامن امام در آخرین لحظات خود و در تعقیب نماز امام است.

۱۵- انس بن حارث کاهلی اسدی:

او از صحابه پیامبر بود. و در جوانی ملازم رکاب پیامبر اسلام بود. در همان زمان ها سخنی که مکرر از پیامبر شنیده بود این بود که: همانا فرزندانم (حسین) در منطقه ای از عراق کشته خواهد شد همانا هر کس در آن زمان بود او را یاری نماید. او بعد ها پس از آغاز فتوحات در دوران خلفا از مدینه به کوفه می‌آید و ساکن کوفه می‌شود در این زمان با این که همه شیفته عصر خلفا هستند و نقل حدیث هم ممنوع است ولی او احادیث نبوی به ویژه در مورد اهل بیت را گهگاه برای مردم روایت می‌کند.

تا این که خلافت امیر المومنین آغاز می‌شود او ملازم رکاب حضرت است و در جنگ صفین که حضرت از کوفه در حاشیه فرات به سمت شمال غرب برای نبرد با معاویه می‌رود، مسیر عبور لشکریان از کربلا است. او می‌بیند که امیر المومنین در کربلا در فاصله ای ۱۵ کیلومتری از فرات در بیابانی خشک، لشکر را متوقف کرده و در گودالی نشسته و در برابر لشکر ۶۰ تا ۹۰ هزار نفری کوفه خاک‌ها را برداشته و می‌بوید و می‌گرید و می‌فرماید این جا همان قتلگاه این فرزندم حسین است پس آگاه باشید که او را یاری کنید و مبادا در برابر او باشید. سرانجام سال‌های سخت معاویه از راه می‌رسد ولی او با تقیه و نقل گهگاه روایات درباره اهل بیت هم جان خود را تا زمان کربلا حفظ می‌کند و هم ضمن استواری بر تشیع خود با یادآوری احادیث نبوی و علوی درباره حادثه قریب الوقوع قیام امام سعی می‌کند بعضی کوفیان را آماده قیام حضرت نگه دارد.

پس از مرگ معاویه و آغاز خلافت یزید، چون امام از مدینه به مکه می رود و خبر آن به کوفه می رسد و موج نامه نگاری ها به امام از کوفه شروع می شود او منتظر واکنش امام می ماند. و چون پاسخ امام به کوفیان را مثبت می بیند متوجه می شود این همان قیام موعود است، بس ملازم مسلم بن عقیل می گردد، ولی با به شهادت رسیدن حضرت مسلم با وجود سن زیاد (او از کهنسال ترین شهدای کربلا) از کوفه خارج می شود و تک و تنها به جای راه حجاز (سمت جنوب کوفه) که زیر نظر شدید سربازان ابن زیاد هم است به سمت شمال می رود و خود را به همان منطقه ای می رساند که از زمان امیر المومنین به یاد داشت و مدتی نزدیک یک ماه آن جا به انتظار امام حسین و کاروانش اطراق می کند. در این مدت برخی از عشایر بنی اسد که چوپان و ساکن روستاهای اطراف (غاضریه و نینوا) هستند وقتی او را ساکن در وسط بیابان و به دور از آب و حیاتی می بینند نزدش می آیند و از سر این اقامت می پرسند و او برای آن ها احادیث نبوی و علوی درباره قیام سید الشهداء را می خواند و می گوید می داند که حسین اینک مقصدش نه کوفه بلکه کربلاست پس در اینجا به انتظار اوست، او از آن ها هم می خواهد که به او بییونند ولی آن ها نمی پذیرند.

تا اینکه روز دوم محرم کاروان امام همراه لشکر حرّ به کربلا می رسند و او تنها استقبال گر از امام می باشد و روز عاشورا هم از اولین شهدای کربلا است.

تحلیل شخصیتی:

ادوار زندگی:

تولد	جوانی	میان سالی	بزرگ سالی	شهادت
در شهر یثرب	درک محضر پیامبر و کسب نشانه شناسی آینده از ایشان	درک محضر امیر المومنین و تثبیت نشانه های آینده پژوهی و آدرس یابی برای آن ها	ثبات عقیده در دوران سخت معاویه تا زمان قیام امام	رفتن به سوی نشانه های معهود عاشورایی و تنها استقبال گر امام در کربلا شدن

شناسنامه متولی:

معرفت: سعی بر کسب معارف حق به ویژه معارف کاربردی نسبت آینده جامعه و شناسایی راه و بیراهه در مسیر زندگی خود (آینده پژوهی).
محبت: ایمان به سخنان نبوی و علوی و ثبات عقیده بر آن‌ها با تمام فشارهای سخت امویان و عدم تزلزل در ایمان راسخ او
طاعت: عمل به باورهای خود به تنهایی و در تنهایی حق باوری خود و تلاش برای امام یآوری ای خاص و ویژه که پرسش بر انگیز باشد.

نکات شخصیتی:

- ویژگی ثابت:

بصیرت‌جویی مدام در زمینه نشانه‌های حق و رمز‌گشایی از آن‌ها
انتظاری طولانی برای شکفتن در صحنه ای مهم از تاریخ

- نقاط عطف:

سخنان پیامبر درباره عاشورا و جلب توجه او
حضور با امیر المومنین در کربلا در مسیر نبرد صفین
تصمیم به رفتن به کربلا در مسیر نبرد صفین.

ایده محتوایی: بصیرت یعنی آگاهی و ثبات قدم در بحران‌ها و فتنه‌ها و حیرت‌ها، پیش نیاز بصیرت نشانه شناسی حق و باطل در فتنه‌هاست تا به کمک این نشانه‌ها، سره از ناسره و راه از بیراهه مشخص کرد، از علم نشانه شناسی با نگاه به آینده پژوهی (یعنی تقدیر سرنوشت آینده خود) در قرآن تعبیر به آیه شده است و قرآن انسان‌های سعادت‌مند را کسانی همچون آنس می‌داند که آیه شناس و آیه بین باشند.

۱۶- مختار بن ابی عبیده ثقفی:

مختار بن ابی عبیده ثقفی، در سال اول هجرت متولد شد پدرش و خودش از صحابه شمرده می شدند پدرش در زمان فتوحات از فرماندهان فاتح ایران بود که در یکی از مهمترین جنگ‌ها هم کشته شد (از جهت آقازاده بودن، آن هم آقازاده‌ای که پدرشان فرمانده فتوحات بود مختار همانند عمر سعد است چرا که سعد بن ابی وقاص فاتح قادسیه بود) و او زیر نظر عمویش سعید بن مسعود که دارای گرایش‌های علوی بود بزرگ شد. در زمان خلافت حضرت علی عمویش از سوی امیرالمؤمنین والی مدائن می‌گردد و مختار همراه اوست و در آن دوران امیرالمؤمنین را از نزدیک می‌بیند.

پس از به خلافت رسیدن معاویه او به کوفه باز می‌گردد، جزو شیعیان کوفه می‌گردد و چون از قبیله‌های حجازی هم است (ثقیف) در کوفه دارای جایگاه ویژه‌ای می‌گردد و از اشراف و بزرگان شهر به حساب می‌آید بدین جهت وقتی نعمان بن بشیر انصاری در اواخر خلافت معاویه والی کوفه می‌شود دخترش را به ازدواج او در می‌آورد.

با مرگ معاویه و آغاز تحولات کوفه او هم جزو مدعوین سیدالشهدا و شیعیان فعال در جریان نامه نگاری است به گونه‌ای که وقتی حضرت مسلم به کوفه می‌آید از جهت تاکتیکی بهترین مکان را برای اقامت و پایگاه قرار دادن منزل مختار می‌بیند و بدین گونه تا آمدن ابن زیاد منزل مختار مرکز و کانون تحولات شیعیان است.

پس از آمدن ابن زیاد، مسلم بن عقیل از منزل او به خانه هانی می‌رود ولی مختار همچنان جزو رهبران شیعه باقی می‌ماند تا اینکه در روز قیام حضرت مسلم او چون در حومه کوفه است، دیر به شهر می‌رسد و موقعی می‌رسد که قیام شکست خورده است پس او صلاح را در جنگ نمی‌بیند و به سرعت دستگیر می‌شود. در زندان او هم سلول میثم تمار می‌گردد و شنیدن پاره‌ای از اخبار غیبی باعث شکل‌گیری طرحی بزرگ برای آینده در ذهن او می‌شود.

پس از حادثه کربلا چون خواهرش صفیه همسر عبدالله بن عمر است تلاش می‌کند با واسطه قرار دادن ابن عمر زمینه آزادی خود را فراهم سازد. پس از آزادی به حجاز و طائف و مکه می‌رود. با مرگ یزید و تلاش‌های ابن‌زبیر برای به خلافت رسیدن او حجاز را برای خود مناسب ندیده، به سرعت به کوفه می‌آید ولی ماجرای سلیمان بن صرد و قیام شتابزده تواین موقتاً او را به حاشیه می‌برد؛ پس از قیام تواین تلاش‌ها و تبلیغ‌های او در جمع شیعیان و موالیان (ایرانیان) باعث وحشت اشرافی که از جانان کربلا بودند می‌شود و آن‌ها والی زبیری کوفه را تحریک می‌کنند که او را دوباره زندانی کند. مختار دوباره در زندان، ابن عمر را واسطه قرار می‌دهد و آزاد می‌گردد. این مرتبه پس از آزادی سفری به حجاز دارد و دیداری با بنی‌هاشم انجام می‌دهد دوباره به کوفه باز می‌گردد و به سرعت دست به کار می‌شود در مهمترین اقدام به جذب ابراهیم بن مالک اشتر هم‌چنین گروه موالیان (ایرانیان) که عمدتاً شهروندان درجه دوم کوفه هستند) می‌پردازد و سرانجام قیام خود را آغاز می‌کند و پس از جنگ گسترده‌ای که در کوفه بین او و یارانش و والی زبیری و گروه اشراف و نیروهای آن‌ها در می‌گیرد، سرانجام به واسطه رشادت‌های ابراهیم اشتر به پیروزی می‌رسد.

او در آغاز به تثبیت حکومت خود می‌پردازد و سعی در تسخیر عراق دارد، بدین جهت در این زمان به اشراف امان می‌دهد ولی آن‌ها به رهبری شمربن‌ذی‌الجوشن کودتایی را طراحی می‌کنند که در عین گسترده‌گی به شکست منجر می‌شود و از آن پس است که مختار به انتقام‌گیری گسترده از جانان کربلا می‌پردازد.

او در این زمان در سه جبهه درگیر است منافقین داخلی (اشراف و جانان کربلا)، لشکر امویان به فرماندهی ابن زیاد، لشکر زبیریان به فرماندهی مصعب بن زبیر و ابی‌بصره و برادر عبدالله بن زبیر که به تشویق فراریان کوفه دشمن مختار است.

مختار پس از تصفیه اکثر جانیان داخلی و شکست دادن سپاه اموی در منطقه موصل که نتیجه آن کشته شدن ابن زیاد است به واسطه پراکنده شدن و تحلیل رفتن سربازانش سرانجام در نبرد با مصعب بن زبیر و فراریان کوفه، از دفع آن‌ها ناتوان شده و پس از نبردی جوانمردانه و سنگین به شهادت می‌رسد.

تحلیل شخصیتی او:

ادوار زندگی:

تولد	جوانی	میانسالی	بزرگسالی	شهادت
در مدینه در آغاز پیدایش مدینهٔ النبی و کودکی در شهر پیامبر	دوران خلفا و کشته شدن پدرش از فرماندهان فتوحات و تربیت او توسط عمومی شیعی او	جزو اشراف و بزرگان کوفه با گرایش‌های شیعی که چندان هدف خاصی در زندگی‌اش ندارد.	مرگ بزید و افتخار میزبانی حضرت مسلم و زندانی شدن و دیدارش با میثم تمار و اخبار غیبی او که هدف بزرگی را پیش روی او می‌گذارد	پس از تشکیل دولت کوتاه مدت خود به انتقام تاریخی جانیان کربلا می‌پردازد و سپس به شهادت می‌رسد.

شناسنامه تولی:

معرفت: معرفت او نتیجه تربیت یافتن او توسط عمویش است (و گر نه پدرش از عناصر مهم جریان خلافت است)

محبت: با وجود این که آقازاده جویای نام است و هم چنین با خانواده‌های مهم از حاکمیت باطل وصلت می‌کند و یا خانواده‌هایی که با اطرافیان او وصلت می‌کنند همگی غیرشیعی هستند ولی او گرایش‌های شیعی خود را حفظ می‌کند.

طاعت: پس از آگاهی از مسیر تاریخ و حوادث آینده (آینده پژوهی) سعی می‌کند آینده‌ای درخشان برای خود و ایرانیان و موالیان شیعه کوفه طراحی کند و نقشی موثر در تاریخ از خود باقی بگذارد و مهمتر اینکه دل مشغولی مهم و افتخارآمیز او پس از کربلا تلاش برای بازگرداندن لبخند و شادی بر لبان و دل‌های اهل بیت می‌باشد.

نکات شخصیتی:

- ویژگی ثابت شخصیتی:

با وجود آفازاده بودن و دارای جایگاه اشرافی بودن، اعتقادات خود را حفظ کرده و دچار شک و حیرت نمی‌گردد و یا به ائتلاف و مصلحت‌سنجی نمی‌پردازد. تدبیر و مدیریت و بصیرت اجتماعی

- نقاط عطف:

تربیت او توسط عمویش و آشنایی و دیدار او از نزدیک با اهل بیت (امام علی و امام حسن): توسط عمویش
میزبانی حضرت مسلم
دیدار با میثم تمار در زندان
لحظات انتقام‌گیری او از جانیان کربلا

ایده محتوایی: اگر چه در زندگی مختار ممکن است حرف و حدیث‌هایی باشد، ولی این وضعیت بعضاً بهم برآمده از تضاد و پیشینه خانوادگی و تربیت درست بیرون از خانه (توسط عمویش) است، این ابهام گهگاه باعث ضعف در عملکرد و یا وجود برخی افراط و تفریط‌های اعتقادی در او شده است، (همانند انتساب مشکوک کیسانی مذهب بودن او) و با مطالعه فرازهای مثبت زندگانی او در شرایط فتنه‌انگیز و آشفته آن زمان می‌تواند قضاوت مثبتی را برای او رقم بزند و این هم به واسطه حفظ رابطه خود با خواص شیعه به صورت مستمر می‌باشد.

۱۷- میثم تمار:

او جوانی ایرانی و غلام زنی از زنان بنی‌اسد است که ساکن کوفه بود. با آمدن حضرت علی به کوفه به شدت شیفته و علاقمند حضرت می‌گردد (همانند بردگی سلمان در آغاز ورود به مدینه و ماجراهای پس از آن در رابطه با

پیامبر سرانجام حضرت او را از اربابش خرید و آزادش نمود. از آن پس او ملازم رکاب حضرت بود و به ویژه سعی می‌کرد از معارف و علوم حضرت بیاموزد حضرت وقتی اخلاص و استعداد او را دید از علوم بلایا و منایا (دانش آینده‌شناسی و سرنوشت‌ها و رویدادهای آینده) را به او آموخت. بدین جهت پس از شهادت حضرت او اگر چه ساکن کوفه بود ولی با تمام فشارها بر تشیع خود باقی ماند و ارتباطش را خواص شیعه خالص همانند حبیب بن مظاهر حفظ نمود و حتی گهگاه در برخی جلسات همراه حبیب به قصد یادآوری معارف اهل بیت و یا دادن هشدار به کوفیان به نقل برخی از اخبار امیر المومنین درباره آینده می‌پرداختند که موجب شگفتی و یا تمسخر کوفیان می‌شد. او در سال‌های پس از شهادت امیر المؤمنین این توفیق را یافت که به سفر حج برود در این سفر ضمن دیدار با اهل بیت در مدینه به دیدار ام‌سلمه همسر پیامبر می‌رود و ام‌سلمه چون می‌فهمد او میثم است از دیدارش شادمان می‌شود و به او می‌گوید یادم هست که گهگاه پیامبر (همانند ماجرای اویس قرنی) تو را یاد می‌کرد و سفارش تو را به امیر المؤمنین می‌نمود.

پس از مرگ معاویه و تحولات کوفه و آمدن ابن زیاد به کوفه چون او از معدود ایرانیان کوفه بود که از خواص اصحاب امیر المومنین شمرده می‌شد که آزادانه در شهر برای اهل بیت فعالیت می‌کرد بدین جهت ابن زیاد به سرعت دستور دستگیری و زندانی کردن او را می‌دهد. در زندان اتفاقاً هم‌بند مختار ثقفی می‌شود. مختار به اتهام میزبانی و حمایت از قیام مسلم بن عقیل زندانی شده و محکوم به اعدام است. او در زندان به ماموریت تاریخی خود می‌پردازد و آن ایجاد امید و انگیزه برای مختار است.

او با نقل کردن بخشی از اخبار غیبی خود درباره آینده حوادث و به ویژه نقش مختار در ماجرای انتقام‌گیری امیدی تازه در او ایجاد می‌کند. و درست در زمانی که امام به حومه کوفه می‌رسد و زنده بودن میثم برای

ابن زیاد خطرناک است دستور می دهد او را بر نخلی در شهر به صلیب بکشند و چون در این حال او نقل و روایت به فضائل اهل بیت می پردازد ابتدا زبانش را قطع کرده و آن گاه او را به شهادت می رسانند و این حادثه ده یا بیست روز قبل از عاشورای حسینی است.

تحلیل شخصیتی او:

ادوار زندگانی:

شهادت	بزرگ سالی	میان سالی	جوانی
احساس خطر این زیاد از فعالیت‌ها و غیب گویی‌های و زندانی کردن او و دیدارش با مختار و آن گاه به شهادت رسیدن در آستانه عاشورا	استواری بر تشیع در دوران خلافت معاویه و سعی در بازگو کردن فضائل اهل بیت و ایجاد ارتباط با دیگر شیعیان جهت حفظ خط تشیع در کوفه	آشنایی با امیر المومنین و ایمان آوردن با ایشان و آزادی و علم آموزی به دست ایشان	تولد در بین النهرین در خانواده‌ای ایرانی و آنگاه اسارت و اسلام او و اقامت برده‌وار در کوفه.

شناسنامه تولی:

معرفت: استعداد ایرانی و سعی در حقیقت و عدالت جویی در برابر ظلم و تبعیض اسلام خلفا که سرانجام او را به معرفت ولی عادل زمان امیر المؤمنین می‌رساند.

محبت: ایمان و عشق خالصانه او به گونه ای است که امیر المومنین شیفته او شده و از بردگی آزادش می کند و هم چون سلمان محمدی به تربیت میثم علوی می‌پردازد.

طاعت: پس از شهادت امیرالمؤمنین، مهم ترین دغدغه او حفظ تشیع و نیروسازی برای آینده تشیع در کوفه است و هموست که به مختار برنامه‌ای متعالی برای آینده خودش و تشیع می‌دهد و او را تشویق می‌کند که در قیام آینده‌اش بر موالی کوفه به جای اعراب شهر تکیه نماید.

نکات شخصیتی:

- ویژگی ثابت:

استعداد و نبوغ ایرانی او و وحشت نظام خلافت عربی - اموی از فعالیت و حضور اجتماعی او
علم آموزی و انتقال معارف دینی به استعداد های آماده

- نقاط عطف:

دیدارش با امیر المومنین
دوستی اش با حبیب بن مظاهر در دوران معاویه
دیدارش با مختار در زندان این زیاد

ایده‌های محتوایی: سلمان محمدی برجسته‌ترین صحابی پیامبر ، میثم
از خواص یاران امیر و حسنین و ابو خالد کابلی از یاران برجسته زین العابدین
است و پس از آن هم نهضت یاران ایرانی اهل بیت: گویای این نکته است که
استعداد و فرهنگ ایرانی، زمینه‌ای مناسب برای پذیرش مکتب علوی را در
ایرانیان فراهم کرده است و به شرطی که بین این استعداد و آن مکتب آسمانی
پیوند عالمانه و عاشقانه ایجاد شود، می‌تواند باعث تحولات مثبت در منطقه و
دنیا باشد.

۱۸- عبدالله بن عقیف ازدی:

او از مردم یمن بود که پس از فتوحات ساکن کوفه شده بود.
و به واسطه انس با شیعیان امیرالمؤمنین جزو شیعیان حضرت گردیده بود و
زمانی که امیر المومنین به کوفه آمد عاشقانه در جنگ های حضرت شرکت کرده
و نتیجه آن از دست دادن چشم چپش در نبرد جمل و چشم راستش در جنگ
صفین بود.

از آن پس او با حفظ اعتقاد شیعی خود خانه نشین می‌گردد. تا این که بیست سال می‌گذرد در این بیست سال او ملازم مسجد کوفه و مشغول عبادت است تا این که پس از شهادت سید الشهداء ابن زیاد کوفیان را در مسجد کوفه جمع می‌کند و در ضمن سخن شروع به هتاک بر علیه امام می‌نماید و امام را دروغگو پسر دروغگو (کذاب بن کذاب) می‌خواند. او ناگهان خشمگین شده و از گوشه مسجد دروغگو پسر دروغگر را ابن زیاد و زیاد و یزید و معاویه می‌داند.

ابن زیاد دستور دستگیری او را می‌دهد ولی او قبيله ازد را به یاری می‌خواند و برخی جنگجویان ازد او را نجات داده و به خانه اش می‌برند ولی سربازان ابن زیاد حمله کرده و پس از کنار زدن مدافعان به او هجوم می‌برند او با این که نایب‌است شمشیر به دست گرفته و با راهنمایی دخترش به رزم آنها می‌رود ولی سرانجام دستگیر می‌شود و او را پیش ابن زیاد می‌برند و او با شجاعت در برابر او ایستادگی می‌نماید تا اینکه به شهادت می‌رسد.

تحلیل شخصیت او:

ادوار زندگی:

شهادت	بزرگ سالی	میان سالی	جوانی
شهادت بیان کلمه حق در برابر ابن زیاد در اوج پیروزی ظاهری اش و شهادت او در این راه	انس او با مسجد و عبادت و عبودیت همراه با حفظ تشیع	تشیع او و همراهی او با امیر المومنین در جنگ ها و جانبازی و نایب‌نایی او در نبره‌های حضرت	متولد یمن و مهاجر به عراق جهت فتوحات اسلامی و آن گاه سکونت در کوفه

شناسنامه تولی:

معرفت: معرفت او و ثباتش بر معرفت به اولیای باطل و اولیای حق در زمان خود و دچار حیرت و گمراهی و یا شک و تردید نشدن برای لحظه‌ای با وجود جانبازی و نایب‌نایی اش.

محبت: حفظ محبت و ایمانش به اهل بیت عصمت با وجود جانبازی و ناینایی و صبر و استواری بر آن
طاعت: انس با مسجد و عبادت و عدم سکوت در برابر تبلیغات باطل

نکات شخصیتی:

- ویژگی ثابت شخصیتی: شهامت و صراحت لهجه او در مسیر حق
 - نقطه عطف زندگی: سخن حق او در برابر ابن زیاد در اوج پیروزی اش
ایده محتوایی: صبر و تحمل بر حق با تمام دشواری‌ها و سختی‌های فردی و جسمی و اجتماعی و سعی بر بالا بردن صبر خود با کمک عبادت و عبودیت و انس با راز و نیاز با حق تعالی که ثمره آن ضمن کسب بردباری سرانجام حفظ شهامت و شجاعت و کسب مدال شهادت بود.

۱۹ - جابر بن عبدالله انصاری:

پدرش عبدالله بن عمرو در جنگ احد به شهادت رسید در حالی که او جوانی بیش نبود پس از آن زمان متکفل مخارج و هزینه خاندان سنگین پدرش شد و با این وجود از انس و علاقه اش به پیامبر کاسته نشد. پیامبر هم گه‌گاه به او برای معیشت زندگی یاری می‌رساند و با او هم سخن می‌شد و به واسطه پیش بینی ای که برای عمر طولانی او به همراه محبت نهادینه اش برای اهل بیت درباره او نموده بود به او برای زمان پس از خود ماموریت‌هایی داده و رسالت‌هایی تعریف کرده و به او دانش‌هایی آموخته بود.
 پس از رحلت پیامبر او از صحابه علوی بود به گونه ای که گه‌گاه در اواخر دوران خلفا و یا دوران خلافت امیرالمومنین در کوچه های مدینه (و یا کوفه) راه می‌افتاد و روایت های نبوی را درباره امیر المومنین و اهل بیت با صدای بلند می‌خواند.
 البته اقامتگاه اصلی او برای همیشه مدینه بود ولی همراه امیر المومنین به عراق آمد و مردم را در جنگ های حضرت به یاری رسانی به امام تشویق می‌نمود.
 او پس از شهادت امیر المومنین ، همراه اهل بیت به مدینه باز می‌گردد و در

دوران مظلومیت اهل بیت هر گاه در کوچه های مدینه چشمش به اهل بیت می افتد در پیش روی مردم خود را بر قدم های حسنین می انداخت و احادیث نبوی در فضیلت اهل بیت را روایت می کرد. او کسی است که موقع حرکت امام به سوی عراق چون نابینا بود برای وداع نزد امام آمد (بدون این که همانند جمع بسیار دیگری امام را موعظه کند؟!) و پس این که در مدینه از ام سلمه و ابن عباس خبر شهادت امام را می شنود با وجود نابینایی و کهنسالی با کمک جوانی به نام عطیه کوفی پا در راه بیابانی و طولانی کربلا می گذارد و پس از چهل روز تک و تنها خود را به کربلا می رساند تا طبق تعهدش به پیامبر اولین زائر مزار حسینی باشد، او آن گاه به مدینه باز می گردد و در آشفته بازار تحولات سیاسی اجتماعی و نقل و انتقال خلافت بین امویان و زبیریان و مروانیان که اهل بیت پیامبر از همیشه مظلوم تر و غریب تر بودند در برنامه خود در مورد تکریم اهل بیت و معرفی آن ها با احادیث نبوی به جامعه شدت می بخشد و هموست که به نسل سوم و چهارم مدینه اعلام می کند اگر می خواهید پیامبر را ببینید، محمد بن علی بن الحسین آئینه تمام نمای محمد است و در کوچه های مدینه عاشقانه در پیش روی این فرزند امام سجاد چنین می فرمود: محمد، محمد سلامت می رساند.

او سرانجام در سال ۸۷ هـ ق در مدینه رحلت کرد و آخرین نفر از صحابه پیامبر بود که از دنیا رفت.

تحلیل شخصیت او:

ادوار زندگی:

مرگ	بزرگ سالی	میان سالی	جوانی
آخرین صحابی پیامبر است که بعد از همه صحابی اموی یا خنثا در مدینه رحلت می کند تا اتمام حجتی باشد بر همه صحابه و تابعین و نشانه ای از محمد تا محمد.	در زمان قیام امام نابینا و عاجز از یاری حضرت است ولی پس از شهادت حضرت اولین زائر مزار حضرت است و پس از آن احیاگر و معرف نقش اهل بیت در مدینه و بیانگر فضائل آن ها از منظر احادیث پیامبر است.	پس از خلافت جزو صحابه علوی ساکن مدینه است و در خلافت حضرت همراه و یاور اوست و در دوران معاویه بر تشیع خود استوار می ماند	تولد در مدینه و اسلامش همراه پدر در محضر پیامبر و شهادت پدرش در اُحد و آموختن برخی از اسرار از پیامبر

شناسنامه تولی:

معرفت: درس تولی را از پدر شهیدش در احد گرفت به عنوان صحابی مُعَمَّر تا آخرین لحظه عمر، عارف به ولی زمان خود و معرف آن‌ها به نسل‌های گوناگون معاصر خود می‌باشد.

محبت: چنان ایمان عالمانه و عاشقانه‌ای دارد که حامل برخی اسرار پیامبر برای آینده می‌گردد

طاعت: در سراسر عمر خود پس از رحلت پیامبر سعی می‌کند نشانه‌ای نبوی در کنار اهل بیت بوده و بر اساس تعالیم نبوی به فرهنگ سازی محبت و زیارت حرم حسینی اقدام نماید.

نکات شخصیتی:

- ویژگی ثابت شخصیتی: انس و حضور مستمر در پیشگاه اهل بیت در مدینه از زمان پیامبر تا امام سجاد.

- نقطه عطف در زندگی: زیارت اربعین حسینی، دیدارش با امام باقر.

ایده محتوایی: فقط اوج در مسیر و سلوک رسیدن از حق به خلق است (سیر من الحق الی الخلق) تا واسطه هدایت و روشنی بخشی جامعه در مسیر سعادت باشی، این مقام با لذات برای اولیای معصوم است، ولی انسان‌های رشد یافته در پناه تعالیم معصوم می‌توانند پرچمدار نهضت‌ها و فرهنگ سازی‌های تاریخی معصومین باشند. جابر الگوی چنین افرادی است.

ب) شخصیت های خاکستری

۱- زید بن ارقم:

او در مکه به پیامبر ایمان آورد با این که سن زیادی نداشت و در تمامی دوران مکه و مدینه پیامبر را درک کرده است ولی در همان زمانها چندان رابطه صمیمی ای با اهل بیت پیامبر ندارد اگر چه معترف به فضائل آن ها می باشد. پس از رحلت پیامبر از صحابه همراه با نظام خلافت و و ساکت و بی سر و صدا است که از مدینه به کوفه آمده و به تربیت جوانان علاقمند به اسلام بر اساس مکتب خلفا می پردازد پس از به خلافت رسیدن امیرالمومنین و آمدن ایشان به کوفه او با این که در نماز جماعت حضرت شرکت می کند ولی از جنگها و برنامه های حضرت کناره گیری می کند به گونه ای که حضرت در کوفه روزی پس از نقل ماجرای غدیر برای کوفیان و اثبات حقانیت خود از صحابه حاضر درخواست شهادت می نماید و با این که عده زیادی از صحابه سخن حضرت را تایید می نمایند ولی او همراه چند نفر به بهانه فراموشی سکوت می کنند و مورد نفرین حضرت قرار می گیرند.

در دوران معاویه او دوباره به درس و زندگی خود مشغول می شود تا اینکه پس از مرگ معاویه کوفه دچار حوادث می شود ولی او ساکت و بی تفاوت هیچ گونه مداخله ای در حوادث ندارد تا اینکه امام به شهادت می رسد و سرش را برای ابن زیاد به مجلس او می آورند او که در مجلس ابن زیاد است؟! می بیند

ابن زیاد با عصای خود به دندان‌های امام می زند او ناراحت شده و اعتراض می کند که این لب‌ها و دندان‌ها جای بوسه پیامبر است پس از آن‌ها دست بردار. ولی ابن زیاد اعتنایی به او نمی کند و می گوید او پیری است که خرفت شده است و زید هم او به اعتراض مجلس را ترک می کند. همو نقل می کند که وقتی سر را در کوچه های کوفه می چرخاندند شنیدم آیه آغازین سوره کهف را می خواند. ولی او را چون صحابه ای آرام و همراه بود کسی کاری نداشت تا اینکه سال ۶۸ هـ ق در کوفه درگذشت.

تحلیل شخصیتی:

ادوار زندگی:

مرگ	بزرگ سالی	میان سالی	جوانی
مرگی آرام و بی سر و صدا در کوفه پس از عمری سکوت و خاموشی و همراهی و رضایت.	پس از به خلافت رسیدن امیر المومنین او حاضر به شهادت دادن درباره حادثه غدیر نیست و در ماجرای کربلا هم تنها حضورش اعتراض آرام او در مجلس ابن زیاد است.	پس از رحلت پیامبر با سکوت خود به امضای نظام خلافت پرداخته و بهره اش هم یافتن موقعیت علمی خوب در شهر جدید کوفه است	درک محض پیامبر در نوجوانی و جوانی و شنیدن معارف زیادی از پیامبر

شناسنامه تولی:

معرفت: حضور او در اکثر صحنه های تاریخی پیامبر از اوائل بعثت در مکه تا رحلت پیامبر می تواند معرفت کاملی را برای او به همراه داشته باشد.

محبت: عدم ایمان و محبت نسبت به اهل بیت با وجود معرفت و زدن خود به تجاهل نسبت به حق و کتمان بسیاری از حقایق.

طاعت: امضای ضمنی باطل با سکوت و رضایت خود و وانهادن حق در صحنه های اجتماعی گوناگون

نکات شخصیتی:

- ویژگی ثابت:

شخصیت منفعل و منزویدر جامعه به ویژه نسبت به حق دوری از یاوری حق به هر شیوه و روشی

- نقطه های عطف منفی:

سکوت نسبت به اعتراف به غدیر حضور در کاخ ابن‌زیاد پس از شهادت امام که با اعتراض سطحی از سوی او همراه بود.

ایده محتوایی: در قرآن آیات متعددی وجود دارد درباره بحث کتمان و یا تجاهل نسبت به حق که نتیجه ضمنی آن خواسته یا ناخواسته رضایت‌مندی به ایجاد یا استمرار باطل و حفظ وضع موجود است، زید با وجود آگاهی‌های خود با هدف کسب شخصیت علمی - اجتماعی با این شگرد، غیرمستقیم زمینه‌ساز سلطه باطل و استمرار آن شد.

۲ - عبیدالله بن حر جعفی:

او پس از کم رنگ شدن ماجرای فتوحات چون از دلاورانی بود که نمی توانست آرام و قرار بگیرد و قواعد اجتماعی را بپذیرد و در ضمن از پهلوانان و شجاعان کوفه بود به جمع کردن گروهی به دور خود پرداخت، گروهی که گهگاه جزو غائله آفرین‌های کوفه بودند(از اشرار کوفه به حساب می آمدند).

با به خلافت رسیدن امیرالمؤمنین او چون معتقد بود که عثمان بر حق بوده و معاویه که امتداد اوست بر حق است و امام بر باطل است. بدین جهت همسرش را در کوفه رها کرد و به معاویه در شام پیوست و تا پایان جنگ صفین با معاویه بود پس از پایان جنگ شنید که خانواده همسرش، همسرش را از او

طلاق گرفته اند و شوهر دادند او به سرعت به کوفه باز می‌گردد و از امیر المومنین همسرش را می‌خواهد. امام از او می‌پرسد چرا با وجود همراهی‌اش با معاویه همسرش را از امام می‌طلبید و او عدالت امام را مطرح می‌کند و می‌گوید که در مشمول عدالت حضرت ایمان شرط نیست؟

پس امام پادرمیانی می‌کند تا دوباره همسرش نزد او باز گردد. پس از شهادت امام اگر چه در کوفه باقی می‌ماند ولی سر دسته گروه اشرار کوفه می‌ماند که گهگاه به واسطه شدت گیری شرارت هایش زندانی هم می‌شود.

با مرگ معاویه و آغاز تحولات کوفه و رسیدن خبر در راه بودن امام او که می‌داند اگر در کوفه بماند ناچار از همراهی با یکی از دو طرف است از کوفه متواری شده و راهی بیراهه های کوفه می‌شود ولی از شانس روزگار امام هم که از ورود به کوفه باز داشته شده و ناچار به عبور از حومه کوفه است با او برخورد می‌کند.

محل دیدار قصر بنی‌مقاتل در یک منزلی غرب کوفه و روز اول محرم است امام وقتی خیمه تک و تنهایی را در میانه بیابان می‌بیند دو نفر از یاران خود را برای دعوت او می‌فرستد ولی او اصلاً اعتنایی نمی‌کند. امام خود به دیدارش می‌رود و در ضمن سخنانی می‌فرماید: تو گناهان بسیاری داری پس بیا با یاری کردنم خود را تطهیر نما، ولی او می‌گوید من از مرگ به شدت گریزانم ولی اسب و شمشیرم را به شما تقدیم می‌کنم ولی امام از برخورد زنده او ناراحت شده و او را نصیحت می‌کند. به او توصیه می‌کند لااقل به جایی برود که صدای استغاثه امام به او نرسد وگرنه جایش جهنم است.

او پس از رفتن امام خود را در بیابان‌ها متواری می‌کند تا این که امام به شهادت می‌رسد پس از آن به کوفه باز می‌گردد و حتی در مجلس ابن زیاد حاضر می‌شود ولی وقتی ابن زیاد می‌فهمد او جزو متخلفین از جنگ بوده دستور بازداشت او را صادر می‌کند، اما او موفق به فرار می‌شود در اثنای فرار به سوی مزار امام می‌آید. و اینک از یاری نکردن امام به شدت پشیمان شده است. از آن به بعد همیشه آواره و پس از مدتی سر دسته گروه راه زنان کوفه می‌شود. در تحولات سیاسی کوفه بین مختار و ابن زبیر و مروانیان هر روز به یک

گروه می پیوندند تا اینکه روزی در حال فرار از دست سربازان مصعب بن زبیر والی کوفه در سال ۶۸ به شدت مجروح می‌گردد و سوار قایق شده وسط فرات رفته برای اسیر نشدن خود را به فرات انداخته و غرق می‌شود.

تحلیل شخصیتی او:

ادوار زندگی:

مرگ	بزرگسالی	میان سالی	جوانی
کشته شدنی همراه با ذلت و زبونی پس از یک عمر بدنامی	یک عمر شرارت و عدم توفیق یاری سید الشهداء و پس از آن آوارگی و در بدری	انتخاب مذهب عثمانی گری و گریز از عدالت و معنویت علوی و پناه بردن به معاویه و در نهایت استمداد از اما جهت حفظ زندگی از هم پاشیده‌اش	شرارت و غائله آفرینی پس از اقامت در کوفه در پایان فتوحات

شناسنامه تولی:

معرفت: شناخت اجمالی نسبت به حق و باطل و تلاش نکردن برای تعمیق بخشی معرفت خود نسبت به حق و گریزان ندای فطرت.

محبت: گرویدن به باطل با توجه به معرفت به حقانیت حق و تحمل نکردن حق را به واسطه اخلاق فاسد خود.

طاعت: گریز از حق یاوری تحت هر شرایطی و هدر داد توان و استعداد خود در مسیر ناهنجاری ها و شرارت آفرینی های سیاسی و اجتماعی.

نکات شخصیتی:

– ویژگی ثابت شخصیتی:

خشک و خشن و بدون احساس و عاطفه
تکروی و انعطاف ناپذیری و عدم تحمل انتقاد و یا هنجار پذیری در مسیر حق‌گرایی و اصلاح خود.

اصرار بر دوری از دیدار و انس با رهبران حق و عدم اکراه از دیدار انس و همکاری با سران باطل
 شخصیت ضد اجتماعی و مسئولیت‌گریز او و عدم پشیمانی یا تلاش برای اصلاح خود.

– نقطه عطف:

– دیدار با امیر المومنین و سید الشهداء ولی عدم بهره‌مندی از آن
ایده محتوایی: عبیدالله بن حرّ بازتاب روشن (معیشت ضنک) و زندگی آشفته به واسطه اعراض و رویگردانی است، حق میباید و همانند او در جامعه بسیاریند، کسانی که از حق‌یآوری و حق‌گرایی دوری می‌گزینند تا به آرامش و رفاه برسند و نتیجه آن « معیشت ضنک » است.

۳ – سلیمان بن سرد خزاعی:

از صحابه بود نامش قبل از اسلام یسار بود که پس از اسلام پیامبر نامش را سلیمان گذاشت. او از قبیله خزاعه از قبایل حومه مکه بود که از قبایل هم‌پیمان پیامبر اسلام بودند و زودتر از قبایل دیگر مکه به پیامبر اسلام آوردند در ماجرای قیام کوفیان بر علیه عثمان از افراد معترضین بود که حتی مدتی به دستور عثمان از کوفه به شام تبعید شد.

پس از به خلافت رسیدن حضرت و رخ دادن جنگ جمل ابتدا دچار تردید شد و در جمل حضرت را یاری نکرد و پس از ورود حضرت به کوفه مورد توبیخ ایشان قرار گرفت. در صفین او فرمانده پیادگان جناح راست لشکر حضرت بود و تا آخر عمر حضرت ملازم رکاب حضرت بود.

پس از شهادت امام و رخداد صلح امام مجتبیٰ اعتراضی شدیدی به امام نمود و ایشان را مذلّ المؤمنین خواند.

پس از به شهادت رسیدن امام مجتبیٰ در زمان معاویه خانه اش محل

تجمع شیعیان شد که نامه به سیدالشهدا نوشتند و ایشان را دعوت به قیام کردند ولی امام آن‌ها به مرگ معاویه و پایان زمان صلح نامه حواله داد. پس از مرگ معاویه دوباره با تلاش حبیب بن مظاهر و دیگران خانه او کانون نهضت نامه نگاری شده و تمام تحولات نامه نگاری از این خانه صورت می‌گرفت ولی پس از آمدن حضرت مسلم که ایشان محل استقرار خود را خانه مختار (ثقفی) قرارداد دیگر نه نامی و نه نشانی از او در رویدادهای کوفه وجود ندارد و ظاهراً او از ناراحتی و بعد‌ها از ترس، خود و تمام یارانش را به کناره‌گیری کشانده است. در این مدت با این که نامه‌های امام به کوفه می‌آید و از آن‌ها تقاضای کمک دارد ولی آن‌ها منزوی و پنهان شده و پنهان شدن آنها جماعت بسیاری را به کناره‌گیری کشانده است.

پس از شهادت امام و خطبه‌های اهل بیت، با وجود استمرار حاکمیت ابن‌زیاد بر کوفه دوباره منزل او محل تجمع دوستانش شد که خود را از عدم یاری امام پشیمان می‌دانند ولی در آن زمان کاری نمی‌توانند انجام دهند. با مرگ یزید و آشفته شدت اوضاع اجتماعی کوفه، منزل او محل تجمع پشیمان شدگان از عدم یاری حسین بن علی است و آن‌ها خیلی زود تبدیل به گروهی ۱۶ هزار نفری می‌شوند که با سلیمان بیعت می‌کنند. سلیمان برای اینکه حساسیتی از این حرکت در کوفه ایجاد نشود این حرکت را قیامی بر علیه شام و امویان (و نه بر علیه اشراف و جانیان حادثه کربلا) اعلام می‌کند بدین جهت از طرف والی زبیری شهر و اشراف غیر مستقیم تشویق می‌شود که به سرعت به سوی شام هجوم ببرند!؛

در همین زمان هم مختار فعالیت‌های خود را به تازگی شروع کرده است به او چندین مرتبه برای سلیمان پیغام می‌فرستد و در تلاش است از قیام کور او و به هدر رفتن خون‌ها توسط او جلوگیری نماید، ولی سلیمان و گروه احساسی‌اش به شدت افسرده و پشیمان هستند و می‌بایست کاری کنند. سرانجام سلیمان روزی را برای خروج به سوی شام تعیین می‌کند در آن

روز تنها ۴ هزار نفر جمع می‌شوند سلیمان افسرده تر از قبل همراه آن‌ها که در میان راه هزار نفر دیگر از آن‌ها هم جدا می‌شوند در ابتدا به سوی کربلا می‌روند و بر مزار امام عزاداری می‌کنند و سپس به سوی شام می‌روند و در میانه راه با سپاه شام به فرماندهی ابن زیاد روبرو شده و در ابتدا سه فرمانده اصلی یکی بعد از دیگری که سر آمد آن‌ها سلیمان است کشته می‌شود و سپس عده زیادی از توابین کشته می‌شوند و مابقی به سوی کوفه باز می‌گردند.

تحلیل شخصیت او:

ادوار زندگی:

مرگ	بزرگ سالی	میان سالی	جوانی
شتابزدگی در قیامی بدون برنامه که باعث کشته شدن بی نتیجه توابین بسیاری شد.	شتابزدگی آغازین در ماجرای قیام حضرت و آن گاه انفعال و انزوای شدید و گسترده و تنها گذاشتن و کنار کشیدن خود و یارانش از یآوری امام.	شرکت در فتوحات و سکونت در کوفه و تبدیل شدن به یکی از سران اجتماعی کوفه که دارای گرایش‌های علوی است ولی ثبات قدم ندارد	از جاهلیت تا اسلام در محضر پیامبر و تغییر نامش توسط آن حضرت

شناسنامه تولی:

معرفت: او دارای معرفت اجمالی نسبت به اهل بیت بود و این محبت ریشه در درک محضر پیامبر و انتساب او به قبیله خزاعه داشت ولی هیچ گاه نخواست که به تعمیق این معرفت بپردازد.

محبت: باور و گرایش او به اهل بیت وجود داشت ولی خالص و کامل نبود لذا در بحران‌ها یا دچار حیرت فکری می‌شد و یا تزلزلی رفتاری پیدا می‌کرد.

طاعت: سراسر عمر او آکنده است از تقدم و تاخر بر اولیای زمان خود به گونه‌ای که آن‌جا که ولیّ زمان ساکت است و قاعد، او معترض می‌باشد و آن‌جا

که ولی قائم است او قاعد است.

نکات شخصیتی:

- ویژگی ثابت:

احساس خود بزرگ بینی به همراه نداشتن درایت و تدبیر
به هدر دادن نیروهای اجتماعی چه در حضور و چه در انزوای خود
دارای شخصیت هیجانی و احساسی بودن و بدون برنامه عمل کردن

- نقطه عطف:

مثبت = نامه نگاری به سید الشهداء
منفی = سستی از یاری امیر المومنین در جمل + سرزنش امام مجتبی به
خاطر صلح + گوشه گیری به هنگام قیام سید الشهداء
رهبری قیام شتابزده و بدون برنامه توأبیین
ایده محتوایی: عدم بصیرت مبتنی بر تدبیر و درایت، بزرگ‌ترین بازتابش
ایجاد افراط و تفریط، تقدّم و تأخّر بر رهبران زمانه خود، ایجاد حالت
خودکارشناسیو غرور کاذب برای فرد و سرانجام فرصت سوزی‌های بسیار فردی
و اجتماعی است که نمونه آن سلیمان است.

۴ - ابراهیم بن مالک اشتر:

او فرزند مالک بن اشتر نخعی است که ظاهراً در زمان شهادت پدر در سال‌های
پایانی خلافت امیرالمؤمنین در سن کودکی و یا نوجوانی است در دوران معاویه
تدریجاً به سن جوانی می‌رسد در اوج رشادت و شجاعت است. او دارای
گرایش‌های عمومی شیعی بود و در امتداد موقعیت پدر شهید خود تدریجاً از
شخصیت‌های محوری قبیله خود می‌گردد ولی در این مقطع زمانی از تحولات و

جریان‌های اجتماعی حق و باطل در کوفه جدا بود و ردپایی از او به چشم نمی‌خورد این وضعیت تا آن جا ادامه دارد که حوادث قیام امام و ماجراهای خلافت سه ساله یزید در کوفه می‌گذرد تا این که در سال شصت و هفت، مختار از حجاز به کوفه می‌آید و در صدد راه اندازی قیام و ایجاد دولت خود است. این در حالی است که تمام جبهه اموی و زبیری و اشراف شهر در برابر او هستند و حتی شیعیان عرب شهر هم چندان با او همراه نیستند چرا که سلیمان بن سرد ذهنیت آن‌ها را نسبت به مختار تیره نموده است بدین جهت مختار یک سلسله از دیدارهای فشرده و گاه با طرح و نقشه با ابراهیم اشتر بر گزار می‌کند تا به جذب او بپردازد و سرانجام موفق می‌شود با انجام تدابیر و عهد و قسم‌هایی او را با خود همراه کند. همراهی ابراهیم با مختار باعث دلگرمی مختار شده و او به کمک ابراهیم قیام خود را انجام می‌دهد و اشراف کوفه را در آغاز و در کودتای اول و دوم آن‌ها شکست داده و بر کوفه مرکز عراق مسلط می‌شود در حالی که این همه مرهون رشادت‌های ابراهیم است در این زمان ابن زیاد با لشکری بزرگ از راه شمال عراق قصد کوفه را دارد پس مختار ابراهیم را با لشکری از کوفه و عمدتاً از موالی به آن سو می‌فرستد که نتیجه آن پیروزی ابراهیم بر ابن زیاد و کشته شدن ابن زیاد و به دست ابراهیم در عاشورای سال ۶۷ هـ ق است.

ولی پس از آن ابراهیم در موصل در شمال عراق می‌ماند و از بازگشت و یاری رسانی به مختار دست می‌کشد و در جنگی زود هنگام که بین مختار با مصعب بن زبیر برادر عبدالله بن زبیر والی بصره (که به تحریک فراریان کوفه با لشکری بزرگ به کوفه حمله کرده است) در می‌گیرد مختار با بیشتر موالی و یارانش به شهادت می‌رسد. ابراهیم پس از آن به کوفه می‌آید و به مصعب بن عمیر می‌پیوندد. پس از یک سال عبد الملک بن مردان با لشکری بزرگ از شام به کوفه حمله می‌کند ولی اغلب اشراف کوفه که از حامیان مصعب بر علیه مختار

بودند او را رها می‌کنند ولی ابراهیم با او می‌ماند در رکاب مصعب و حکومت زبیری‌ها کشته می‌شود.

تحلیل شخصیت:

ادوار زندگی:

مرگ	میان سالی	جوانی	تولد و جوانی
یک سال پس از شهادت مختار در رکاب دشمنان اهل بیت کشته می‌شود.	با اصرار فراوان مختار سرانجام به او می‌پیوندد و تا با مختار همراه است عامل پیروزی‌های اوست و تنها گذاشتن او مختار را باعث شهادت مختار می‌شود	بزرگ شدن در کوفه دوران معاویه در حالیکه در قبیله و خانواده ای زندگی می‌کند که دارای گرایش‌های علوی هم است ولی او بی توجه و بی تفاوت به تحولات سیاسی اجتماعی حاکم بر کوفه است.	تولد در کوفه در آستانه خلافت علوی و نبودن پدر برای تربیت خاص او

شناسنامه تولی:

معرفت: معرفت او به حق و باطل ابتدایی و غالباً تقلیدی بود که تلاش چندانی برای تحقیق و تعمیق آن انجام نداد.

محبت: اگر چه محبت اهل بیت بر وجود او حاکم بود ولی در آن دارای بصیرت کافی و ثبات قدم لازم نبود.

طاعت: عدم بصیرت کافی باعث وجود فراز و نشیب در حضور اجتماعی او در مدت دو سال آخر عمرش می‌شود به گونه ای که خوب شروع می‌کند و بد به پایان می‌برد.

نکات شخصیت:

– ویژگی ثابت:

وجود آثار شجاعت و دلاوری پدر در او
وجود گرایش‌های علوی در او

– نقطه عطف:

مثبت = دیدارش با مختار

منفی = پیوستن به مصعب

ایده محتوایی: او نمونه فرزندان شهید و یا آقازاده هایی است که در نبود پدر به تربیت آنها توجه خاصی نداشته است و او در برزخی بین امتدادگری پدر و یا دگرگونی‌ها و روزمرگی‌های زندگی و زمانه بزرگ شده است و دارای شخصیت متزلزل و به دور از بینش کافی است.

۵ – هرثمه و شیبان بن مخرم:

امیرالمؤمنین در سال ۳۶ هـ. ق پس از طغیان و نافرمانی معاویه ناچار می شود که به مضاف او برود بدین جهت لشکر بزرگی از مردم مدینه و بصره و عمدتا و غالبا از کوفه تشکیل می‌دهد که آمار آن را از شصت هزار تا نود هزار نفر گفته‌اند و همراهی آن‌ها راهی صفین می‌شود. هرثمه و شیبان از سربازان کوفی این سپاه هستند آنها در کمال شگفتی می بینند امیرالمؤمنین چون به نینوا رسید بعد از نماز صبح در منطقه‌ای پست و گروود می نشیند، می‌گرید و خاک آن را می بوسد و خطاب به همراهان اشاره به سوی حسین می کند و می فرماید این جا مقتل فرزندان حسین است پس سعی کنید او را یاری نمایید و... پس از این سخنان هرثمه و شیبان شگفت زده می‌شوند از یک سو شیبان پس از دور شدن لشکر از منطقه در بیابان های اطراف می گردد و استخوان حیوان مرده‌ای می یابد و می آورد و در محل گودی چال کرده و نشانه گذاری می کند. هرثمه هم که یک سال بعد (جنگ صفین نزدیک یک سال طول می‌کشد) که به کوفه باز می گردد خطاب به همسرش که شیعی است قصه را تمسخر آمیز تعریف می کند ولی با شماتت همسرش روبرو می‌شود.

سال‌ها می گذرد تا این که قیام حضرت سید الشهدا رخ می‌دهد و ابن زیاد سپاهیان کوفی را به کربلا اعزام می‌کند و در این میان هرثمه همراه لشکر عمر

سعد بی خبر از همه جا راهی کربلا می شود و چون به کربلا می رسد ناگهان آن خاطره به یادش آمده و از لشکر عمر سعد جدا شده و نزد امام می آید و شروع به نقل خاطره می کند امام می فرماید اینک چه می کنی؟ او می گوید توان ماندن با شما را ندارم و امام اجازه رفتن را به او می دهد.

ولی شیبان وقتی به کربلا می آید و ماجرا را به یاد می آورد از هر دو گروه جدا می گردد و در منطقه ای در همان حوالی مخفی می گردد تا جنگ رخ می دهد و پس از پایان نبرد و باز گشتن لشکر عمر سعد به کوفه او از مخفی گاه بیرون آمده و به دشت کربلا می آید و پیکر مطهر اما را می یابد و آن گاه محل دفن استخوان را می کاود و چال می کند و می بیند استخوا دقیقا در کنار پیکر امام چال شده است. (ر ک تاریخ مدینه دمشق: شرح حال حسین بن علی بن ابی طالب)

تحلیل شخصیت:

ادوار زندگی:

حوادث کربلا	خلافت معاویه	امیر المومنین در راه صفین
حضور فعال در لشکر عمر سعد و ناگهان یادآوری حادثه که منجر به ولی یا جدایی از منطقه خطر و یا منتظر حادثه نشستن با هدف راست آزمایی نهایی سخن - امام همراه است.	بی تفاوتی و روز مرگی لشکریان غیر شیعی و رضایت به وضع موجود و غفلت از حادثه	مشاهده انبوه لشکریان شیعی و غیر شیعی امیر المؤمنین و واقعه حزن و بکاء حضرت در کربلا را.

شناسنامه تولی:

معرفت: اکثر کوفیان مسلمانانی بودند که امیر المومنین را خلیفه چهارم می دانستند و از سابقه اسلامی او آشنایی و آگاهی نداشتند و رفتارهای معنوی و یا غیبی امام برای آن ها عجیب بود

محبت: گرایش های این جماعت بر اساس طراحی نظام خلافت حبّ دنیا و اطاعت مطلق از هر خلیفه عادل یا فاسقی بود.

طاعت: زندگی آن‌ها به روز مرگی و پیش آمد حوادث می‌گذشت و از بصیرت و فعالیت و تحول و خلاقیت در زندگی دینی و دنیوی آن‌ها نشانی نبود و غالباً سیاهی لشکر جبهه حق یا باطل می‌شدند.

نکات شخصیتی:

- ویژگی ثابت شخصیتی: شخصیت منفعل / غافلانه / سلطه پذیر / عدم قدرت اراده و تصمیم‌گیری

- نقطه عطف: مشاهده معجزه یا پیشگویی از امام معصوم و هجو و تمسخر و یا بی تفاوتی و یا تلاش برای راست آزمایی بیهوده درباره آن.

ایده محتوایی: عوام الناس اصطلاحی است برای افراد عادی و معمولی که زندگی خود را به روزمرگی گذرانده و اراده‌ای برای تغییر و تحول مثبت و تلاش برای استفاده بهتر از استعدادهای خود ندارند. آن‌ها قطعاً به زندگی خود با فرصت‌ها و یا نشانه‌های حق و باطل روبرو میشوند ولی شخصیت منفعلانه و متابعت اکثریت انتخاب‌های آنهاست نه درک فطری و علمیو شجاعت رفتاری.

۶- رفاعه بن شداد بجلی

از مسلمانان یمنی و ساکن کوفه پس از فتوحات بود او در کوفه در آخر خلافت عثمان جزو گروه محبین اهل بیت بود به گونه‌ای که از دوستان صمیمی سلیمان بن سرد خزاعی، مسیب بن نجبه فزاری و عبدالله بن وال تیمی (سران توابین پس از عاشورا) بود.

او در سفر حجی که همراه مالک اشتر به مکه می‌رفت این فرصت را یافت که در ماجرای رحلت و دفن ابوذر در ریزه شرکت داشته باشد.

با به خلافت رسیدن امیرالمؤمنین، در آغاز به قضاوت اهواز منصوب شد ولی با آغاز جنگ صفین به لشکر امام پیوست اگر چه پس از رخداد حکمیت دچار تحیر و تزلزل شد. او همراه و همانند سلیمان بن سرد جزو معترضین به صلح امام حسن بود ولی بر تشیع خود باقی‌ماند.

با شروع موج نامه‌نگاری به سیدالشهدا همانند سلیمان در آغاز با هیجان زیاد جزو نامه‌نگاران به امام بود ولی پس از آمدن حضرت مسلم ناگهان از تحولات شهر و شیعیان غائب می‌گردد.

پس از شهادت امام همانند دوستانش پایه‌گذار توابین هستند و منتظر شرایطی مناسب می‌مانند. مرگ یزید به سرعت به شکل‌گیری قیام توابین در سال ۶۴ منجر شد که فرماندهانش همین ۴ نفر بودند آن‌ها در قیامی سریع و بدون برنامه و با لشکری کوچک به مصاف لشکر شام می‌روند ولی گرفتار قتل عامی وسیع می‌شوند پس از کشته شدن سلیمان و عبدالله و مسیب و جمع بسیاری از توابین رفاعه مابقی توابین را جمع کرده و به کوفه باز می‌گرداند و پس از رخ دادن قیام مختار او به جای همکاری با مختار به گروه اشراف متحد شده بر علیه او می‌پیوندد تا اینکه سرانجام اشراف شهر تصمیم می‌گیرند در میانه حکومت مختار بر علیه او کودتایی را طراحی می‌کنند در طراحی و انجام کودتا رفاعه همراه اشراف شهر بر علیه مختار است تا این که در اوج درگیری‌ها که سرانجام به شکست کودتا منجر شد او شنید که در برابر شعار نیروهای مختار که غالباً یا لثارات الحسین بود، شعار کودتاچیان یا لثارات عثمان است او ناگهان به خود آمده و جدایی خود را از کودتاچیان اعلام می‌کند و همان‌جا بر علیه آن‌ها شمشیر می‌کشد و توسط همان‌ها کشته می‌شود.

تحلیل شخصیتی او:

ادوار زندگی:

مرگ	بزرگ سالی	میان سالی	جوانی
تنها رهبر بازمانده از نبرد توابین بود که پس از آن همراه اشراف بر علیه مختار وارد جنگ شد ولی وسط جنگ با اشراف درگیر شد و کشته شد.	در قیام سیدالشهدا به همراه سلیمان نهضت نامه‌نگاری را شروع کرد ولی زود کنار کشید و یارانش را هم کنار کشید	در زمان امیرالمومنین خوب شروع کرد ولی در اواخر دچار برخی تزلزل‌ها شد اگر چه تشیع خود را حفظ کرد ولی به دور از افراط و تفریط نبود	جوانی اش در فتوحات و در محضر مالک اشتر گذشت و به همین واسطه دارای گرایش‌های شیعی شد و سلیمان بن صرد و گروهش شد.

شناسنامه تولی:

معرفت: انس او با شیعیان خالص، بذر حق را در دل او کاشته بود ولی او برای پرورش بذر تلاشی انجام نداد لذا مشکل بزرگش ضعف بصیرت و نگرش زمانی بود

محبت: معرفت ناقص ایمان و محبت ناقصی را در او موجب شده بود.

طاعت: معرفت و ایمان ناقص باعث عمل و طاعت نیمه کاره و ناقص است که نتیجه آن اگرچه رویارویی با معصوم نیست ولی تنهایی و غربت معصوم در موقع نیاز است لذا توأب بودن او هم به نفع ولی زمان تمام نشد.

نکات شخصیتی:

- ویژگی ثابت شخصیتی: عدم بصیرت و ضعیف عملکرد در شرایط بحرانی و آشوب

- نقطه عطف: توأب بودن او البته اگر معنای واقعی پیدا می‌کرد

ایده محتوایی: حیرت و تزلزل و بحران‌ها یکی از مدل‌های امتحان‌های الهی است، دعای دوران غیبت امام زمان در مفاتیح الجنان ناظر به حیرت‌های آخر الزمان است و نهج البلاغه هم آکنده از آسیب شناسی علوی کوفیان با رویکرد تزلزل شناسی آنهاست. با این نگاه مشخص می‌گردد آفت بزرگ افراد و جامعه دینی در مرتبه بین نفاق و ایمان، حیرت است که بازتاب آن نیروسازی برای منافقین و یا حداقل ریزش نیروها از رهبران ایمانی و تنهایی غربت آنهاست.

۷- طرمح بن عدی طایی:

او از بزرگان قبیله طیّ بود که از شیعیان اهل بیت شمرده می‌شد در دوران خلافت ظاهری امیر المومنین او از یاران ویژه آن حضرت بود به گونه ای که چندین مرتبه به عنوان پیک به سوی معاویه به شام اعزام شد و با معاویه در نقش سفیره امام سخنان تندی داشته بود.

پس از شهادت امیر المومنین اگر چه بر تشیع خود باقی ماند اما دیگر از کوفه به قبیله طی منتقل شده بود و مشغول زندگی شخصی خود شده بود و از تحولات جهان اسلام و اخبار اهل بیت دور افتاده بود.

تا اینکه در اوج تحولات کوفه پس از شهادت حضرت مسلم و در راه عراق بودن امام او برای تهیه آذوقه سالیانه از محل قبیله خود به کوفه می‌آید و با این که از اوضاع مطلع می‌شود ولی بی تفاوت سرگرم کارهای شخصی خود می‌شود تا این که چند نفر از شیعیان که قصد پیوستن به امام را دارند و مشکل خروج از شهر را با توجه به محاصره شدید تمام راه‌ها دارند به جستجوی راه بلدی می‌گردند که آن‌ها را ا بیراهه به سوی راه حجاز می‌برد (محل قبیله طی در جنوب غرب عراق و شمال حجاز در کنار راه مکه به عراق بود) پس در جستجوهای خود به طرماح می‌رسند که سابقه تشیع داشته و راه بلد هم است. او می‌پذیرد که آن‌ها را از کوفه خارج کند و به سمت حجاز ببرد.

این گروه پنج شش نفری در حومه غربی کوفه موقعی که امام با لشکر حرّ همراه است به امام می‌پیوندند. پس از رسیدن یاران امام به حضرت ، حضرت رو به او کرده و از او هم طلب یاری می‌نماید ولی او مسئله رساندن آذوقه به قبیله و خانواده‌اش را بهانه می‌کند و از امام می‌خواهد به سمت قبیله آن‌ها بیاید و پس از نپذیرفتن امام قول می‌دهد آذوقه را به خانواده‌اش برساند و آن‌گاه باز گردد و چنین هم می‌کند و چون به قصد یاری امام به سوی کربلا به راه می‌افتد در میانه راه خبر شهادت امام را می‌شنود و باز می‌گردد.

تحلیل شخصیت:

ادوار زندگی:

قیام امام	خلافت معاویه	خلافت امیر المومنین
دغدغه معیشت او را از یاری رسانی به هنگام به امام باز می‌دارد و وقتی به یاری بر می‌خیزد که فرصت گذشته اشت	در این زمان دشوار اگر چه تشیع خود را حفظ می‌کند ولی از جامعه کوفه دور و منزوی شده و غرق زندگی و معیشت روز مره خود می‌شود	از خواص یاران شیعه و کارگزاران موقت علوی که کارنامه مثبتی دارد

شناسنامه تولی:

معرفت: معرفت اگر در شرایط دشوار به روزرسانی و تقویت نشود می‌تواند تضعیف و سست گردد.

محبت: در شرایط بحرانی با وجود معرفت قدیمی و سنتی اگر چه ایمان اجمالی هست ولی زمان شناسی و بصیرت رنگ می‌بازد و باعث غلبه محبت‌های دنیوی بر محبت ولیّ زمان می‌گردد.

طاعت: تضعیف معرفت و محبت در نمود عملی خود باعث سردرگم در تشخیص اهم و مهم‌ها و اولویت‌ها در زندگی می‌شود و فردی و شخصی در اولویت اول قرار می‌گیرد و همین باعث فرصت‌سوزی تاریخی این‌گونه افراد می‌شود.

نکات شخصیتی:

- ویژگی ثابت شخصیتی:

بی تفاوتی اجتماعی و یاس و نومیدی
عدم درک اولویت‌ها و اهم و مهم‌ها

- نقطه عطف:

شناخت معاویه و خلافت او از نزدیک
همراه شدنش با یاران امام
دیدار با امام

ایده محتوایی: طرح الگوسازی انسان‌هایی است که زندگی روزمره آنها به دغدغه معیشت و مسائل اقتصادی با رویکرد فردی می‌گذرد و در کنار آن نسبت به حضور اجتماعی یا بی تفاوت و دلزده است، یا مدام آیه یأس و نومیدی می‌خواند و سرانجام چنان غرق زندگی فردی خود می‌شود که با عدم تشخیص اهم و مهم‌های زندگی باعث فرصت‌سوزی تاریخی می‌شود.

ج) شخصیت‌های سیاه

۱- شبث بن ربیع تمیمی:

یک سال قبل از بعثت در سال ۳۱ عام الفیل در قبیله تمیم در شرق عربستان متولد شد. جوانی‌اش در جاهلیت گذشت تا اینکه در اواخر عمر پیامبر قبیله تمیم در مشرق عربستان مسلمان شد او هم همراه آن‌ها مسلمان شد ولی در اواخر عمر پیامبر که مسئله ارتداد مسیلمه کذاب و سجاج زن مدعی پیامبری در بنی تمیم پیش آمد او به این زن گروید و اذان گوی او شد تا این که پس از رخ دادن جنگ‌های رده و شکست پیامبران دروغین دوباره اسلام آورد.

با آغاز فتوحات همراه اعراب مهاجر در آن شرکت کرد و پس از آن ساکن کوفه شد. با آغاز اعتراض‌ها بر علیه عثمان جزو کوفیان معترضی بود که به مدینه آمدند و در قتل عثمان مشارکتی فعال داشتند. با آغاز خلافت علوی در ابتدا در فتنه جنگ جمل به متمایل به اصحاب جمل شد و از کسانی بود که کوفیان را از یاری امیر المومنین باز می‌داشت ولی پس از پیروزی حضرت همانند دیگران به خلافت حضرت (به عنوان خلیفه چهارم) تن داد. در جنگ صفین همانند حضرت به جنگ معاویه و لشکر شام آمد و یکی از پیک‌های مذاکره‌کننده امام با معاویه و اطرافیان‌ش بود تا این که سرانجام جنگ در گرفت ولی با پیش آمدن مسئله حکمیت به سرعت جزو یکی از چهره‌های مطرح

خوارج شد به ویژه که اکثر خوارج در آغاز عمدتاً از زهاد و قراء قبیله بنی تمیم بودند که از همان قبیله شیب بود بدین جهت از او به عنوان یکی از سه رهبر اصلی خوارج نام برده شده است البته همراهی او با خوارج تا آستانه جنگ نهروان بود و در آن زمان دوباره از خوارج جدا شد و توبه کرد و به لشکر حضرت پیوست. پس از پایان جنگ نهروان و تزلزل موقعیت حضرت در عراق، او جزو منافقین کوفه بود به گونه ای که روزی همراه اشعث بن قیس و عمرو بن حرث و جریر بن عبدالله در بیابان های اطراف کوفه با سوسماری برخورد کردند و جهت تمسخر بیعت خود با امام با آن سوسمار بیعت کردند و آن گاه نزد حضرت رفتند و حضرت با آگاه سازی آن ها از رفتار زشت اشان به آنان خبر داد که به زودی در قیامت با امام اشان که با او بیعت کرده اند یعنی سوسمار محشور خواهند شد که آن ها را به سوی آتش می برند.

در همان زمان ها او همانند چهار نفر دیگر از منافقین مسجدی را در کوفه، در محله خود بنا کرد که امیرالمؤمنین آن ها را مساجد ملعونه نامید و مسلمانان را از اقامه نماز در آن ها بر حذر داشت (مساجد اشعث، جریر، سماک بن مخرمه، شیب و...) البته با این فرمایش حضرت این مسجد رو به ویرانی رفت ولی شیب پس از حادثه کربلا به شکرانه شهادت سیدالشهدا دوباره آن را بازسازی کرد. در خلافت کوتاه امام مجتبی او از منافقینی بود که در طراحی ترورهای مکرر حضرت و تضعیف پایه های خلافت ایشان به شدت فعال بود.

پس از به خلافت رسیدن معاویه، معاویه سفارش ویژه برخی از رجال کوفه را به والی خود مغیره کرد که در میان آن ها شیب بود بدین جهت شیب در این زمان جزو اشراف اموی شهر شد و در ماجرای حجر بن عدی بر علیه او شهادت داد.

پس از مرگ معاویه و آغاز نامه نگاری به سید الشهداء او به همراه برخی از اشراف آخرین نامه از کوفه را به امام نوشت، ولی با آمدن حضرت مسلم به کوفه روی خوشی به ایشان نشان نمی دهد با آمدن ابن زیاد مدتی خود را به بهانه بیماری خانه نشین می کند ولی با اصرار ابن زیاد سرانجام به جمع اشراف برگرد او

می پیوندد و با هزار سرباز راهی کربلا می‌شود و در کربلا فرمانده پیاده نظام کوفیان می‌شود. اگر چه که در صحنه‌های کارزار کربلا سعی می‌کند که از حضور رودرور در جنگ کناره گرفته و همیشه در حاشیه صحنه‌های نبرد باشد. او پس از حادثه کربلا مسجد خود در کوفه را به شکرانه قتل سیدالشهداء تجدید بنا می‌کند.

پس از مرگ یزید با قدرت گیری خلافت ابن‌زبیر، شبت از اطرافیان والی زبیری کوفه می‌گردد و با آغاز قیام مختار در کوفه او به شدت به یاری والی زبیری می‌آید و شدیدترین مقاومت‌ها را در برابر پیروزی مختار دارد ولی پس از محرز شدن پیروزی مختار و شکست نیروهایش تسلیم می‌گردد.

ولی در میانه حکومت مختار دوباره با همکاری اشراف، شورش بزرگ را بر علیه مختار در کوفه به راه می‌اندازد ولی دوباره این شورش شکست می‌خورد و او به سوی بصره متواری می‌شود و مصعب بن زبیر را بر علیه مختار تحریک به جنگ می‌کند و مصعب با لشکر بزرگی مرکب از بصریان و فراریان کوفه به جنگ مختار می‌آید، جنگی که سرانجامش شهادت مختار و یارانش است. به نقل مشهور شبت یا در این جنگ در سال ۶۷ کشته می‌شود (و یا کمی بعد از آن به درک واصل می‌گردد).

تحلیل شخصیت:

ادوار زندگی:

مرگ	بزرگ سالی	میان سالی	جوانی
سرانجام پس از یک عمر ایفای چهره‌های رنگارنگ در شرایطی اشفته و نابسامان، مرگ سرانجام اوست.	از حوادث منجر به خلافت حضرت تا پس از شهادت سیدالشهداء از افراد متلون و منافق در برابر حق و همکار با باطل جهت دست‌یابی منافع شخصی خود می‌باشد.	پس از ماجرای فتوحات ساکن کوفه شده و به پشتوانه قبیله‌اش جایگاهی اشرافی و ممتاز برای خود در کوفه ایجاد می‌کند	از جاهلیت تا اسلام ظاهری و آن‌گاه جزو خواص جریان ارتداد و دوباره اسلام ظاهری او

شناسنامه تولی:

معرفت: او معرفت به حق و باطل دارد ولی به این معرفت توجهی ندارد و معرفت به دنیا و منافع دنیوی بیشترین هدف اوست.

محبت: محبت دنیا در دل او ریشه دوانده و هدفش یک لحظه نفس کشیدن بیشتر به هر قیمتی است.

طاعت: برای زندگی دنیوی حاضر به تن دادن به هر کاری و هرگونه همکاری با باطل می باشد و در این مسیر دائم رنگ به رنگ می شود تا چند روز بیشتر و به هر قیمتی که شده نفس بکشد و این هدف، زندگی‌ای پرفراز و نشیب و اضطراب فراوانی برای او به همراه می‌آورد.

نکات شخصیتی:

- ویژگی ثابت شخصیتی:

متلون و منافق و عدم امکان اعتماد به او
تلاش برای باطل شناسی در هر مقطع زمانی جهت پیوستن و بهره‌مندی حداکثری دنیوی در لحظه لحظه زندگی خود.

- نقطه عطف:

- لحظه لحظه زندگی او نقطه عطف و تغییر و تحول در مسیر باطل و روند متوالی منفی می‌باشد.

ایده محتوایی: او در حادثه عاشورایی سرآمد افراد رنگارنگ و نان به نرخ روز است. آنها که در تلاش هستند تا در این دنیا حتی اگر شده یک نفس بیشتر بکشند، به هر قیمتی و با محقق ساختن مستقیم و یا غیر مستقیم هرگونه بلا و مصیبتی برای دیگر و با پیوستن و رصد متوالی جناح‌های غالب بر حاکمیت جهت متملق و چاپلوسی و همراهی برای ادامه زندگی کثیف خود، (ولی مگر سرانجام از مرگ راه فراری است و آیا پایان یک عمر زندگی منافقانه جز مرگی ذلت‌بار راهی است.)

۲- نعمان بن بشیر خزر جی انصاری:

نعمان پسر بشیر بن سعد انصاری بود او از معدود انصاری بود که دارای بغض اهل بیت بود و بدین جهت شریک کودتا چیان سقیفه بود در این امر رقابت اش با سعد بن عباده رئیس قبیله اوس هم مزید بر علت بود.

بدین جهت نعمان هم در ادامه راه از معدود انصار زادگان همراه معاویه در صفین بود و حتی در زمان پس از صفین در حمله های غارتی و شبیخون‌های معاویه به مناطق تحت امر حکومت امیرالمؤمنین فرماندهی یکی از آنها را به عهده داشت. به پاس این خدمات پدر و پسر در غصب، خلافت غاصبین هم به پدر و هم به فرزندش نعمان توجه ویژه‌ای داشتند.

بدین جهت نعمان در زمان خلافت معاویه به مناصب مختلفی همانند امارت حمص و کوفه رسید تا اینکه مرگ معاویه فرا رسید. در آغاز خلافت یزید او عهده‌دار امارت کوفه بود، در حالی که دامادش هم مختار شیبی بود. او که از بغض و کینه شدید یزید نسبت به انصار آگاه بود از علویان هم دلخوشی نداشت نسبت به کوفه در آغاز خلافت یزید چنان سخت گیری از خود نشان نداد و همین امر باعث شد که عده‌ای او را ضعیف تصور کنند و تحولات کوفه آغاز شود. به موازات نامه های انتقادی حزب اموی کوفه به یزید و آغاز موج نامه نگاری در کوفه و آمدن حضرت مسلم به خانه دامادش مختار یزید او را از امارت کوفه عزل کرد و او به شام می‌رود و پس از مدتی والی حمص می‌گردد. پس از مرگ یزید او که والی حمص بود سعی کرد برای ابن زبیر بیعت بگیرد ولی مردم نپذیرفتند و در درگیری‌هایی که رخ داد در سال ۶۵ هـ ق در ۶۴ سالگی کشته شد.

تحلیل شخصیت:

ادوار زندگی:

مرگ	بزرگ سالی	میان سالی	جوانی
پس از مرگ یزید و آشفته شدن اوضاع جهان اسلام و درگیری های آن زمان به دست شامیان اموی کشته شد.	در خلافت یزید از سوویی نمی خواست دست اش به حادثه کربلا آلوده شود ولی دلخوشی زیادی از روحیه انصاری ستیزی یزید هم نداشت	پس از قتل عثمان تا مرگ معاویه سراسر زندگی او خدمت به معاویه است	در دوره خلفا در امتداد پدر از معدود انصار اموی و مقرب دستگاه خلافت بود.

شناسنامه تولی:

معرفت: او همانند پدر چون ریشه در انصار داشت از معارف نبوی درباره اهل بیت و حق و باطل آگاه بود ولی اختلافات جناحی و اغراض دنیوی بر معرفت او چیره شده بود و در نهایت بحران های پس از مرگ یزید باعث تحیر شدید فکری او هم شد.

محبت: زندگی او بر ایمان به منافقین و امویان و رویگردانی شدید از اهل بیت گذشت.

طاعت: ماحصل عمر او و استعداد هایش بهره امویان شد تا به عنوان تنها فرد از انصار در برابر امیر المومنین شمشیر بکشد و تا آخر عمر بر این رویه خود بماند.

نکات شخصیتی:

- ویژگی ثابت شخصیتی: اصرار بر باطل و خدمت گزاری برای آن ها
- نقطه عطف: توفیق همراهی با اهل بیت از شام تا مدینه جهت باز گرداندن آن ها به مدینه ولی عدم بهره مندی از فرصت این مصاحبت تاریخی و بازگشت دوباره اش به شام برای خدمتگذاری به امویان.

ایده محتوایی: مسائل جناحی و قبیله‌ای و نژادی و یا گروهی یکی از آفات زندگی سیاسی اجتماعی است که اگر انسان دارای تربیت در رشد کافی و بصیرت لازم نباشد به راحتی می‌تواند در دام مسائل جناحی گرفتار شده و سر از جبهه باطل در آورد.

۳ - عبدالله بن عمر:

او در سال سوم بعثت به دنیا آمد او فردی تند مزاج و بد اخلاق و ضعیف‌النفس بود و در زندگی، خوبی اشرافی داشت و پدرش او را نه تنها از اداره حکومت بلکه حتی از طلاق دادن زنانش عاجز می‌دانست.

ولی در دوران خلفا که اوج دوران جوانی اش بود او را به عنوان یک صحابی عالم به فتاوی پیامبر (در کنار عایشه) مطرح کردند و برای او شخصیتی علمی اجتماعی ایجاد کردند.

با به خلافت رسیدن امیر المومنین او از بیعت کردن با حضرت امتناع کرد حضرت درباره اش فرمود (او کسی است که حق را یاری نکرد و باطل را خوار نساخته است) در این زمان او در جامعه منزوی است. پس از به خلافت رسیدن معاویه، او خلافت را به رسمیت شناخت و به جایگاه علمی اجتماعی خود باز گشت اگر چه او با ولایت عهدی یزید به ظاهر مخالف بود ولی معاویه سفارش او را به یزید کرد پس از آغاز خلافت یزید و آغاز قیام حضرت در مدت اقامت حضرت در مکه او تلاش بسیاری کرد که حضرت را از قیام باز دارد و به بیعت با یزید و یا سکوت و انزوا راضی کند، در برابر امام او را به یاری اش فرا خواند ولی او نپذیرفت. پس از به شهادت رسیدن امام نامه ای به یزید می‌نویسد و در ضمن آن با او اعلام بیعت می‌کند در ماجرای شورش مردم مدینه بر علیه یزید او به نکوهش آن‌ها پرداخت و در آن سال‌ها سفت و سخت طراح و مروج نظریه لزوم اطاعت مطلقه از خلیفه بود حتی اگر خلیفه فاسد و فاسق باشد چرا که در قرآن اطاعت از اولی الامر مطلق است و خروج بر اولی الامر هم باعث

اختلاف و تفرقه است. این نظریه او باعث شد که او هر وقت خوارج سرکار می آمدند در جماعت (نماز جماعت) به آن‌ها اقتدا کند و وقتی که ابن زبیر به خلافت رسید به او اقتدا کرد و وقتی حجاج بن یوسف ثقفی بر حجاز و عراق مسلط شد با تمسک به روایت نبوی «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة» و تحریف مفهومی و مصداقی آن به سرعت برای بیعت حجاج پیش او برود و حجاج پایش را دراز می کند تا او با پایش بیعت کند. او سرانجام در سال ۸۷ هـ. ق در مکه عمرش سرآمد.

تحلیل شخصیت:

ادوار زندگی:

مرگ	بزرگ سالی	میان سالی	جوانی
او پایه گذار فکری اصل متابعت مطلق با خلیفه و والی فاسق و فاسد است بدین جهت با پای حجاج ثقفی بیعت کرد و مرد.	او در فاصله خلافت امیر المومنین تا قیام سید الشهداء به اتکای شخصیت کاذب علمی اجتماعی خود سعی در موعظه اهل بیت داشت تا همراه امویان بگردند و تفرقه ایجاد نکنند.	دوران خلفا و سعی در ایجاد شخصیت علمی و دینی برای او در برابر اهل بیت	درک محضر پیامبر ولی عدم بهره مندی کافی از آن حضرت و عدم حضوری شاخص در کنار آن حضرت

شناسنامه تولی:

معرفت: او همانند پدرش پیامبر و سخنان اش را از نزدیک دیده و شنیده بودند ولی در برابر پیامبر خود را کارشناس می دانستند.

محبت: باور و گرایش آن‌ها به اسلامی جدید بود که مسلمانان اطاعت مطلقه اما نسبت به خلافت آن‌ها داشته باشند که در آن اهل بیت پیامبر جایگاهی ندارند.

طاعت: زندگی او وقف مانع تراشی در برابر اهل بیت و تقویت خلفا و والیان و فاسق فاسد، آن‌هم با ابزار دین بود.

نکات شخصیتی:

- ویژگی ثابت شخصیتی:

ترسو و تند مزاج و عاجز از تدبیر منزل و مدیریت احساس خود بزرگ‌بینی و خود شیفتگی خودکار شناسی دینی در برابر رهبر حق و امضای مداوم باطل و جعل حدیث برای نظام های باطل گوناگون

- نقطه عطف: (منفی) بیعت با پای حجاج در آخر عمر

ایده محتوایی: مصداق بارز آنهایی می‌باشد که علم و دانش خود را در مسیر باطل خرج میکنند، و اگر چه یک عمر در تناقض علم و معارف با حقایق سر می‌کنند ولی اغراض فاسد آنها باعث گمراهی ایجاد علوم باطل در مسیر تقویت جبهه باطل است.

۴ - عمرو بن حجاج زبیدی مذحجی:

او از اشراف مذحج در کوفه بود که با این که خواهرش همسر هانی بن عروه بود در برابر هانی که دارای گرایش های شیعی بود او از اشرافی بود که با امویان بیشتر همکاری می‌کرد بدین جهت در زمان امارت زیاد و قیام حجر از شهادت دهندگان بر علیه حجر بود و پس از آن تا پایان خلافت یزید دارای ارتباط مستمری با والیان اموی کوفه داشت.

با مرگ معاویه و تزلزل خلافت یزید در کوفه او به همراه جمعی از اشراف از آخرین نامه نویسان به امام بود ولی با آمدن زیاد دچار تحیر سیاسی شد در این زمان اگر چه سایه سنگین هانی بر قبیله اش مانع مانور و حضور سیاسی اوست ولی با دستگیر شدن هانی، او اگر چه رهبری قیام مذحج بر علیه ابن زیاد را به عهده می‌گیرد ولی گویا او ماموریتی پنهان دارد تا با همراهی با این قیام، سرزنشگاه یعنی آن گاه که شریح بر بام قصر شهادت بر سلامت هانی می‌دهد

وظیفه‌اش یعنی متفرق کردن مذحج را به خوبی انجام می‌دهد و در این زمان که دیگر هانی از قبیله دور افتاده است پول‌های این زیاد او را می‌خرند و نتیجه‌اش این می‌شود که وقتی یکی دو روز بعد هانی را برای به شهادت رساندن به میان بازار قصاب‌ها می‌آورند و او فریاد و امذحجاه برمی‌آورد هیچ کس حتی از قبیله‌اش به یاری او بر نمی‌خیزد و این فقط به خاطر تبلیغات و مدیریت عمرو بن حجاج بر قبیله به نفع این زیاد است. پس از آمدن امام به کربلا او هم از سوی این زیاد به همراه گروهی هزار نفری راهی کربلا می‌شود و در کربلا از سوی عمر بن سعد روز هفتم محرم مامور بستن آب فرات بر امام و یارانش می‌گردد.

اگر چه او در شب تاسوعا در برابر گروه ۵۰ نفری یاران امام به رهبری حضرت عباس که ماموریت آب آوردن داشتند با وجودی که ۵۰۰ نیرو به همراه داشت دچار هزیمت شد. با این وجود پس از بستن آب فرات او و سربازانش هتاک‌های متعددی به امام می‌کنند.

او روز عاشورا فرماندهی سمت راست لشکر عمر سعد را به عهده می‌گیرد و چون در برابر نبردهای تن به تن اصحاب نیروهای او کم می‌آورند به سربازانش دستور می‌دهد که تک به تک به مصاف یاران امام نرفته و به صورت گروهی به آن‌ها حمله کنند و بدین گونه در جنایت‌های روز عاشورا او را از صحنه گردان‌های مهم است. پس از به شهادت رسیدن امام و یارانش او همراه شمر و عزره و برخی دیگر مامور بردن سرهای شهدا به کوفه می‌گردد.

با مرگ یزید و آشفته شدن اوضاع کوفه او در برابر جریان‌های شیعی به یاری والی زبیری شهر عبدالله بن مطیع عدوی بر می‌خیزد و از فرماندهان او در برابر قیام مختار است ولی چون مختار پیروز می‌گردد او از کوفه متواری شده و مدتی ناپدید می‌گردد و کسی از محل او با خبر نمی‌گردد تا این که پس از مدتی نیروهای مختار که در تعقیب فراریان می‌باشند در بیابان‌های حومه کوفه جسم بی‌رمق او را می‌یابند که از تشنگی بر زمین افتاده، پس او را به قتل می‌رسانند.

تحلیل شخصیت:

ادوار زندگی و توالی حوادث:

خلافت معاویه (جوانی)	خلافت یزید (میانسالی)	آشوب های پس از مرگ یزید (بزرگ سالی)
از اشراف و بزرگان قبیله مذحج که در رقابتی پنهان در برابر هانی بن عروه بود، بدین جهت در قیام حجر هانی با حجر و عمرو بر علیه او بود و بدین گونه به یاری‌رسانی امویان در قبیله خود مشهور شد.	ابتدا به امام نامه نوشت تا منافع خود را حفظ کند ولی سپس با خنثی کردن نقش هانی موجب ناکامی قیام مذحج شد و سپس با همین قبیله به جنگ امام در کربلا آمد.	در این دوران پر آشوب او و اشراف نگران قدرت‌گیری او مختار و طرح انتقام‌گیری او هستند پس تمام تلاش خود را در برابر آن بکار می‌برد و لی سرانجام مرگی فجیع او را از پای در می‌آورد.

شناسنامه تولی:

معرفت: با وجود حضور در کربلا و شنیدن سخنان امام معرفت او نسبت به حق کافی بود.

محبت: تعلق و محبت به دنیا باعث گرایش همیشگی او به باطل شده بود.

طاعت: زندگی او به رقابت داخلی بر ریاست قبیله گذشت و آن گاه که به این ریاست رسید آن را در بدترین جبهه باطل هزینه کرد و پس از آن به اضطراب و سرگردانی رسید.

نکات شخصیتی:

- ویژگی ثابت شخصیتی: ریاست طلبی بر قبیله به هر قیمتی

- نقطه عطف:

فامیلی و ارتباط سببی و نسبی با هانی لی عدم بهره‌مندی از آن

مواجهه مستقیم با امام ولی هتاکی به جای بهره‌مندی

ایده محتوایی: عمر و الگوی افرادی هستند که در برابر اهل خیر در خاندان

و یا منطقه خود، علم شده و با مانع تراشی سعی در تضعیف جبهه حق و خیر و تقویت جبهه باطل جهت منافع باطل خود می‌شوند.

۷ - محمد و قیس فرزندان اشعث:

این دو از فرزندان اشعث بن قیس رئیس منافقین کوفه در زمان خلافت امیر المومنین بودند. از این دو نفر محمد مادرش ام فروه خواهر ابو بکر بود بدین جهت همانند عمر سعد، برای خود احساس شأن و جایگاه ویژه ای می کردند. پس از مرگ پدرشان در اوائل خلافت معاویه در امتداد وفاداری خواهرشان جعه به معاویه که سرانجام قاتل امام مجتبی در مدینه شد، آن‌ها هم در کوفه به دربار والی اموی شهر پیوستند. البته آن‌ها غالباً ساکن قصر اشعث که در منطقه قادسیه در نزدیکی کوفه بود بودند ولی در حوادث مهم کوفه همانند شهادت اشراف کوفه بر علیه حجر بن عدی نام آن دو به چشم می‌خورد.

با مرگ معاویه و آغاز تحولات کوفه و ایجاد موج نامه نگاری به امام، محمد که متعصب تر بود در سراسر تحولات این زمان خالص باقی ماند. ولی قیس در طرح نامه اشراف همانند عمرو بن حجاج و شیب بن ربیع شرکت کرد ولی با آمدن ابن زیاد به کوفه هر دو به سرعت جذب دربار او شدند و در مصاف ابن زیاد با مسلم بن عقیل پسر طوعه خیر اختفای حضرت مسلم را به محمد بن اشعث که ارباب مادرش بوده می‌دهد و او خبر را به ابن زیاد می‌دهد و ابن زیاد خود محمد را با سربازان فراوان مامور دستگیری مسلم بن عقیل می‌نماید و نبرد از سحر گاه تا پاسی از روز در می‌گیرد و محمد با تمام نیروهای فراوانش عاجز از دستگیری مسلم می‌شوند و در خواست نیروی کمکی می‌کند و سپس با انداختن سنگ، آتش و مجروح کردن مسلم بن عقیل او را راضی به پذیرفتن امان می‌کنند و مسلم را در نهایت دستگیر کرده و تحویل ابن زیاد می‌دهند و اگر چه ابن زیاد امان را زیر پا می‌گذارد ولی فرزندان اشعث واکنشی نمی‌دهند.

در ماجرای دعوت هانی به قصر ابن زیاد مجدداً محمد و قیس هستند که با اصرار او را به آمدن به قصر ابن زیاد فرا می‌خوانند و مجدداً به هانی امان می‌دهند ولی دوباره ابن زیاد امان آن‌ها را زیر پا می‌گذارد و آن‌ها اعتراض

نمی‌کنند و بدین گونه با دادن امان نامه‌ها ی دروغین زمینه شهادت آن دو را فراهم می‌کنند. در ماجرای قیام مذحج و قیام حضرت مسلم حضور اشراف شهر به رهبری محمد بن اشعث باعث سستی کوفیان و شکست این دو قیام می‌شو و اصولاً ابن زیاد جذب دوباره اشراف خانه نشین را به کمک محمد بن اشعث انجام می‌دهد.

در حادثه کربلا دوباره شرکت مستقیم محمد تردید وجود دارد ولی قیس شرکت می‌کند و فرماندهی قبيله کنده و ربیعہ را به عهده دارد و حتی چندین مرتبه مستقیماً به وعظ یا هتاکي نسبت به امام می‌پردازد و از امام می‌خواهد که خود را تسلیم نماید و امام به یاد آوری نقش او و برادرش در ماجرای شهادت حضرت مسلم می‌پردازد.

از پستی قیس همین بس که پس از به شهادت رسیدن امام قطیفه امام را او می‌رباید و آن گاه مامور می‌شود که همراه شمر و عمرو بن حجاج و جمعی دیگر سرهای شهدا را به کوفه ببرد. پس از حادثه کربلا آن‌ها عمدتاً ساکن همان قصر اشعث در قادسیه می‌باشند.

پس از مرگ یزید و آشفته شدن اوضاع کوفه آن‌ها به جریان زبیری‌ها می‌پیوندند و تا می‌توانند بر علیه قیام و پیروزی مختار دسیسه می‌کنند ولی سرانجام مختار پیروز می‌شود با پیروزی مختار قیس و محمد مخفی می‌شوند و حتی برخی تلاش می‌کنند برای آن‌ها از مختار امان نامه بگیرند ولی مختار نمی‌پذیرد در تلاش‌های تجسسی نیروهای مختار سرانجام قیس شناسایی و دستگیر شده و کشته می‌شود ولی محمد موفق می‌شود از بیراهه به بصره فرار کند و نزد مصعب بن زبیر برادر عبدالله بن زبیر والی بصره برود.

او مهمترین کسی است که تلاش فراوان می‌کند با کمک دیگر اشراف فراری کوفه به بصره، مصعب را به جنگ مختار تشویق کند و سرانجام مصعب راضی می‌شود و در این جنگ محمد بن اشعث فرمانده نیروهای فراری و ضد انقلاب کوفه است این جنگ اگر چه در نهایت با شکست و شهادت مختار به

پایان می‌رسد ولی جنگی شدید است که مدتی طول می‌کشد در یکی از روزهای اوج درگیری نیروهای مختار به گروه اشراف و فراریان کوفه حمله‌ای شدید می‌کنند که در آن منافقین بسیاری از جمله محمد به درک می‌رسند.

تحلیل شخصیت:

ادوار زندگی:

مرگ	بزرگ سالی	میان سالی	جوانی
قیام مختار و به کار گیری آن‌ها تمام تلاش خود را در برابر این قیام که منجر به مرگی زود رس برای آن دو شد.	تخیر قیس در ماجرای نامه نگاری ولی در نهایت پیوستن او به محمد و مشارکت فعال هر دو در شهادت حضرت مسلم و جنایات کربلا	امتداد پدر در دوران خلافت معاویه و از چهره‌های شاخص اموی کوفه در این دوران	تربیت و رشد در خانه پدری که سر آمد منافقان حکومت علوی است

شناسنامه تولی:

معرفت: یک عمر حق و باطل را از پدر منافق خود آموخته بودند تا امتداد د استمرار نفاق و کفر در زمانه خود باشند.

محبت: محبت دنیا و شهرت و ریاست گرایش آن‌ها را به سوی امامان نار برده بود.

طاعت: تمام عمر و توان آن‌ها به صورت خانوادگی برای باطل هزینه شد.

نکات شخصیت:

- ویژگی ثابت: نفاق و خیانت به حق.

- نقطه عطف: مواجهه مستقیم با امام و یا نماینده امام ولی رویارویی به جای بهره‌گیری.

ایده محتوایی: نقش تربیت خانوادگی فاسد در سرنوشت و شخصیت افراد و امتداد بخشی برای نیرو سازی مستمر برای جبهه باطل.

نکته پایانی

مبلغ ارجمند: لازم به یادآوری است که به جهت محدودیت حجمی و زمان تبلیغ در این کتاب از ذکر شخصیت‌های دیگر به حد گسترده به ویژه در زمینه شخصیت‌های سیاه پرهیز شده است، چرا که هدف اصلی این کتاب در بازشناسی شخصیت آشکار و پنهان چهره‌های عاشورایی باروی کرد عبرت‌گیری و درس‌گیری می‌بود و در این زمینه اولویت با مطرح شدن چهره‌های سفید و بعد خاکستری می‌باشد که سنخیت بیشتر با محتوای خطابه و معارف دینی دارد. ولی طرح گسترده شخصیت‌های سیاه خطر سیاه‌نمایی و یا توهم منفی‌نگری به جامعه کنونی را ایجاد می‌کرد اگر چه جهت عبرت‌گیری و پالایش بهتر بازشناسی تحلیلی شخصیت آن‌ها بسیار کارگشا می‌باشد بدین جهت انجام مطالعه و پژوهش در زمینه افرادی چون ابن زیادف عمر بن سعد، شمر و دیگر فرماندهان و سیاه‌لشگرهای کوفه در حادثه عاشورا به خود عزیزان واگذار می‌گردد که در صورت نیاز به این مهم اقدام نمایند.

